

پشتیبانی قاطع جمهوری اسلامی از سوریه جلوه درخشانی از سیاست خارجی ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی

☆ ضرورت‌های ناشی از مبارزه با دشمن مشترک، امپریالیسم و صهیونیسم، همه نیروهایی را که در پیکار رهایی بخش شرکت دارند به اتحاد و یگانگی فرامی‌خواند. این اتحاد و یگانگی نه تنها در میان نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه میهنمان، قطع نظر از مرام و مسلکشان ضرورت دارد، بلکه باید در منطقه و در عرصه جهان با آن نیروهایی که با دشمن مشترک در پیکارند، اتحاد و یگانگی پدیدار گردد، قوام یابد و تحکیم پذیرد.

در صفحه ۲

مردم و اکثریت مجلس خواستار

اجرای لایحه اراضی شهری هستند

شورای نگهبان علیرغم نظر اکثریت قاطع مجلس برای دومین بار با تصویب این لایحه مخالفت کرد!
در صفحه ۲

با سلاح اتحاد، توطئه تجاوز امریکا
و متحدان آنرا درهم شکنیم

■ توطئه‌گری‌ها، تشبثات نظامی و دیگر اقدامات دیپلماتیک دزمن‌های ترکیه، پاکستان و جنوب کشورمان، همگی حاکی از آن است که: "خطر تجاوز امپریالیسم امریکا و مزدورانش از کشورهای ارتجاعی مجاور به میهنمان جدی است." متحد شویم!

در صفحه ۲۰

جلوگیری از تشکیل

شوراهای کارگری

سنگ اندازی در راه

تعمیق انقلاب است

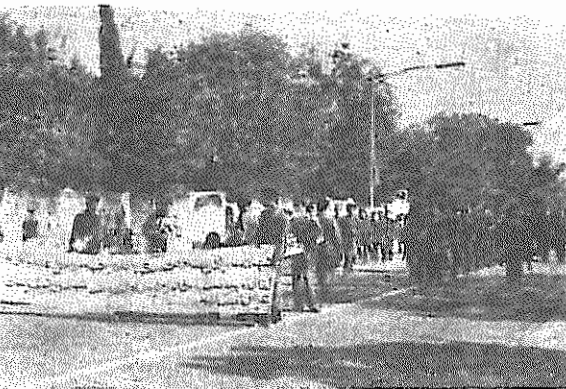
در صفحه ۶

پاسخ
به سوالات
سیاسی
یا تبلیغ
تفرقه و
جدائی

نگاهی به ستون
(پاسخ به سوالات ...)
روزنامه جمهوری
اسلامی شماره‌های ۱۸
آذر و ۱۰ دی ماه
۱۳۶۰

در صفحه

★ رفیق شهید یدالله بهنام احمدی:
" فقط به پیروزی جمهوری اسلامی
بر تجاوزگران می‌اندیشم "



مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جدا شدگان از
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انحلال طلبی چیست؟
و

انحلال طلب کیست؟

در صفحه ۱۱

اعلامیه‌های کمیته‌های ایالتی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در صفحه ۱۰

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

پشتیبانی قاطع جمهوری اسلامی از سوریه جلوه درخشانی از سیاست خارجی ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی

مسافرت رئیس جمهور سوریه به ایران

جبهه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلقهای ایران و منطقه را تحکیم می کند.

در هفته گذشته ، آقای ولایتی وزیر امور خارجه به دعوت رسمی مقامات سوریه به این کشور رفت و با حافظ سعد و دیگر مقامات عالی رتبه جمهوری عربی سوریه دیدار و گفتگو کرد .
دکتر ولایتی وزیر امور خارجه هدف های این دیدار را در مصاحبه روز دوشنبه چهاردهم دیماه خود چنین توضیح داد :

آن بود که اتحاد رژیم های مرتجع عرب و وابسته به امریکا را فشرده تر سازد آنها را از انزوایی که طرح ننگین کمپ دیوید به آن دامن می زد نجات بخشد ، طرح فهد تدبیری بود برای آنکه برخی رژیم های عرب منطقه را که به دلیل ترس از خشم انقلابی کشورهایشان نمی توانستند نیت تسلیم طلبانه خود را نسبت به صهیونیسم آشکار و بطور فعالی بروز دهند ، به جبهه متحد ارتجاع در منطقه جلب کند تا بر پایه طرح فهد علیه جنبش فلسطین و کشورهای جبهه پایداری نقش فعالتری برعهده گیرند . طرح امریکایی فهد ، مانور سیاسی بود در تکمیل مانورهای ستاره درخشان امریکا برای بزانو درآوردن انقلاب فلسطین ، شکاف انداختن در جبهه پایداری و تدارک تجاوز به انقلاب ایران و افغانستان و ...

امریکا از عملی ساختن این طرح ، اساسا هدف انزوا و انفراد نیروهای ضد امپریالیست و مترقی منطقه را تعقیب می کرد و می خواست که تمام نیروهای اصلی و ذخیره خود را بکار گیرد تا فشارهای سیاسی ، نظامی و اقتصادی جدیدی روبرو ساخته و آنها را تضعیف کند و روند رو به گسترش انقلاب های رهاش بخش منطقه را دستخوش اختلال سازد . اهداف و سیاست امریکایی طرح فهد ، بسیار زودتر از آنچه که امریکا و اذنان آن فکر می کردند از سوی دول و سازمان های انقلابی منطقه درک و متعاقب آن فعالیت های افشاگرانه و نیز اقدامات مقتضی برای خنثی کردن این طرح صورت گرفت . بر اثر این کوشش ها و در راس همه ، تلاش های قابل

تقدیر اسفند رئیس جمهور سوریه ، کشوری که در جبهه مقدم در برابر تجاوزات صهیونیست ها قرار دارد ، و نیز موضع گیری قاطع امام خمینی و جمهوری اسلامی ایران ، کنفرانس فاس که برای تأمین توافق همه رژیم های عربی نسبت به طرح فهد و به اصطلاح ایجاد تفاهم بین آنها برگزار شده بود ، شکست خورد و این طرح خائثانه عقیم ماند . شکست کنفرانس فاس در واقع شکست سیاست امپریالیستی دست یابی به " توافق عام استراتژیک " از مصر تا ترکیه علیه جنبش ها و انقلاب های رهاش بخش منطقه بود .

چاره کار ،

تحکیم وحدت است

افشای هدف های امریکایی طرح فهد از جانب امام خمینی ، حافظ اسد و دیگر سران کشورهای جبهه پایداری و مقاومت نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی منطقه در برابر پیشبرد آن ، به ویژه امتناع حافظ اسد از شرکت در کنفرانس فاس که توأم بود با سیاست فعال سوریه در استفاده از همه نیروها و امکانات علیه طرح فهد باعث آن شد که ابتکار عمل از دست مرتجعین امریکایی عربستان خارج گردد این پیروزی جبهه پایداری و نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی منطقه ، واکنش خصمانه امریکا و صهیونیست ها را در پی داشت .

تروریسم با امواج فزاینده تری در منطقه گسترش یافت ، اجرای طرح های تجاوز نظامی به کشورهای جبهه پایداری و انقلاب ایران و افغانستان با شتاب

از سر گرفته شد . امریکا با پا درمیانی عربستان سعودی حلقه محاصره نظامی را بر گرداگرد کشورهای جبهه پایداری و انقلاب ایران با انعقاد پیمان های نظامی تازه تنگتر کرد . کنش اسرائیل الحاق بلندی های جولان به اسرائیل را تصویب کرد ، تجاوز نظامی به لیبی از سر گرفته شد ، بمباران جنوب لبنان با شدت ادامه یافت و مردم فلسطین وحشیانه بمباران شدند . طرح " تربی وایر " و " پوئیزا " در مورد انقلاب ایران بطور عاجل در دستور اجرا قرار گرفت و ...

در برابر خودسری ها و تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم اتخاذ سیاست مشترک ، قاطع ، ترقی خواهانه و انقلابی که مقابله استوار و شکست ناپذیر رژیم های ضد امپریالیست و انقلابی منطقه را با امپریالیسم و صهیونیسم تضمین نماید ، بیش از پیش ضرورت می یابد . سیاستی که بر پایه آن باید همه نیروهای ضد امپریالیست ترقی خواه و انقلابی در هر کشور ، در منطقه و در سطح جهان متحد شوند و در هماهنگی کامل با یکدیگر عمل کنند . ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم و صهیونیسم را در برابر خلفهای خود افشاء کنند ، مردم خود را آگاه سازند که قراردادهایی مانند کمپ دیوید و طرح هایی نظیر طرح فهد ، نه تنها به برقراری صلح عادلانه و احقاق حقوق خلقهای منطقه واز آنجمله خلق فلسطین نمی انجامد ، بلکه بر دامنه تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم می افزاید . می بایست سیاستی در پیش گرفته می شد که به امپریالیسم امکان داده نشود که با ارائه طرح های عوام فریبانه ، ارتجاع را متشکل و نیروهای مترقی را منزوی کند . باید با استفاده از فشار افکار عمومی بر حکام منطقه از افتادن آنها به موضع خیانت آشکار مانند مصر و اردن ممانعت می شد . و همانطوری که امام خمینی در رابطه با الحاق ارتفاعات جولان گفتند :

" ملت ها باید حکومت های خودشان را وادار کنند که در مقابل اسرائیل بایستند "

مسافرت اخیر حافظ اسد به کشورهای عربستان سعودی کویت بحرین قطر ،

امارات متحده یمن شمالی و ... و همچنین مواضع هشیارانه ای که در مصاحبه با روزنامه کویتی الرای العام اتخاذ شده است ، اساسا بر سیاست فوق متکی بوده است . حافظ اسد ، در این مصاحبه همانگونه که در کار هفته پیش نشان دادیم ، می کوشد با واقع بینی ، شیوه پیشبرد عملی مبارزه با صهیونیسم را بیان کند . آخرین اجلاس شورای ملی فلسطین را نیز باید اقدام دیگری برای هماهنگی بیشتر در مقابله با اسرائیل بحساب آورد . تشریح بودن چنین برخورد فعال و دقیقی را می توان از آنجا دریافت که حتی وزیر مشاور در امور خارجه امارات متحده نیوز بنیچر می خواهد " صفوف اعراب به یکدیگر نزدیکتر شود و یک استراتژی هماهنگ اعراب برای رویارویی با دشمن صهیونیست با توجه به الحاق بلندی های جولان اتخاذ شود "

سوریه تنها نیست

به هنگام سفر وزیر خارجه به دمشق نخست وزیر در توضیح هدف های این سفر گفت :

" این سفر دوهدف کلی دارد که اولین آن اعلام حمایت جمهوری اسلامی ایران از کشور برادر سوریه در مقابل تهاجمات اسرائیل و الحاق بلندی های جولان به سرزمین های اشغالی است و اعلام این نکته که ایران با وجود آنکه رژیم صدام امریکایی مشغول نبرد است ، توانایی دارد در عین حال با تمام نیرو در کنار رزمندگان سوریه بر علیه رژیم اشغالگر قدس بجهت مسئله دوم بحث در مورد تحریرات امریکا در منطقه به ویژه در خلیج فارس است

(جمهوری اسلامی - ۱۰ دی ماه ۶۰)

آشکار است که ضرورت های ناشی از مبارزه با دشمن مشترک ، امپریالیسم و صهیونیسم همه نیروهای را که در پیکار رهاش بخش شرکت دارند به اتحاد و یگانگی فرا می خواند . این اتحاد و یگانگی در صفحه ۴

" حمایت جمهوری اسلامی ایران را از کشور برادر سوریه مورد تأکید قرار دادیم و علاوه بر این هدف اصلی این دیدارها موجب تجدید و تحکیم وحدت بین دو کشور اسلامی و پیشرو می شود علاوه حامل پیام وحدتی از جانب رئیس جمهوری کشورمان برای آقای حافظ اسد بودم که این دعوت را ایشان با حسن استقبال پذیرا شدند . ما امیدواریم که هرچه زودتر ایشان را در تهران ملاقات کنیم "

این سفر در شرایطی صورت گرفت که خاورمیانه و نزدیک آستن حوادث تازه است . تمام شواهد نشان می دهد که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار به کمک رژیم های وابسته به خود در منطقه کشورهای جبهه پایداری انقلاب ایران و افغانستان تدارک می بیند از اینرو اهمیت بسیار جدی سفر آقای ولایتی به سوریه را تنها در چارچوب تحولات مهم اخیر منطقه است که می توان دریافت .

شکست طرح فهد و ناگامی کنفرانس فاس

طرح امریکایی فهد در پی

پاسخ به سوالات سیاسی یا تبلیغ تفرقه و جدائی

نگاهی به ستون «پاسخ به سوالات ۱۰۰» روزنامه جمهوری اسلامی شماره های ۱۸ آذر و ۱۰ دیماه ۶۰

در کوران نبرد زندگی ساز مردم میهن مان یا امیرالیسم جهانی بسرکردگی شیطان بزرگ آمریکا، زمانی که مردم زحمتکش و محروم میهنمان در پهنه های خون گرفته جنوب و غرب کشور درگیر نبرد سرنوشت ساز علیه متجاوزین صدامی - آمریکایی هستند و در عرصه داخلی با بحران ها و فشارهای ناشی از محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی و توطئه های تروریستی تفاله های آمریکا درگیر مبارزهای تا پای جان می باشند بدیهی ترین وظیفه نیروهای انقلابی پای فشردن بر وحدت تمام نیروهای اصیل انقلابی و از آن بدیهی تر و ضروری تر مبارزه با کج بینی ها و تنگ نظری ها و تفرقه جویی ها است.

معیار وفاداری و پای بندی هر جریان و نیروی اجتماعی به انقلاب در لحظه کنونی از میزان اعتقاد آن نیرو و جریان اجتماعی به وحدت نیروهای مدافع انقلاب سنجیده می شود. و همچنین پیگیری در مبارزه با کلیه عوامل و دیدگاه هایی که در راه وحدت سنگ اندازی می کنند از معیارها و محک های پای بندی به امر انقلاب است مطالبی که در شماره های ۱۸ آذر و ۱۰ دی ماه روزنامه جمهوری اسلامی و در ستون " پاسخ به سوالات سیاسی شما " درج شده است دقیقاً در سمتی خلاف سمت وحدت صفوف دهها میلیونی مردم و کوششی است در راه جدایی انداختن و تفرقه افکنی میان مردم. نویسنده مقالات فوق و همفکران او باید بدانند که در لحظه کنونی هر نیرو و جریانی که بخواهد شکاف در صف متحد مردم بوجود آورد و بالاتر از آن هر آن کس که در راستای فشرده تر کردن صفوف دهها میلیونی مردم نکوشد به کجراه رفته و با گفتار و کردار خود شهید در کام دشمنان انقلاب ریخته است.

نویسنده ستون پاسخ به سوالات سیاسی روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله ۱۸ آذر ماه خود در پاسخ به سؤال از پیش سمت گیری شده و از قبل جواب یافته " آیا منشعب شدن چریک های فدایی اکثریت و اقلیت یک حيله

سیاسی است و آیا واقعا این دو گروه از هم جدا شده اند " پس از یک سری توضیحات می نویسد چریک های فدایی یکسال پس از انقلاب هنوز تحلیلی ارائه نداده بودند از اینرو وقتی مسائل حادثه مجبور شدند برای جلوگیری از تشتت هواداران علی الظاهر به دو گروه تقسیم شوند تا گرایشات دوگانه را میان خود تقسیم کنند.

کسی که صف دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش می کند دوست مردم نیست

نویسنده مقاله سعی دارد اثبات کند که اکثریت و اقلیت یکی هستند او می نویسد:

پس در این مسئله که انشعاب (اقلیت) یک حيله و تاکتیک سیاسی است شک نیست

اما این تازه زمینه چینی های مقدماتی است همین نویسنده در همان ستون و چند روز بعد مجدداً می نویسد:

" اکثریتی ها که اکثریت جنایت را مرتکب شده بودند به سمت حزب مادر (منظور حزب توده است) گرایش پیدا کردند "

(جمهوری اسلامی ۱۰ دیماه) تلاش نویسنده برای تبرئه گروهک های ضدانقلاب و به زیر تیغ بردن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که مدافع پیگیر انقلاب و خط صدامیریالیستی و مردمی

امام خمینی است و به روشنی و آشکارا چشم می خورد ما از نویسنده این تحلیل های معیوب می پرسیم آیا تفاوتی نیست بین فدائیان اکثریت که از اولین روزهای جنگ تحمیلی با ایثار و فداکاری در جبهه ها رزمیده و شهید داده اند ، کسانی که سرنگونی جمهوری اسلامی را بطور قهرآمیز در دستور کار خود دارند ؟ آیا تفاوتی نیست بین فدائیان اکثریت که در عرصه تولید در جهت خودکفایی میهن مبارزه می کنند و کسانی که همصدا با سرمایه داران و زمینداران و شیطان بزرگ در امر تولید و خودکفایی اخلال می کنند ؟

آیا واقعا تفاوتی بین اکثریت و اقلیت و انقلاب و ضدانقلاب نیست ؟ تلاش نویسنده مقاله برای یکی جلوه دادن دوست و دشمن و بدتر از آن خطرناک تر جلوه دادن مدافعین انقلاب از گروهک های منحرف و ضدانقلاب آب به آسیاب کدام نیرو می ریزد ؟ چرا

نویسنده مقاله به افشای توطئه های امیرالیسم آمریکا و تروریست های اقتصادی و کسانی که مانع اصلاحات اقتصادی اجتماعی به بهانه های شرعی و غیرشرعی مشغولند عنایتی ندارد ؟

و چرا هنگامی که تحلیل ارائه می دهد حق را ناحق و انقلابی را ضدانقلاب معرفی می کند ؟ راستی این کل آلود کردن آب و پاشیدن خاک در چشم مردم برای چیست ؟

طرح درست مسئله چگونه است ؟

واقعیت این است که در جریان تعمیق انقلاب آن نیروهایی که به آماج های اساسی انقلاب وفادار ماندند به دفع تفاله ها و ناخالصی های خود موفق گردیدند و خود را پالایش دادند. پس از سرنگونی رژیم شاه معدوم و مبارزه پیگیر با آمریکا صف بازگان ها ، قطب زاده ها ، بنی صدرها و ... صدها و هزاران ضدانقلابی دیگر از صف متحد مردم تمایز بیشتری یافت و عطلا در مقابل مردم قرار گرفت. نمود این مبارزه طبقاتی که در جامه سه انقلابی ما جریان داشته و دارد در سازمان ما نیز به عنوان نیرویی که بخش نسبتاً وسیعی از توده ها را دربر می گیرد نمی توانست انعکاس نداشته باشد. جریان هایی شبیه اشرف . اقلیت ، جناح چپ از ما جدا شدند و به منجلات و سراسیمه سقوط در غلطی شدند و در دامان ضدانقلاب قرار گرفتند

و اکنون نیز که سازمان ما یکی از درخشان ترین صفحات پیشرفت و تکامل خود را رقم می زند و در جهت پالایش جدی تر خود گام برمی دارد و به خلوص عالی تری در صفوف خود دست می یابد ، باند کشتگر - هلیل رودی از سازمان ما جدا شده اند که در صورت پافشاری بر مواضع انحرافی کنونی شان سرنوشتی غم انگیزتر از اسلاف شان در انتظار آنان است

این واقعیت جریانی است که اتفاق افتاده است اما هرگاه ما نیز چون نویسنده مذکور هیچ تعهدی در قبال انقلاب و نیروهای مدافع آن حس نکنیم و با اسلوب او به مبارزه طبقاتی در حال جریان در جامعه برخورد کنیم ، چه اتفاق خواهد افتاد ؟

بطور مثال با اسلوب تحلیل نویسنده یاد شده باید گفته شود " ضدیت بنی صدر با خط امام و اتحاد بنی صدر با مجاهدین و سلطنت طلبان صرفاً یک حيله و تاکتیک سیاسی و برای جلوگیری از تشتت هواداران جمهوری اسلامی است و به دو گروه تقسیم شده اند تا گرایشات دوگانه را میان خود تقسیم کنند "

آیا چنین سخن گفتن معیوب و واژگونی های یک سر سوزن با واقعیت مبارزه های که در میهن ما جریان داشته و دارد مطابق است ؟

همانگونه که جمهوری اسلامی و خط امام در پیکار بی وقفه با امیرالیسم پالایش یافت ما نیز به نحوی دیگر و در همین مبارزه پالایش یافتیم و صفوف خود را پاکیزه نمودیم . همانگونه که حساب اقدامات ضدانقلابی بنی صدرها و بازگان ها و ... از حساب نیروهای انقلابی بیرو خط صدامیریالیستی و مردمی امام خمینی جداست.

نمی توان گفتار و کردار گروهک های منحرف و ضدانقلاب را به پای نیروهای انقلابی هوادار سوسیالیسم علمی نوشت .

دو شیوه برخورد به مسئله اتحاد و تفرقه در صفوف مردم

ما هنگامی که نیروهایی تحت عنوان اشرف ، اقلیت و ... و اخیراً باند کشتگر هلیل رودی از سازمان جدا می شدند علاوه بر اینکه ریشه های انحراف فکر و عمل آنان را توضیح دادیم و قربات این نیروها را با نیروهای جنبه ضدانقلاب برشمردیم ، در ضمن همانجا نیز گفتیم که از هرزرفتن بقیه در صفحه ۴

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

پشتیبانی ..

از صفحه ۲

کشورهای امپریالیستی تشکیل شده است. این اردوی جهانی انقلاب است که هر انقلابی از جمله انقلاب مردم مین ما، حزبی جدایی‌ناپذیر از آن است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که تنها و تنها تحکیم پیوندهای انقلاب با اردوی جهانی انقلاب می‌تواند تضمین‌های لازم را برای نخست‌ناپذیر ساختن انقلاب ما فراهم آورد. درک همه‌جانبه این حقیقت دارای اهمیت حیاتی و استراتژیک برای انقلاب ایران است که سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به دمشق و سفر احتمالی حافظ اسد به مین ما می‌تواند و باید به این درک یاری رساند و تحکیم پیوندهای جمهوری اسلامی ایران با اردوی جهانی انقلاب را موجب گردد.

متأسفانه برداشت نادرست از اهمیت سیر انقلاب در دوران ما درک نادرست از دوستان انقلاب هم در عرصه ملی و هم در عرصه جهانی است. اکنون ضربات جبران‌ناپذیری به انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی

بسرکردگی امریکا خصلت جهانی دارد. امپریالیسم و صهیونیسم دشمن همه خلقهای جهان هستند و از اینرو پیکار خلقهای سراسر جهان با امپریالیسم امریکا این شیطان بزرگ دارای سرشت واحد جهانی است. این سرشت واحد جهانی پیکار خلقها برای دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است که طی نزدیک به یک قرن مبارزه طوفانی و پیروزی‌آفرین، جنبه جهانی ضدامپریالیستی را پدیدآورده، آن را تحکیم کرده و به آن نقش قاطعی در تعیین سیر تحولات اجتماعی در دنیای معاصر بخشیده است.

این جنبه جهانی ضدامپریالیستی که پدیده‌های تاریخی و محصول مبارزه تاریخی خلقها برای استقلال آزادی و عدالت اجتماعی است از کشورهای سوسیالیست دولت‌ها و جنبش‌های ضدامپریالیست جهان و جنبش انقلابی کارگری در

یگانگی نه تنها در داخل مرزهای کشور، میان نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه، قطع نظر از مرام و مسلکشان ضرورت دارد، بلکه برای غلبه بر امپریالیسم و صهیونیسم باید در منطقه و در عرصه جهان با همه این نیروهایی که با ایندو دشمن و با آنها در پیکارند، اتحاد و یگانگی پدیدار گردد، قوام یابد و تحکیم پذیرد.

"مسلمانان این مسافرت‌ها به تحکیم هرچه بیشتر روابط ما با کشورهای در حال مبارزه با استعمار جهانی بسرکردگی امریکا کمک بسزایی خواهد کرد"

این سخن نخست‌وزیر یک بار دگر حقیقتی را خاطر نشان می‌سازد. که اکنون پس از بازگشت وزیر خارجه از سفر دمشق و دعوت رئیس‌جمهور ما از حافظ اسد برای دیدار از تهران باید بر آن تاکید تکیه کنیم. مبارزه با امپریالیسم

باید برپراکندگی‌ها فائق آمد و اتحاد بزرگ همه نیروهای مدافع انقلاب (قطع نظر از مرام و مسلک) را در داخل و اتحاد همه نیروها و دولت‌های ضد امپریالیست و ضد صهیونیست را در سطح منطقه و جهان تحقق بخشید.

زمان، زمان دور ریختن اندیشه‌هایی از این دست است. باید برپراکندگی‌ها فائق آمد و اتحاد بزرگ همه نیروهای مدافع انقلاب (قطع نظر از مرام و مسلک) را در داخل و اتحاد همه نیروها و دولت‌های ضد امپریالیست و ضد صهیونیست را در سطح منطقه و جهان تحقق بخشید. ما امیدواریم که پشتیبانی قاطع جمهوری اسلامی ایران از جمهوری عربی سوریه در برابر تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم که جلوه درخشانی از یک سیاست خسارچی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی است، با تحکیم جنبه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلقهای منطقه تداوم یابد و با گسترش پیوندهای جمهوری اسلامی با اردوی جهانی انقلاب، شکوفان تر گردد.

وارد آورده است. هنوز نیروهای نسبتاً قدرتمندی در جمهوری اسلامی حضور دارند که اهمیت تحکیم پیوندهای جمهوری اسلامی را با اردوی جهانی انقلاب درک نمی‌کنند و حتی با این جنبه ویژه و با بیشترین گردان‌های این جنبه سوسیالیستی و در کانون آن پیشرفته‌ترین کشورهای سوسیالیست جهان اتحاد جماهیر شوروی که حافظ اسد آن را دوست پایدار خلقهای عرب و غیر عرب را بیکار علیه امپریالیسم و صهیونیسم می‌شناسد، دشمنی می‌ورزند هرگونه دشمنی با اردوی جهانی انقلاب هرگونه دشمنی با کشورهای سوسیالیست، هر ایده و آرمانی که در راه تفرقه و پراکندگی نیروهای این جنبه بگوشد، نه تنها به انقلاب تعلق ندارد، بلکه علیه انقلاب است.

سوی دشمن اصلی یعنی شیطان بزرگ امپریالیسم امریکا نشانه رویم. هر گفتار و هر عملی که خلاف این سمت اساسی انقلاب حرکت کند از راه انقلاب منحرف گردیده است. امام خمینی زمانی با هشجاری و درایت تمام مطرح کرد که "عدای شوروی را مطرح می‌کردند که امریکا منسی بشود" نویسنده مقاله نیز با زیرکی تمام سعی دارد تمام توطئه‌هایی را که پس از انقلاب در مین‌مان صورت گرفته زیر جلگی به گردن اتحاد شوروی بیندازد بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و تروریست‌های رنکارنگ را از زیر ضرب خارج کند و در عوض پیگیرترین نیروهای مدافع انقلاب و پیگیرترین نیروهای مخالف بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران، یعنی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران را به زیر ضرب بگیرد. مسئولین روزنامه جمهوری اسلامی هشیار باشند و اجازه ندهند روزنامه‌ای که هر کلامش باید دشمنان انقلاب را نشانه بگیرد، دوستان صدیق انقلاب را هدف بگیرد.

وحدت شکن در میان مردم در خدمت ضدانقلاب است. اما نویسنده مقاله یادشده عقیده دیگری دارد او می‌نویسد: "ولی آنچه هرگز نباید در آن شک داشت این است که در همه دگرگونی‌ها مداخله حزب توده و قطبی که این حزب از آنجا ارتزاق می‌شود، آشکار است و مردم ما با هشجاری تمام به این قضایا چشم دوخته‌اند و به محض آنکه کوچکترین مخاطره و صدمه‌ای از جانب این سیاست‌یاران احساس کنند، وظیفه انقلابی اسلامی، مردمی خویش را انجام خواهند داد" واقعیت این است که تمام نیروهای کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان چهار چشمی سازمان ما و حزب توده ایران را زیر نظر دارند و با تمام نیرو علیه ما تبلیغ می‌کنند و در راه وحدت ما و نیروهای پیرو خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی سنگ اندازی می‌کنند. متقابلاً وظیفه همه ما نیروهای انقلابی است که حرکات دشمنان انقلاب را زیر نظر بگیریم و توطئه‌های آنان را در تطفه خفه سازیم باید تمام قلم‌ها و مسلسل‌ها را به

برهه از زمان که امپریالیسم جهان‌خوار در تمام عرصه‌ها تسلیمات کینه‌تورانه خود را علیه اردوی انقلاب جهانی و در رأس آن کشورهای اردوگاه سوسیالیستی دامن می‌زند و مرتباً در تدارک جنگ و توطئه تجاوز آشکار به استقلال و آزادی خلقهای رها شده می‌باشد، اکنون که طرح توطئه‌گرانه و تجاوزکارانه "تریب‌وایر" با همدستی و هم‌داستانی کشورهای ارتجاعی منطقه: ترکیه و پاکستان آشکار شده است، حال که رژیم‌های مرجع خلیج زیر پوشش "شورای خلیج" در راه تدارک توطئه‌های بازهم وسیع‌تری علیه مین ما هستند و در زمانی که کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به انواع توطئه‌ها و حیل‌های سریعی و غیرشرعی متوسل می‌شوند که یازگراخی خارجی ملی نشود که بند "ج" و "د" اجرا نگردد که تدریجاً در جهت بهبود وضع مکن برداشته نشود زمانی که بزرگ مالکین و سرمایه‌داران به کمک ایادی خود آدم می‌کشند به تسرور اقتصادی متوسل می‌شوند و "حزب" نویسی می‌کنند، بسودن شک هر آوای

از صفحه ۳

پاسخ به سوالات سیاسی ..

سیناساخته "کارگر" از توطئه کشتگر - هلیل‌رودی اظهار شغف می‌کند و به آن "صدآفرین" می‌گوید و سازمان فدائیان (اکثریت) را لعن و تکفیر می‌کند، تعجب‌آور نیست، اما روزنامه جمهوری اسلامی که از مدافعین انقلاب و جمهوری اسلامی است، چرا باید اجازه دهد که کسانی زیرکانه بکشند ستونی باز کنند و سؤالاتی طرح کنند و آنگاه پاسخی دهند که انقلاب و نیروهای مدافع آن را هدف گرفته و تنها دشمنان انقلاب از آن شادمانند و برایش کف می‌زنند؟

مواظب چه کسی باید بود؟ در این مقطع حساس از نبرد سهمگین خلقهای زیر ستم و اردوی انقلاب جهانی با تمام اردوی جنایت و استعمار و جنگ‌طلبی بسرکردگی امریکا، در این

این نیروها متأسفیم و از این بهم‌کردگان خواستیم که خود را تکان دهند، متحبول گردانند و به اردوی انقلاب بازگردند. اما نویسنده مقاله یادشده از این تفرقه‌ها و شکاف‌ها در صفوف نیروهای انقلاب شادمان است و وحشتناک‌تر از آن سعی دارد سایر نیروهای مدافع انقلاب را نیز به صف این گمراهان براند. وقتی روزنامه‌های میزان و انقلاب اسلامی، سازمان فدائیان خلق (اکثریت) را به خاطر دفاع از جمهوری اسلامی آماج ناسازها و لعن و نفرین‌های خویش می‌ساختند تعجبی نداشت، زمانی که "حزب" نویسان انجمن حجتیه تمام توجهات را از شیطان بزرگ منحرف و لبه تیغ خود را متوجه بیروان سوسیالیسم علمی یعنی فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران می‌کردند. هیچ شگفت‌انگیز نبود اگر روزنامه تروتسکیستی و

از خاطرات یک رفیق فدایی از پیروزی اخیر بستان

در راه دفاع از میهن انقلابی

مرگ حقیر تر از عزم مردم پیاخته است

بعد از مدتی که خبری از حمله در جبهه‌های جنگ نبود، در هفته اول آذر کم کم خبر آغاز حمله‌ای گسترده را در جبهه‌های (ته‌های اللهاکبر) شنیدیم. از روز پنجم آذر ماه بود که موضعمان شور و فعالیت خاصی بر خود گرفت. ماشین‌های مهمات را می‌آوردند و بچه‌ها آنها را جا به جا می‌کردند. خلاصه هر کسی کاری میکرد هنوز نمی‌دانستیم حمله چه روزی است. از مقدار مهماتی که برایمان آورده بودند می‌توانستیم به گستردگی حمله بی‌بریم. نزدیک ساعت ۵ و ۶ بعد از ظهر روز ۷ آذر بود که خبر یافتیم امشب حمله خواهیم کرد. فوری رفتیم توپ را وارسی کردیم تا مبادا موقع حمله اشکالی

پیش بیاید. کارهایی را که می‌باید هرکس انجام می‌داد دوباره گوشزد کردیم. بچه‌ها خیلی خوشحال بودند همه منتظر بودند بدانند که حمله ساعت چند شروع می‌شود تا اینکه خبر رسید ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه حمله را سیاه شروع می‌کند. حمله از سه طرف بود همه منتظر ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه بودیم. بچه‌ها از خوشحالی آواز می‌خواندند از همه چیز حرف می‌زدند بجز ترس کشته شدن. راستی هم در آن لحظات پرشور و هیجان مرگ کوچکتر از آن بود که جایی برای خود در اندیشه‌مان پیدا کند همه در پیروزیمان مطمئن بودیم. خلاصه ساعت ۱۲/۳۰ شد. صدای شلیک گلوله‌ها از طرف دهلایه و سوسنگرد بلند شد. اما هنوز به ما دستور

تیرنداده بودند. از آنش توپخانه عراقی‌ها که در جلوی ما بودند خبری نبود و ما وقتی باید تیراندازی می‌کردیم که توپخانه عراقی‌ها شروع به تیراندازی کند. از توپخانه عراقی‌ها هیچ خبری نبود. از خوشحالی تو پوست خودمان نبودیم منتظر بودیم تا دستور تیراندازی داده شود تا صدایمان را با صغیر گلوله‌هایمان به گوش مزدوران صدام برسانیم که در میهن انقلابیمان جایی برای شما نیست و خاک میهنمان را گورستان متجاوزان می‌کنیم. ساعت حدوداً ۴ صبح بود که به ما دستور تیراندازی دادند همه سریع رفتیم پای توپ و شروع کردیم به تیراندازی هنوز هیچ خبری از پیروزی حمله نداشتیم. تا اینکه متوجه رفت‌وآمد ماشین‌ها در جاده شدیم. دلبره بچه‌ها تاحدی بود که نمی‌توانستند یکجا بند باشند بالاخره طاقت نیاوردیم از واحد خودمان خارج شده و رفتیم طرف واحد بهداری که نزدیکی‌های ما بود. سپیده

نار زده بود. و خورنید نار از پشت ابرها نمایان می‌شد. وقتی که از تپه‌ها بالا می‌رفتیم به علت بارانی که از شب پیش باریده بود یک رنگین‌کمان بسیار بزرگی در جلومان نمایان شد. به بهداری رسیدیم زیر هر چادری زخمی‌ها را روی برانگارد جوابانده و سرم به بدنشان وصل کرده بودند یکی یکی به چهره‌ها خیره شدیم بچه‌های ۱۴، ۱۵ ساله تا پیرمرد ۵۰ ساله اکثراً بسیجی بودند دور سرشان را با یک نوار سبزرنگ بسته بودند. توی همه زخمی‌ها یکی نظرم‌ان را به خودش جلب کرده بود بطوری که دماغ و چشم‌هایش بصورت وحشتناکی باد کرده بود. در گوشه و کنار چند نفر جمع شده بودند و داشتند حرف می‌زدند یک نفر می‌گفت چطور مزدوران عراقی را اسیر کرده است یک نفر از چگونگی حمله و آزادی بستان می‌گفت خیلی خوشحال شدیم رفتیم طرف دیگر که چند نفر با هم حرف می‌زدند. یکی‌شان می‌گفت وقتی که سپاه به یک

منطقه مین گذاری شده می‌رسد ۲۵ نفر می‌خواست که از روی مین‌ها عبور کنند تا راه برای بقیه بار شود. ۲۵ نفر داوطلب می‌شوند و از روی مین‌ها عبور می‌کنند و هم‌شان به شهادت می‌رسند در اینجا می‌توانستی به نجات افراد سپاه پی‌بری هوا کم کم داشت تازیک می‌شد و ما می‌بایست می‌رفتیم. فردای آن روز دوباره رفتیم بهداری کشته‌های عراقی‌ها را کامیون کامیون می‌آوردند تا دفن کنند. روز سوم بود که برای انتقال مهمات عراقی‌ها به موضعمان به طرف بستان حرکت کردیم. دور و برمان پر بود از اجساد عراقی. در راه، سیل آوارگان بود که از بستان به طرف‌هاواز در حرکت بودند. کودکان باچشمایی مهربوت و خاموش مادران با پای برهنه و بردوششان مقداری از وسائیل اولیه زندگی و پیرمردان که با تنی خسته و نحیف دستشان را به علامت پیروزی بالا می‌آوردند و لبخند می‌زدند

جبهه‌های مقاومت خوزستان قهرمانی عباس را تجربه کرد

رفیق شهید عباس شاه‌ولایتی در سال ۱۳۲۶ در بروجرد چشم به جهان گشود همواره در دوران تحصیل از شاگردان ممتاز بوده و در محیط زندگی‌اش از احترام عمیقی برخوردار بود. عباس در سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه عالی ریاضیات و مدیریت اقتصاد کرج شد و به جنبش انقلابی دانشجویی پیوست. شرکت رفیق در مبارزات صنفی - سیاسی با عشق وافر به توده‌ها عجیب بود او در سال ۵۷ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد که درست همزمان بود با اوج‌گیری جنبش انقلابی در میهن‌مان در این هنگام رفیق عباس همدوش توده‌های میلیونی

در تظاهرات علیه رژیم آمریکایی شاه شرکت کرده و بعد از پیروزی انقلاب با دیگر رفقای همفکرو مبارز خود دو تشکیل سازمان پیشگام کرج نقش فعالی ایفا نمود. عباس همواره با ایمانی تزلزل‌ناپذیر و گام‌های استوار در راه دفاع از انقلاب قدم برداشت و تا آخرین لحظات زندگی پرافتخارش به آرمان خلق و بهروزی زحمتکشانش وفادار ماند. عباس بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ماه تا هنگام اعزام به خدمت سربازی همواره دشمنان انقلاب و خلق را آماج حرکات انقلابی خود قرار داد و در افشای توطئه‌های امپریالیسم خود افزود. او با شروع جنگ تحمیلی رژیم مزدور صدام علیه انقلاب بلافاصله بر طبق رهنمودهای سازمان عمل کرد و برای دفاع از انقلاب یعنی شرکت در جنگ میهنی راهی جبهه‌های جنگ شد تا به پیکار علیه متجاوزین

آمریکایی - صدامی بپردازد رفیق مدت ۸ ماه به عنوان دیده‌بان توپخانه در صفوف مقدم جبهه به‌نبرد بی‌امان ادامه داد کوهستان‌های سرکش و غرورآفرین غرب و دشت گرم و سوزان خوزستان جبهه‌هایی بودند که رشادت و قهرمانی رفیق را در لحظه لحظه حیات‌شان تجربه کردند. رفیق عباس بالاخره در روز بیست و نهم شهریور ۶۰ در جبهه بستان به شهادت رسید و به خیل عظیم شهدای راه استقلال و آزادی میهن پیوست. گرچه رفیق عباس امروز در میان ما نیست که شاهد پیروزی همسنگران خود در جبهه بستان باشد، لیکن جانبازی و شهادت وی بر دشت گرم خوزستان بویندگی رزم ایثارگرانه و فداکارانه کم‌نویست‌ها را در راه استقلال و آزادی میهن به ثبوت رسانده است ما خاطره رفیق شهید عباس شاه‌ولایتی و همه شهدای بخون خفته خلق را ارج می‌نهیم و به همزمان و بستگانش درود می‌فرستیم

شهید یدالله بهنام احمدی: فقط به پیروزی جمهوری اسلامی بر تجاوزگران می‌اندیشیم



عکس بالا گوشه‌ای از مراسم تشییع جنازه رفیق شهید بهنام احمدی را در شهر زادگاهش قائم شهر نشان می‌دهد.

بهنام که در نبرد قهرمانانه علیه تجاوزگران صدامی به شهادت رسید در دفتر یادداشت روزانه‌اش در جبهه نوشته بود " روزها می‌گذرند و در این گذران فقط به پیروزی جمهوری اسلامی بر تجاوزگران می‌اندیشیم، مردم قائم شهر با حضور گسترده‌شان در جریان مراسم تشییع جنازه بهنام، یاد این فرزند قهرمان خود را به شایستگی گرامی داشتند. راهش پر رهرو و یادش گرامی باد!

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★



در هفته گذشته وزارت کار و امور اجتماعی طی بخشنامه‌ای، تشکیل شوراهای کارگری جدید تجدید انتخابات شوراهای کارگری موجود، و در واقع روند گسترش و تثبیت قانونی شکل‌های کارگری را متوقف کرد. تثبیت قانونی شوراهای یا به عبارت دیگر تعهد و تضمین دولت به حمایت قانونی از شوراهای کارگری در سه ساله اخیر از جمله مهمترین مطالبات صنفی - سیاسی طبقه کارگر ایران بوده است. علیرغم حساسیت وضعیت اجتماعی - سیاسی مرحله کنونی رشد انقلاب و اهمیت خطیر نقشی که شکل‌های کارگری در حفظ دستاوردهای انقلاب و بقا آن دارند اخیراً اقداماتی علیه جنبش شورایی کارگران صورت گرفته است که مایه نگرانی کارگران و تمامی نیروهای مدافع انقلاب است.

در ۲ ماه اخیر در ادارات تابعه وزارت کار کارشناسی‌ها و سنگاندازی در راه تشکیل شوراهای و انجمن‌های صنفی افزایش یافته بود. مثلا در استان خراسان در حدود ۱۳ شورا، از جمله شوراهای واحدهای فرنیکا و ناسیونال که از مدت‌ها قبل خواهان تثبیت قانونی خود بودند، و اقداماتی نیز در این زمینه انجام دادند با کارشناسی و استنکاف رئیس اداره کار استان (منزجوی) روبرو شدند. در استان آختران (گرمانشاه) نیز در کارخانه، روند تشکیل شوراهای کارگری (که تا حد تشکیل هیئت موسس پیش رفته بود) از سوی اداره کار استان متوقف گردید. در کارخانه نکاچوب مازندران نیز از سوی اداره کار استان و با تصریح و تاکید شخص آقای توکلی (وزیر کار) حکم به توقف تجدید انتخابات شورا داده شد.

این موارد، در صورتی که به مقیاس سراسر کشور تعمیم نمی‌یافت، و به سیاست رسمی وزارت کار تبدیل نمی‌شد، می‌توانست ناشی از اعمال نفوذها، کارشناسی‌ها و تنگ‌نظری‌های برخی از مسئولین ادارات متوع وزارت کار در این یا آن نقطه

از کشور بحساب آید. اما متأسفانه در خلال دو هفته گذشته آقای توکلی وزیر کار در مصاحبه‌های مطبوعاتی خود، این قبیل وقعه‌ها و کارشکنی‌ها را به منزله سیاست رسمی وزارت کار اعلام نمود و "بدان مشروعیت" بخشید. و جالب‌تر آنکه در توجیه این سیاست اعلام کرد که:

"میل به مشارکت در امور

عجولانه و بعضا غیرمسئولانه آقای وزیر کار در خصوص مشکلات کارگری، نشان می‌دهد که دلایل واقعی متوقف‌کردن روند تشکیل و تثبیت شوراهای، تماما همان نیست که در بخشنامه‌های وزارت کار آمده است. شوراهای کارگری کارخانه‌های جاده مخصوص کرج در سمناری که در هفته گذشته برگزار کردند، مفاد بخشنامه وزارت کار را

را معطوف به تثبیت قانونی حقوق صنفی و شورایی خود نموده و می‌نمایند. تثبیت قانونی شکل‌های صنفی کارگران (شوراهای سندیکاها) عبارت است از تضمین‌ها و تعهدات قانونی‌ای که وزارت کار بر پایه قانون اساسی، در حفظ و احقاق حقوق صنفی و شورایی شکل‌های کارگری بر عهده‌دارد و باید بدان پای‌بند باشد.

آن است که کارگران مبارز و انقلابی میهن ما طی سه ساله اخیر در عمل، به اعتبار درکی که از عملکرد و مضمون وظایف شوراهای و شکل‌نیرومند کارگری - سندیکایی آن داشته‌اند، برای قانونی‌کردن شوراهای مبارزه کردند تا تثبیت قانونی شکل صنفی خویش را متقابلاً به اهرمی نیرومند جهت تأمین و تضمین آزادی‌ها و حقوق صنفی و شورایی‌شان تبدیل کنند. به همین دلیل است که کم و کیف سرنوشت قانونی شورا، برای توده کارگران حائز اهمیت و حساسیت است. آقای وزیر کار می‌گوید:

"استقبال کارگران از قانون شوراهای زیاد است باید پرسنل کافی و متعهد جمع کنیم و پس از آموزش‌های کافی به تشکیل شوراهای بپردازیم"

تجربه سه ساله انقلاب و روند تکوین و گسترش شوراهای کارخانجات جای شبهه‌ای نمی‌گذارد که تشکیل شوراهای اساساً امری انقلابی و دمکراتیک و جوشیده از درون جنبش کارگری و با شرکت و ابتکار توده کارگران بوده است نه وظیفه معدودی پرسنل وزارت کار. تشکیل شورا، امری است مربوط به توده کارگران و حق مستقیم و تفویض‌ناپذیر کارگران برای احراز حقوق صنفی و شورایی‌شان است. از این رو آموزش‌های کافی به پرسنل متعهد وزارت کار برای تشکیل شوراهای کارگری نمی‌تواند توجیهی برای توقف روند تشکیل شوراهای باشد. علاوه بر آن حتی تثبیت قانونی شوراهای موجود نیز نمی‌تواند و نباید به آموزش پرسنل کافی وزارت کار مشروط گردد. اگر واقعا آقای توکلی به این گفته خود اعتقاد دارند، که "میل به مشارکت در امور کشور در کارگران بسیار است" باید زمینه‌های پاسخگویی به این مشارکت را تقویت کنند نه آنکه با موقوف‌ساختن تشکیل قانونی شوراهای، راه را بر حسن مشارکتی بستند. از نظر مأموم این مشارکت بقیه در صفحه ۲۳

جلوگیری از تشکیل شوراهای کارگری سنگ اندازی در راه تعمیق انقلاب است



مورد انتقاد قرار داده و نگرانی خود را از نتایج سوء اینگونه تصمیم‌گیری‌ها اعلام کردند. در همین مدت کوتاه، تصمیم وزارت کار باعث شده است که دشمنان شوراهای کارگری و اخلال‌کنندگان در روند تثبیت قانونی آن برای اقدامات مخرب خود دستاویز رسمی و قانونی بیابند. شکل‌گیری شوراهای کارگری موجود که از جمله مهمترین دستاوردهای انقلاب بهمن است، در عین حال و بطور مشخص محصول مبارزه انقلابی طبقه کارگر ایران در راستای تکامل و اعتلای جنبش سندیکایی ایران است و ضروری است که اولاً بر خصوصیت انقلابی شکل‌گیری آن تاکید کنیم و ثانیاً مضمون سندیکایی غنی آن را از نظر دور نداریم. کارگران نیز با تاکید بر واقعیت مضمون صنفی و ترکیب کارگری شوراهای و با تکیه بر ضرورت و اهمیت حفظ استقلال سازمانی آن تمامی هم خود

کشور در کارگران بسیار است و استقبال از قانون شوراهای بحدی بوده است که ما توانایی پاسخگویی به آنها را نداشتیم. به این جهت سعی خواهیم کرد تا پرسنل کافی و متعهد را جمع کنیم و پس از آموزش‌های کافی به تشکیل شوراهای بپردازیم"

وزیر کار در جای دیگر اعلام کرد که شکایت‌های متعددی حاکی از تخلفات مختلف (هم از اقدامات شوراهای و کارگران و هم مدیران) شده که ضرورت بررسی عملکرد شوراهای موجود و متوقف‌کردن تشکیل و تثبیت قانونی آنها را بوجود آورده است. اما نگاهی کوتاه به واقعیت عملکرد مبارزاتی سه ساله اخیر شوراهای اخلالگری‌های مکرر مدیران لیبرال و... از یک طرف و سابق شکل‌گیری امر توقف تشکیل قانونی شوراهای در دو ماهه اخیر و موضع‌گیری‌های

کارگران مبارز ایران! با تداوم تولید و افزایش بهره‌وری کار، جبهه انقلاب را تقویت کنید

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

زحمتکش و پرولاد در خیابان‌ها رها می‌شدند کما اینکه تا قبل از تصویب قطعی لایحه بی‌انصاف صاحبخانه‌های بی‌انصاف بدین عمل زشت و غیرانسانی مبادرت کردند و روزنامه‌ها نیز گزارش‌های مصوری از خانواده‌هایی که منزله‌شان از پیاده‌رو خیابان‌ها انتقال داده شده چاپ کردند که برای انقلاب بزرگ ایران ضایعی در دزداناک است.

مسئله تصویب لایحه اراضی شهری و لویجی نظیر آن، که پاسخ به اساسی‌ترین مسائل انقلاب ایران است اکنون یکی از عرصه‌های حاد نبرد انقلابی در میهن ماست عرصه‌ای آنقدر مهم گه می‌توان گفت پیروزی قطعی و یا شکست انقلاب در گرو سرنوشت و انجام نهایی این نبرد است.

اصام خمینی با اعلام سال ۱۳۶۰ به عنوان سال قانون، یعنی سال تلاش پیگیر جهت اجرای هرچه صحیح‌تر قانون اساسی و تاکید بر تامین حقوق مستضعفان جامعه و با گفتن این سخن که همه چیزهایی که ما داریم از این مردم است خصوصا از این مستضعفین و خصوصا پس از پاسخ ایشان به نامه رئیس مجلس در تاریخ نوزدهم مهر، بار دیگر پشتیبانی قاطع خود را از انجام اقدامات انقلابی و قانونی مجلس در راه اجرای تمام و کمال قانون اساسی اعلام کردند. اکثریت مجلس شورای اسلامی، روحانیت انقلابی و متعهد پیرو خط امام و سایه‌سار ارگان‌ها و نهادهای انقلابی مملکت نیز همراه با توده عظیم ۳۶ میلیونی مردم انقلابی و قهرمان ما از خط مردمی اصام خمینی که امروز تجلی واقعی آن پایبندی به قانون اساسی است قاطعانه پشتیبانی می‌کنند.

آنچه اکنون میان خط اصیل و مردمی انقلاب ایران و سایر جریان‌های مخالفان خط فاصل روشن ترسیم می‌کند همانا پایبندی و دفاع قاطع خط اصیل و مردمی انقلاب از اجرای قاطع قانون اساسی است. قانونی که علیرغم برخی کاستی‌ها و نواقص، اجرای آن بسیاری از مسائل اساسی انقلاب ایران را حل خواهد کرد. در این خط مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و پیروان اصیل

گرفته شود خوشحال خواهند شد. از هنگامی که لایحه اراضی شهری توسط کمیسیون مسکن و شهرسازی در مجلس طرح گردیده است، محتکران اراضی شهری با مراجعه مکرر به برخی از روحانیون ذی‌نفوذ از طریق آنها کوشیدند با طرح این مسئله که لایحه مذکور مغایر با مالکیت شرعی افراد است از تصویب نهایی و اجرای آن

بند و بست‌ها و طرق نامشروع گرد آورده‌اند به صاحبان اصلیش رد کنند و از ادامه آن جلوگیری کند و این قدم اساسی اسلامی و قانونی را هرچه زودتر بردارد

پس از مخالفت شورای نگهبان با لایحه اراضی شهری فعالیت بنیاد مسکن در زمینه واگذاری زمین به مردم متوقف ماند مهندس

سراسری است. در تمام شهرهای ایران چنین عناصری با احتکار اراضی شهری، بورس‌بازی زمین و فروش آن به قیمت‌های سرسام‌آور؛ اکثریت مردم محروم و مستضعف جامعه را از امکان خرید زمین به قیمت مناسب و تهیه مسکن محروم ساخته‌اند. اجرای این قانون یک نیاز و ضرورت سراسری است و واگذاری اجرای آن به مرجع و یا کمیونی که در

شورای نگهبان بار دیگر با اجرای طرح اراضی شهری که در مجلس برای دومین بار تصویب شده بود مخالفت کرد.

هدف از ارائه این طرح به مجلس شورای اسلامی کوتاه کردن دبت زمین‌خواران از اراضی شهری جلوگیری از بورس‌بازی زمین و ایجاد امکانات بیشتر جهت تهیه مسکن برای میلیون‌ها نفر از مردم می‌باشد.

این طرح برای اولین بار در تاریخ هیجدهم مرداد ۶۰ در مجلس به تصویب رسید، اما شورای نگهبان ماده‌های ۷ و ۸ آن و تبصره‌ای از ماده ۱۰ این طرح را غیر-شرعی دانست و با آن مخالفت کرد.

ماده ۷ می‌گوید: " کلیه اراضی شهری بلاصاحب معلوم در اختیار دولت می‌باشد " ماده ۸ تصریح می‌کند: " مالکین اراضی بایر شهری در سراسر کشور نمی‌توانند از حد نصاب معین شده توسط قانون عدول نمایند " و تبصره ۲ ماده ۱۰ می‌گوید: " واگذاری اراضی وقفی و مشابه آن، بایستی برطبق ضوابط شهرسازی با نظر وزارت مسکن و شهرسازی صورت گیرد "

پس از اختیاراتی که اصام خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به تاریخ نوزدهم مهر ۶۰ به مجلس دادند، این طرح با اصلاحاتی در تاریخ هفدهم آذر ۶۰ مجددا در مجلس تصویب شد. اصلاحات صورت گرفته در طرح عبارت است از افزودن ماده‌ای مبنی بر ذکر ضرورت تعیین مدت ۵ سال برای اجرای طرح ولی علیرغم این اصلاحات شورای نگهبان طرح مذکور را قابل قبول ندانست و بار دیگر آن را به مجلس برگرداند!

شورای نگهبان در مورد طرح می‌گوید اگر دولت اراضی شهری را به عنوان ضرورت تصاحب می‌کند و یا واسطه خرید و فروش آن می‌شود باید قانون فقط در مناطقی اجرا شود که این نیاز در آنجا وجود دارد بدین جهت نباید لایحه اراضی شهری جنبه سراسری داشته باشد. باید کمیسیون و یا مرجعی وجود داشته باشد تا در هر شهر تعیین ضرورت نماید!

پدیده مذموم زمین‌خواری و بورس‌بازی زمین، به عنوان یکی از میراث‌های زشت رژیم گذشته پدیده‌ای

مردم و اکثریت مجلس خواستار اجرای لایحه اراضی شهری هستند

شورای نگهبان علیرغم نظر اکثریت قاطع مجلس برای دومین بار با تصویب این لایحه مخالفت کرد!

جلوگیری نمایند، آنها می‌کوشند همان داستان متوقف ساختن اجرای بنسند " ج " و " د " را که تاکنون نیز متوقف مانده است در مورد اراضی شهری نیز تکرار کنند و جای تأسف بسیار است که ملاحظه می‌شود بر خلاف خواست و نیاز میلیون‌ها مردم محروم و مستضعف جامعه که قاطعانه از تصویب و اجرای این لایحه پشتیبانی می‌کنند و خلاف اختیاراتی که اصام خمینی در نامه خود به رئیس مجلس شورای اسلامی داده‌اند، و نظر اکثریت قاطع مجلس و روحانیت انقلابی و متعهد، شورای نگهبان با تصویب لایحه اراضی شهری به صورتی برخورد کرده است که باعث خوشحالی محتکران اراضی شهری و ناراضیتی میلیون‌ها مردم گردیده است این اولین باری نیست که شورای نگهبان پس از تصویب لویجی که به سود توده‌های محروم از جانب مجلس که کاملا با قانون اساسی نیز منطبق بوده، به مخالفت با آن برخاسته است. مردم جریان لغو احکام تخلیه منازل استیجاری به مدت یک سال را از جانب اکثریت مجلس و مخالفت شوروی نگهبان با آن را به یاد دارند. و اگر مجلس با استفاده از اختیاراتی که امام در مواقع ضرور بدان داده است، علیرغم نظر شورای نگهبان بر لغو احکام تخلیه و اجرای آن اصرار و ابرام نمی‌کرد، در آغاز فصل زمستان هزاران خانواده

خسروی مدیرعامل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات پس از اشاره به ایراد شورای نگهبان به لایحه اراضی شهری گفت:

" فعالیت در جهت واگذاری زمین از سوی این نهاد متوقف شد. از آن پس وزارت مسکن اقداماتی در جهت تهیه قانونی در مورد زمین انجام داد که هم‌اکنون در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی و اصلاح است و تا تصویب این قانون و روشن شدن وضع مالکیت زمین بنیاد مسکن هیچگونه واگذاری زمین نخواهد داشت

بدین ترتیب در نتیجه مخالفت شورای نگهبان با تصویب لایحه اراضی شهری، بخش مهمی از فعالیت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که به تهیه زمین و واگذاری آن به مردم بی‌سریانه اختصاص دارد ماهیست که متوقف مانده است. اکنون به میلیون‌ها مردمی که برای خرید زمین و تهیه مسکن به این بنیاد مراجعه می‌کنند هیچ پاسخی داده نمی‌شود. آنها سرگردان و ناراضی رها شده‌اند و این درحالی است که میلیون‌ها متر از اراضی بایر شهری همچنان در اختیار زمین‌خواران باقی مانده است. آنها از اینکه جلوی اجرای این لایحه گرفته شود یا با افزودن تبصره و اما و اگر، راه برای جلوگیری از اجرای صحیح و قاطع آن

هر شهر تعیین ضرورت نماید جز بستن دست و پای قانون و ایجاد امکان برای زمین‌خواران جهت فرار از قانون معنای دیگری ندارد

آقای هاشمی رفسنجانی پس از مخالفت مجدد شورای نگهبان با اجرای این طرح در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت:

مردم منتظر اجرای این لایحه هستند و حق هم دارند زیرا چند ماهی است که ما به علت رفت و برگشت طرح مذکور بین مجلس و شورای نگهبان مردم را منتظر نگه‌داشتم و عسده‌های می‌خواهند تکلیفشان روشن شود و عده‌ای هم منتظرند که دولت به آنها زمین بدهد تا خانه بسازند امیدوارم انشاءالله این کار را تمام بکنیم و مردم را بیش از این در انتظار نگذاریم

با توجه به تاثیر اجرای لایحه اراضی شهری بر مسکن به عنوان یکی از معضلات حاد جامعه، آیت‌الله مشکینی هفته گذشته در نمازجمعه قم ضمن ستایش از صبر انقلابی مردم در مقابل مشکلات و اشاره به اهمیت مسکن برای مستضعفان از نمایندگان مجلس و مسئولین خواستند که اجرای اصل چهارم و نهم قانون اساسی را در اولویت قرار دهند، آیت‌الله مشکینی در قسمتی از سخنان خود گفت:

" دولت موظف است ثروتی را که برخی افراد با

گزارشی از روستاهای خراسان

بزرگ مالکین خراسان در دشمنی با جمهوری اسلامی
و دهقانان از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کنند؟

در روستاهای استان پهناور خراسان با وجود گوناگونی و تنوع آب و هوا شرایط اقلیمی، آداب و رسوم و سنت‌ها و غیره مساله زمین، کمبود و تقسیم نامناسب آن یکی از مسائل حاد و مبتلا به اکثر دهقانان این استان است. حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد روستائیان با اصلا زمین و آب ندارند و یادآمد حاصله از زمین‌های کوچکشان حداقل مخارج زندگی آنها را نمی‌دهد در نتیجه تمام آن‌ها مجبورند یا به کار روی زمین‌های غصبی بزرگ مالکان پرداخته و یا در جستجوی لقمه‌ای نان راهی شهرها شوند. هنوز در صد زیادی از زمین‌های مرغوب کشاورزی، مراتع، منابع آب خصوصا جاهای عمیق و نیمه عمیق و ماشین‌آلات کشاورزی در اختیار زمینداران بزرگ، فئودالها و خوانین قرار دارد حد متوسط مالکیت بزرگ مالکان مناطق مختلف بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ هکتار آبی و دیم می‌باشد که علاوه بر آن بطور متوسط بین ۳ تا ۵ چاه عمیق ماشین‌آلات کشاورزی، دامداری‌ها، مرغداری‌ها و موسسات تولیدی زیادی را در اختیار خود دارند. میزان مالکیت فئودالی در قره‌میدان سملقان بجنورد به ۸۰۰ هکتار می‌رسد. برخی مالکین بزرگ در بخش مانه و سملقان حومه گرمخان و جاجرم بجنورد تا ۷۰۰ هکتار زمین دارند. همچنین بزرگ مالکان تهریت جام، تایباد، و تربت حیدریه نیز بیشترین درصد زمین‌های مرغوب و جاهای عمیق را در نلک خود دارند، به عنوان مثال حاجی فرشچی یکی از مالکین تربت جام و تایباد در روستاهای نیل آباد، منصوریه تقی آباد، قلعه باغ سنگان نوای گندخالو، حدود ۱۰۰۰ هکتار اراضی مرغوب زیر

کشت و بیش از ۱۵ حلقه چاه عمیق در اختیار داشته و تنها از فروش محصول میوه باغ نیل آباد خود سالانه ۲ میلیون تومان درآمد دارد. رافتمسی یکی دیگر از بزرگ مالکان این منطقه در روستاهای مختلف بین ۳۰ تا ۴۰ حلقه چاه عمیق دارد که هر حلقه چاه بیش از ۱۰۰ هکتار زمین را مشروب می‌کند همین آقای فئودال علاوه بر اینها یک موسسه تجارتي چای در مشهد نیز دارد. حاجی شرکت یکی از فئودالهای معروف تربت حیدریه، در روستاهای عرب آباد و قشرباد منطقه بالارخ بیش از ۸۵۰ هکتار زمین مرغوب زیرکشت ۹ حلقه چاه عمیق ۱۴۰۰۰ راس دام و یک گاوداری با ۶۱ راس گاو از نژاد مخصوص در اختیار دارد. اکثر مالکین بخش قابل توجهی از دام‌های منطقه را نیز در اختیار دارند. پیرواریندان و دامداران بزرگی که عموماً در اطراف مشهد و قوچان از جمله در روستاهای رباط طرق تپه‌سلاطین، محمدآباد، ناظرآباد و چمبرغریال و نیز در سرخس اقدام به ایجاد تاسیسات دامداری نموده‌اند، سالانه حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار گوسفند پیورار نموده و درآمد زیادی از این طریق عاید خود می‌سازند. در بخش سرخس که از منابع دامداری مهم خراسان است میزان متوسط احشام دامداران بیش از ۱۰۰ راس گوسفند همراه با بخش وسیعی از مراتع می‌باشد برخی از کشت و صنعت‌های مهم که درآمدهای کلانی دارند نیز در تصرف بزرگ مالکان قرار دارند. مانند کشت و صنعت چن‌چین که در مشهد و بعضی شهرهای دیگر زمین و باغ داشته و مرکز اصلی آن در طرق مشهد است در اینجا لازم به تذکر است

که زمین‌های برخی از زمینداران بزرگ که در جریان انقلاب از ترس مزدم به خارج گریخته‌اند و یا از طرف دادگاه انقلاب محاکمه و اموال آنان ضبط گردیده است عمدتاً در اختیار بنیاد مستضعفان می‌باشد که به عنوان مثال از کشت و صنعت هزر بزدانی در شیروان، زمین‌ها و املاک خاندان علم در بیرجند و املاک تیمورکلالی در تربت جام می‌توان نام برد بخش بسیار محدودی از زمین‌های غصبی مالکین بزرگ هم که توسط روستائیان مصادره گردیده هنوز فاقد سند بوده و مالکیت آن برای روستائیان قطعیت نیافته است. وضعیت املاک وقفی: بیش از ۵۰ درصد از زمین‌های مزروعی استان خراسان املاک وقفی بوده و تحت تملک آستان قدس رضوی است. این زمین‌ها معمولاً به مدت ۹۹ سال و یا کمتر به خرده مالکین و ساکنین سرمایه‌داران بزرگ به اجاره داده شده است. این سرمایه‌داران از طریق اجاره زمین‌های آستانه و واگذار کردن آن به دیگران سودهای کلانی به حیب می‌زنند. در زمین‌های کوچک تحت اجاره خرده مالکین معمولاً اجاره هر هکتار سالانه حدود ۱۰۰۰۰ ریال می‌باشد که یا نقداً پرداخت شده و یا در روستاهای دورافتاده صرف خرج دادن برای ایام عزاداری، خرج مساجد و غیره می‌شود. در مورد املاک وقفی واسطه‌گری و استثمار زیاد است و یکی از خواست‌های مهم دهقانی که روی زمین‌های وقفی کار می‌کنند این است که آستان قدس و دیگر موقوفات اجازه‌نامه املاک وسیع سرمایه‌داران را ملغی نموده و این زمین‌ها را با شرایط عادلانه مستقیماً به دهقانی که روی آن کار می‌کنند، بدهند. توطئه‌های ضدانقلابی فئودالها در منطقه

رشد و گسترش جنبش دهقانی بزرگ مالکینی را که دیگر به تنهایی قادر به مقابله با دهقانان ستم‌دیده و ارگان‌های انقلابی نبودند، به سوی اتحاد آشکار و پنهان با سایر جریان‌های ضدانقلابی کشانید. زمینداران بزرگ و فئودالهای منطقه برای "همکاری" نزدیکتر خود علیه انقلاب و زحمتکشان روستاها جلسات هماهنگی مرتبی در منزل روحانیون مخالف خط امام خمینی چون آیت‌الله قمی و دیگران برپا می‌داشتند. گستاخی آنها حتی زمانی به آنجا کشید که در منزل آیت‌الله مرعشی به اصطلاح علیه عملکردهای جهاد سازندگی "تحصن" کردند و قطعنامه صادر نمودند که اعضای جهاد این فرزندان انقلابی زحمتکشان را در هر کجا که ببینند مضروب خواهند نمود!! توطئه‌گری زمینداران بزرگ و فئودالها علیه ارگان‌های انقلابی بخصوص جهاد به اینجا ختم نشد. آنها با کوشش همه‌جانبه به شایعه‌پراکنی در روستاها و سرهم‌بندی اراجیف گناه تحت عنوان رشوه‌خواری اعضای جهاد و گناه تحت عنوان "غیرشرعی" بودن اعمال جهاد پرداختند. آنها در موارد متعددی نیز به ضرب و جرح اعضای جهاد پرداختند. و به عنوان نمونه اعضای جهاد سازندگی چناران و قلندرزآباد فریمان اقدام به ترور اعضای فعال جهاد و هیئت‌های هفت نفره از جمله ترور "نارنجی" عضو فعال هیئت هفت نفره شمال خراسان در بجنورد که خوشبختانه عقیق ماند، نمودند. زمینداران بزرگ و فئودالها و حامیان رنگارنگ آنها به آنچه گفته شد بسنده نکردند آنها به عناوین مختلف سعی کردند تا میان دهقانان زحمتکش و ارگان‌های انقلابی درگیری ایجاد کنند. و به تحریک و توطئه‌چینی برای شکرآب کردن روابط بین ارگان‌ها و مردم پرداختند. به عنوان نمونه از ایجاد درگیری و نزاع بین دهقانان روستاهای گل‌مکان و سلوگرد و انداختن گناه درگیری به گردن جهاد جهت بدنام

کردن این ارگان و جلوگیری از استقرار آن در منطقه می‌توان نام برد. زمینداران بزرگ و فئودالهای منطقه خراسان طرح‌های ضدانقلابی را که در آنها بزرگانه کوشش شده بود تا منافع خائنه آنها حفظ شود به عنوان نقطه نظرات به اصطلاح کارشناسان کشاورزی و دامداری روانه مجلس شورای اسلامی می‌نمودند. از این جمله می‌توان طرح گسترش کشاورزی و آبیاری مکانیزه علی‌همنسی فئودال جنایتکار منطقه چناران مشهد را نام برد که بطور علنی نظرات چاهداران (صاحبان تعداد زیادی چاه عمیق) بزرگ خراسان را منعکس می‌نمود. علاوه بر این ضدانقلابیون هرچند یکبار طوماری تهیه کرده و با "شکوائیه‌ای" از حرکات انقلابی دهقانان زحمتکش و جهاد سازندگی تنظیم نموده و به دفتر امام خمینی ارسال می‌داشتند از جمله در "شکوائیه‌ای" که علی‌همنسی و عده‌ای دیگر از فئودالها تنظیم نموده و به دفتر امام ارسال داشتند جهاد سازندگی به عنوان "بزرگترین خطر انقلاب" و حرکت انقلابی دهقانان علیه غاصبین زمیندار "هرج و مرج" قلمداد شده است. اقدامات مسلحانه چماق‌داران فئودالهای منطقه علیه دهقانان زحمتکش و کشت و کشتار آنان نمونه دیگری از جنایات این ضدانقلابیون است که نمونه‌های متعدد آن را می‌توان در روستاهای حسن آباد چایش منزل آباد دم‌روبه‌ب و برخی از روستاهای بخش کوهسرخ کاشمر در جنوب خراسان و سایر نقاط دیگر مشاهده نمود. بدار کشیدن نماینده دهقانان و عضو هیئت هفت نفره روستای شیرآباد بجنورد و حمل‌ه‌ای اادی و عوامل زمینداران بزرگ به دهها نفر از دهقانان زحمتکش روستای ماسی و ماسی حضرتی در چناران مشهد نیز قابل توجه است زمینداران بزرگ و فئودالها در موارد متعددی با ایجاد ترس و وحشت با تهدید یا سلاح‌های گرم و سرد روستائیان زحمتکش را بقیه در صفحه ۹

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

اخبار روستایی

زابل - در ایجاد تعاونی های تولید بکوشیم

روستای قلعه نو در ۳۶ کیلومتری شهرستان زابل است. و حدود ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد. زمین های این روستا که ۱۶۰۰ هکتار تخمین زده می شود متعلق به شخصی به نام محمدحسین خان نارویی از خوانین معروف منطقه و از وابستگان دربار پهلوی بوده. جنایات و ظلم و ستمی که این فئودال و ایلادی او طی سالها در حق مردم روستا روا داشته اند، هنوز زبانه زده و عام است از جمله ساختن یک خانه ۵۰ اتاقه در روستا به وسیله بیگاری کشیدن از همه مردم، تجاوز و به قتل رساندن دختر ۶ ساله یکی از دهقانان به نام غلامعلی باقر که خواستار زمین های خود بود، بریدن گوش یکی دیگر از زحمتکشان روستا به نام محمدجان شکنجه و تحقیر و استثمار وحشیانه روستائیان بطوری که علاوه بر بیگاری نگهداری احشام و خدمتکاری برای ارباب سهم دهقانان در پایان هر سال زراعی و پس از کنار گذاشتن بذر برای سال آینده تنها یک پنجم از کل محصول بود. مبارزات دهقانان زحمتکش برای رفع ستم و بازپس گرفتن زمین های خود با پیروزی انقلاب اوج تازه ای یافت و هر چند در این راه با کارشکنی های دست اندرکاران دولت موقت لیبرال یا بر خورد های نادرست امثال آقای سیدصادق حسینی نماینده زابل در مجلس که در مصاحبه رادیویی خود خواست برحق این زحمتکشان را تحریک دیکرات و کومه له و چریکها! خواند و از دهقانان خواستار سند شد روبرو گردیدند، اما سرانجام در سال ۵۸ موقت شدند با کمک ارگان های انقلابی زمین ها و اموال محمدحسین خان نارویی را مصادره و بین خود تقسیم نمایند. البته در این راه به علت کمبود تجربه و ترکیب نامناسب شورای روستا، با مشکلات چندی نیز مواجه گردیدند. در ۱۶ آبان ماه گذشته دهقانان این

روستا پس از دو سال تجربه اندوزی با کمک ارگان های انقلابی در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک به تصفیه و بازسازی شورا پرداخته و شورای مردمی و واقعی خود را تشکیل دادند اولین اقدامات شورا تقسیم مجدد و عادلانه زمین ها با کمک شورای کشت شرکت در گرد همایی شوراهای اسلامی در روستاهای بخش شهرکی - نارویی در حرنیک و تشکیل شورای مرکزی منطقه بود که مورد استقبال دهقانان قرار گرفت. اکنون مساله ای که برای زحمتکشان روستای قلعه نو مطرح است، این است که زمین های این روستا از لحاظ مرغوبیت و حاصلخیزی به ۵ دسته تقسیم می شوند که به ترتیب عبارتند از دیمه، ملکی، دهقانی کوری پشت قلعه و شورای. نتیجتاً تقسیم زمین ها علاوه بر اینکه به دلیل تفاوت در حاصلخیزی نمی تواند بنحو رضایت بخش انجام گیرد به خاطر نارسایی ها در زمینه کمک های ارگان های انقلابی، کار پیر مشقت تک تک دهقانان بازده کمی بیار می آورد و بدین جهت امروزه در راس خواست های دهقانان روستای قلعه نو صدور سند و قطعیت یافتن مالکیت آنها بر اراضی مصادره شده و ایجاد تعاونی تولید، مناسب با وضعیت و امکانات روستا می باشد.

لرستان ارگانهای انقلابی باید توطئه های فئودال ها را خنثی کنند

روستای سرخ دم خوشناموند در ۱۰ کیلومتری بخش کوهدهشت از توابع شهرستان خرم آباد قرار دارد. زمین های این روستا در زمان رژیم گذشته با حيله و نیرنگ و توسل به زور توسط شخصی به نام غلامرضا خان غضنفری وکیل مجلس فرمایشی و پسر خاله شاه غصب شد و تمام تلاش ها و شکایت های مردم

روستا برای پس گرفتن زمین هایشان بی نتیجه ماند. پس از پیروزی انقلاب مبارزات زحمتکشان روستا برای کسب حقوق از دست رفته شان اوج بیشتری یافت و بارها کارشان به درگیری با ایلادی فئودال مزبور کشیده شد که در این میان فئودال نامبرده از حمایت دست اندرکاران دولت موقت لیبرال در درون ادارات جمهوری اسلامی برخوردار بود.

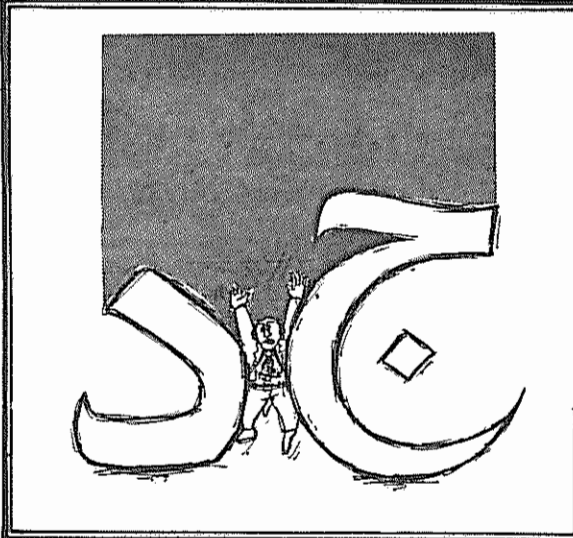
سرانجام در آبان ماه گذشته زحمتکشان روستا که از ظلم و تعدی ایلادی فئودال و ناخیر و مسامحه مقامات مسئول جمهوری اسلامی در جهت قطع دست این زالیوها و اجرای بندهای ج و د قانون اصلاحات ارضی به تنگ آمده بودند، همگی از پیر و جوان و زن و مرد و کودک به سر زمین ها رفته و با بیرون ریختن ایلادی فئودال، خود به شخم زمین ها پرداختند. خبر مصادره زمین های غلامرضا خان غضنفری بسرعت در تمام اهات اطراف پیچید و موجی از شادی و سرور تمام روستائیان منطقه را که سالها زیر ظلم و ستم غضنفری ها بودند، دربر گرفت. در این میان اهالی روستای مجاور گزهپا آرادبخت که آنها نیز سالها روی زمین های غلامرضا خان کار کرده و استثمار شده بودند، ضمن ابراز خوشحالی و حمایت بیدریغ خود از اقدام زحمتکشان خوشناموند در جهت مصادره زمین ها خواستار کسب حقوق خود شده و طی نامه ای به ارگان های انقلابی و اعلام پشتیبانی خود خواهان رسیدگی به این مساله گردیدند. اما فئودال نامبرده با مشاهده این اوضاع تمام تلاش خود را در جهت ایجاد تفرقه و دو دستگی بین زحمتکشان این دو روستا بخرج داده و سعی دارد از یک طرف در میان دهقانان نفاق و درگیری بوجود آورد و از طرف دیگر برای مقامات مسئول همه اینها را نتیجه مصادره زمین ها جلوه دهد. اکنون زحمتکشان دو روستا در انتظار آند تا ارگان های انقلابی و مسئولین منطقه با برخوردی جدی و شایسته نسبت به این مساله، به توطئه های نفاق افکنانه و ضدانقلابی فئودال مزبور پایان داده به رفع مشکل آنان بپردازند.

گزارشی از...

مجبور به ترک زمین های مصادره ای و واگذار شده نموده و زمین های مورد نظر را پس گرفتند. فئودالهای چنانرا بسرکردگی حاج عبدالله کوهستانی و عیسی رستگار اقدام به سازماندهی حدود ۵۰۰ نفر از افراد مسلح نموده و به منطقه رادگان حمله ور شدند و تمامی زمین های کاشته شده توسط دهقانان زحمتکش را با تراکتور مجدداً شخم زده و زیرورو کردند. اعضای سپاه و جهاد چنانرا که قصد مقابله با آنها را داشتند نیز توسط این مزدوران دستگیر و شکنجه شدند، این غائله با دخالت سپاه مشهد و دستگیری افراد نامبرده خاتمه یافت و ادامه توطئه با آزاد ساختن افراد فوق از طریق اعمال نفوذ عوامل زمینداران بزرگ و فئودالها و عناصر مشکوک در ادارات و ارگانها دنبال گردید.

زمینداران بزرگ استان خراسان برای شکل خود در مشهد "اتحادیه کشاورزان و دامداران مکانیزه" را به دبیری و سرپرستی علی همتی فئودال منقور منطقه ایجاد کرده و به توطئه علیه توده های زحمتکش روستاها پرداختند. همچنین شورای کشاورزی تربت جام و تأیید در تربت جام به دبیری حسین لایق از بزرگ مالکین منطقه تاسیس گردید که با کمال تعجب انحصار توزیع سوخت در منطقه مورد بحث را بعهده گرفت! آنها بر اساس طرح دولت

موقت در دادگستری مشهد "دادگاه تصرف عدوانی" تاسیس نمودند و از این طریق دهها تن از دهقانان انقلابی را به جرم "تصرف عدوانی" زمین های بزرگ مالکین و فئودالها دستگیر و زندانی نمودند. آنها با ارسال طومارهایی ساختگی که به کمک ایلادی خود از روستاهای مجبور تهیه می گردید خواهان جلوگیری از اجرای بند ج و د اصلاحات ارضی شده و با مسافرت های دسته جمعی به نزد شخصیت های سیاسی و مذهبی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انواع دروغ پردازی ها برای جلوگیری از پیشرفت انقلاب در روستاها متوسل می شدند. این شمای از جنایات زمینداران بزرگ و فئودالها است که در سراسر ایران علیه زحمتکشان و دهقانان انجام می پذیرد. مسلماً تا آن روز که با تصویب و اجرای قاطع و همه جانبه قانون اصلاحات ارضی با نفوذ اقتصادی و سیاسی زمینداران بزرگ و فئودالها - این عاملین امپریالیسم امریکا - در مقابله نشود میهن انقلابی ما و دهقانان زحمتکشی که همه چیز خود را نثار انقلاب کرده اند و می کنند هنوز از انقلاب بهره واقعی دریافت ننموده اند. متعددی از این گونه جنایات و زورگویی ها خواهند بود. ما در شماره آینده بقیه این گزارش را درج خواهیم کرد.



کمیته‌های ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اقدام نفاق افکنانه و توطئه‌گرانه کشتگر - هلیل رودی را محکوم می‌کنند

همانگونه که در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است، علی کشتگر و دوست او دکتر هلیل رودی برای موفق جلوه دادن اقدامات توطئه‌گرانه علیه سازمان به این دروغ بزرگ متوسل شده‌اند که گویا کمیته‌های ایالتی سازمان، نمایندگانی انتخاب کرده‌اند و آنها را برای شرکت در این توطئه به تهران فرستاده‌اند. آنها با متوسل شدن به این دروغ عاجزانه و مضحک خواسته‌اند عنوان "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" را به سود خود جعل کنند. درحالیکه همین توطئه‌گران نه کمیته مرکزی را از اهداف و نقشه‌های خود مطلع ساخته‌اند و نه هیچیک از کمیته‌های ایالتی سازمان را.

کمیته‌های ایالتی همصدا با کمیته مرکزی سازمان در سراسر ایران این شیوه توطئه‌گرانه و ماهیت ضدانقلابی عمل این عناصر را محکوم می‌کنند.

اعلامیه کمیته ایالتی کردستان

رفقای کمیته مرکزی!

با نگاهی به تاریخ جنبش کمونیستی میهنمان به خوبی درمی‌یابیم که این جنبش هیچگاه در تمام طول حیات خود از خطر انبوه دشمنان آگاه و ناآگاه خود درآمان نبوده است. امپریالیست‌ها و دیگر نیروهای مخالف پیشرفت و عدالت اجتماعی علاوه بر اینکه همواره به حملات وسیع از خارج به جنبش ادامه داده‌اند، تلاش‌های فراوانی نیز به منظور ایجاد تفرقه و شکاف در صفوف کمونیست‌ها مبذول داشته‌اند. اقدام توطئه‌گرانه و ضد کمونیستی گروه کشتگر - هلیل رودی در چنین شرایط حساسی که امپریالیسم جنایتکار آمریکا علیه انقلاب ما جنگ و دندان نشان می‌دهد و از هیچ توطئه‌ای به منظور پراکنده کردن انقلابیون و جلوگیری از اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی و وحدت بیروان سوسیالیسم علمی رویگردان نیست، عملاً پاسخ مثبتی است که به این تلاش‌های امپریالیستی و ارتجاعی داده می‌شود.

رفقای ما!

ما امروز با قاطعیت بیشتری می‌توانیم بگوئیم که ضدیت با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران یعنی ضدیت با انقلاب، تجارب دور و نزدیک بخوبی این مساله را ثابت کرده است. ما نمی‌توانیم فراموش کنیم که اتخاذ سیاست‌های اصولی در قبال مساله کردستان از جانب رهبری سازمان مبارزه با انحرافات راست و "چپ" چه نقش ارزنده‌ای در قراردادن نیروی عظیم سازمان در خدمت انقلاب ایران ایفاء کرده است. امروز وقتی می‌بینیم عناصر گمراه گروه اقلیت در کردستان دوش به دوش تفنگچی‌های باند قاسملو و در خدمت اهداف این باند ضد انقلابی و علیه نیروهای جمهوری انقلابی اسلامی ایران می‌جنگند و در همان حال دهها رفیق اکثریتی در زندان‌های باند قاسملو مورد آزار و شکنجه قرار می‌گیرند، می‌توانیم بخوبی به اهمیت این تغییر سیاست‌ها و نقش برجسته رهبری سازمان در تصحیح این خط مشی و تکامل سیاسی و ایدئولوژیک سازمان پی ببریم.

کمیته ایالتی کردستان ضمن ابراز لنتزار از این حرکت ضد کمونیستی و سازمان شکنانه، مفاد قطعنامه بیستم آورده ۱۳۶۰ پلنوم کمیته مرکزی را قاطعانه مورد تأیید قرار می‌دهد.

کمیته ایالتی کردستان از همه اعضاء و هواداران سازمان در کردستان و در سرتاسر میهن انقلابی می‌خواهد که صفوف خود را تحت رهبری کمیته مرکزی سازمان منسجم‌تر و منسجم‌تر نموده و با هرگونه تفرقه‌جویی و ایجاد شکاف در صفوف نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی و دیگر نیروهای ضد امپریالیستی مجادله مبارزه کنند.

کمیته ایالتی کردستان بار دیگر عزم راسخ و تردیدناپذیر خود را در پشتیبانی از تلاش‌های پیگیر و مسئولانه کمیته مرکزی سازمان به منظور تأمین وحدت سازمان و حزب توده ایران و تقویت جنبه نیروهای ضد امپریالیستی اعلام می‌دارد.

با گرمترین درودهای رفیقانه

کمیته ایالتی کردستان - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دی ماه ۱۳۶۰

اعلامیه کمیته ایالتی فارس

رفقای کمیته مرکزی درودهای گرم و پرشور اعضاء و هواداران سازمان در فارس را بپذیرید.

کمیته ایالتی فارس تلاش‌های صمیمانه و پیگیر شما رفقای عزیز را در راه تأمین وحدت جنبش کمونیستی میهنمان و در راه تشکیل جنبه متحد خلق می‌ستاید، تلاشی که با تصمیمات پراهمیت پلنوم اسفندماه ۵۹، پلنوم مرداد ماه ۶۰ و پلنوم آورده ۶۰ پیوند خورده است. از آنجا که ضرورت‌های عاجل انقلاب بزرگ میهن ما در مقابل توطئه‌های جنبه متحد ضدانقلاب بسز گردگی امپریالیسم آمریکا از یک سو و سمت‌گیری مردمی آن در جهت پاسخ به خواست‌های مردم توده‌های مردم از سوی دیگر ایجاب می‌کند که نیروهای انقلابی هرچه بیشتر به یکدیگر نزدیک شده و با نتیجه صفوف خلق را فشرده‌تر و یکپارچه‌تر سازند و از آنجا که کمونیست‌ها پیگیرترین نیروهای وحدت‌اند و وحدت جنبش کمونیستی سنگ بنا و پایه وحدت خلق محسوب می‌شوند، اهمیت تاریخی تصمیمات پلنوم مردادماه با شکر تمام خویشتن را می‌نمایاند. تصمیماتی که زیننده کمیته مرکزی پرافتخار سازمان است. بدون شک اجرای این تصمیمات نمی‌توانست با مخالفت سرسخانه و لجاجانه باند توطئه‌گر کشتگر - هلیل رودی مواجه نشود، باندی که صلاحیت بدوش کشیدن پرچم رزم طبقه کارگر و زحمتکشان را نداشت.

رفقای کمیته مرکزی! کمیته ایالتی فارس اعلام می‌دارد:

آنکون که برتاب هرگونه سنگی هرچند کوچک بر سر راه جنبش انقلابی میهن، یا ماهیتی ضد وحدت علیه مصالح مردم و مقایر با منافع انقلاب دارد، این کمیته همراه با کادرها و اعضاء و فعالین سازمان در منطقه، پیوند ناگسستنی خود را محکم‌تر از هر زمان دیگر به کمیته مرکزی پرافتخار خود اعلام می‌کند و یکبار دیگر در آستانه وحدت جنبش کمونیستی میهنان درودهای گرم خود را تقدیم می‌دارد.

کمیته ایالتی فارس - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
ششم دی ماه ۱۳۶۰

اعلامیه کمیته ایالتی لرستان

در شرایطی که انقلاب شکوهمند مردمی و ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان به رهبری امام خمینی می‌رود تا در تمامی عرصه‌ها گسترش یافته و با اجرای دگرگونی‌های بنیادین، پایه‌های اجتماعی انقلاب را تحکیم بخشد، در شرایطی که، امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه در سدد حمله مستقیم به انقلاب برآمده‌اند و می‌کوشند تا آماج‌های ضد مردمی خود را تحقق بخشند و در شرایطی که بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران، ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان لیبرال‌های ورشکسته چپ‌نماهای مائوئیست و محافظ واپسینه به آنها و حتی دست‌راستی‌های مذهبی افراطی همانند انجمن حجتیه تحت پوشش دفاع از اسلام، علاوه بر جلوگیری از اصلاحات اجتماعی، سعی دارند در میان صفوف نیروهای مردم ایجاد دو دستگی و نفاق کنند.

در چنین شرایطی ضرورتاً راه تعمیق و پیشرفت انقلاب تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و کلان ...

بقیه در صفحه ۲۳

مروری به اختصار در بیانیه و مواضع جادائیان خلق ایران (اکثریت)

انحلال طلبی چیست؟

و انحلال طلب کیست؟

دیوید آوری مجدد

پس از آنکه کمیته مرکزی سازمان در اعلامیه مورخ ۲۰ آذرماه ۱۳۶۰ و همچنین در توضیحات رفیق فرخ نگهدار و مصاحبه رفیق جمشید ظاهری پور نظر خود را درباره ماهیت اقدام توطئه‌گران و نفاق‌افکنانه کشتگر و هلیل‌رودی، اهداف آن و سمت‌گیری عمومی این جریان فکری انحرافی توضیح داد، در دو شماره اخیر نشریه کسار، ۲۰ آبراد گروه جدیدالتاسیس کشتگر - هلیل‌رودی به رهبری سازمان در دو مقاله پیاپی به تفصیل مورد بحث قرار گرفت

در مقاله اول که تحت عنوان "تصمیمات تاریخی پلنوم مرداد گامی سترگ در دفاع از انقلاب و وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر ایران" انتشار یافته است به یک انتقاد "بسیار جدی" این عناصر به رهبری سازمان پاسخ داده شد. فراکسیون کشتگر - هلیل‌رودی در آخرین لحظات زمانی که بیانیه خود را مخفیانه چاپ کرده بودند، رهبری سازمان را تهدید کردند که اگر تصمیمات پلنوم مرداد فوراً لغو نشود، آنها از سازمان جدا خواهند شد و بیانیه خود را توزیع خواهند کرد. آنها درخواست می‌کردند که درباره هیچیک از مسائل مورد اختلاف در زمینه امر وحدت از جمله پیرامون مسأله مقام و موقعیت حزب و سازمان در جنبش کمونیستی و برنامه و خط مشی وحدت، قبل از بحث کافی در درون سازمان و تصویب آنها در کنگره از سوی کمیته مرکزی سازمان در سطح جنبش موضع‌گیری نشود آنها به گونه‌ای مطلقاً غیرقابل درک تاکید داشتند. پذیرش این درخواست ایشان از سوی کمیته مرکزی سازمان به معنای لغو تصمیمات پلنوم مرداد است.

نمایندگان کمیته مرکزی سازمان در فرصت بسیار کوتاهی که التیام‌توم رهبران فراکسیون تعیین کرده بود به منظور اجتناب از اثرات مخربی که هر نوع تفرقه‌ای در جنبش به بار می‌آورد و به خاطر اینکه دشمنان انقلاب و طبقه کارگر نتوانند اقدامات تخریبی رهبران فراکسیون را مورد بهره‌برداری قرار دهند با شکیبایی تمام درخواست‌های آنان را پذیرفت، با این توضیح که این درخواست‌ها هیچکدام مابعد قطعنامه پلنوم مرداد نیست‌و در جهت تائید آن است. لاکن آنها اولاً با لجاجتی بکلی غیرمنطقی و فاقد کمترین برهان اصرار کرده‌اند که تصمیمات پلنوم مرداد بکلی نادرست زبانبار، غیراصولی و خارج از اختیارات کمیته مرکزی سازمان است (معینی و کشتگر همانگونه که خود اعتراف کرده‌اند به این قطعنامه رای نداده‌اند و همفکران ایشان نیز از ابتدا تا امروز سرسختانه با تصمیمات پلنوم مرداد مخالفت کرده‌اند) ثانیاً آنها با لجاجتی بکلی غیرقابل درک و بی‌منطق تاکید داشته‌اند که پذیرش درخواست‌های ایشان درباره ادامه بحث پیرامون اساسی‌ترین مسائل مورد اختلاف در امر وحدت و تعیین تکلیف قطعی پیرامون آن در کنگره سازمان مغایر تصمیمات مرداد است.

ما در مقاله "تصمیمات تاریخی پلنوم مرداد" و نیز با انتشار قطعنامه‌های پلنوم‌های اسفند و مرداد به روشنی نشان دادیم که چرا تصمیمات پلنوم مرداد تصمیماتی درست، منطقی و قانونی است و چرا این تصمیمات تماماً در خدمت تثبیت تحکیم و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران و در خدمت وحدت فکری و سازمانی پیشاهنگ طبقه کارگر ایران است. و چرا مخالفت با این تصمیمات مخالفت با مشاوره، همفکری، همکاری و اتحاد عمل و تلاش برای ممانعت از انجام وظایف رهبری و منحل کردن آن در

عرصه‌های اصلی پیکار طبقاتی است. در برابر دفاع همه بیروان اصل سوسیالیسم علمی در سازمان ما قطعنامه پلنوم مرداد، تا امروز کوچکترین برهان و منطقی از سوی مخالفانی که خود را طرفدار وحدت، پیشاهنگ طبقه

کارگر معرفی می‌کنند در رد این قطعنامه ارائه نشده است. برهان این مخالفت عنودانه همچنان بر همه ما پوشیده مانده است. علیرغم جنجال‌های کسل‌کننده‌ای که برپا کرده‌اند، هنوز هم ما واقعا نمی‌دانیم این اشخاص یا کدامیک از تصمیمات پلنوم مرداد مخالف هستند؟ آیا آنها با این مخالفند که پلنوم مرداد با آنها به علت اختلاف نظر‌هایی که پیرامون مقام و موقعیت حزب و سازمان و همچنین پیرامون برنامه و اساسنامه و تاریخ حزب وجود داشت از اظهار نظر قطعی درباره این مسائل خودداری کرد؟ آیا علی کشتگر و معینی که همان زمان به قطعنامه مرداد رای منفی دادند با این احساس مسئولیت رهبری سازمان در پلنوم و تصویب پیشنهاد ادامه بحث و گفتگوی رفیقانو همکاری همه امکانات فکری موجود برای رسیدن به توافق نظر فراگیر مخالفند؟ آیا آنها با این مخالفند که در پلنوم مرداد به علت اختلاف نظر‌هایی که با همین آقایان وجود داشت از اظهار نظر پیرامون همان مسائل خودداری شد و همان مسائل برای بحث بیشتر در دستور قرار گرفت؟ آیا این افراد موافق بودند که سایر اعضای رهبری سازمان همان زمان بدون ادامه بحث برای رسیدن به نتیجه مشترک آنها را طرد و نظر خود را به تصویب می‌رسانید؟ با اینکه این رفقای سابق ما موافق بوده‌اند که قطعنامه، مطابق منقذات ایشان و در رد نظرات اکثریت قاطع اعضای کمیته مرکزی سازمان تدوین و تصویب می‌شد؟ این آقایان علیرغم مصاحبه‌های طولانی و مقالات مفصلی که نوشته‌اند هیچگاه خود را متعهد نیافته‌اند که در دو جمله توضیح دهند یا کدامیک از تصمیمات پلنوم مرداد مخالفند؟ و در التیام‌توم خود به کمیته مرکزی داخر بر با کدام دلیل و منطقی خواستار بوده‌اند؟ تصمیمات را و با کدام مسائل؟ هلیل‌رودی آنها را "انحلال‌طلب" نامیده‌اند، صورانه همچنان در انتظارند که این دلایل را بشنوند و پیرامون آن بیاندیشند و اگر نقیصی در تصمیمات پلنوم بوده است واقعا آشکار شود و لغو گردد؟ ما هنوز هم منتظریم.

در مقاله دوم که به نام "مبارزه با وحدت زیربوش وحدت‌طلبی" انتشار یافت بیش از همه جنجال اصلی فراکسیون‌های سازمان که تحت عنوان "در راه تدارک نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" اعلام شده است "با دقت مورد بررسی قرار گرفت. گروه فراکسیونی کشتگر - هلیل‌رودی و همفکران چه در روزهای قبل از ترک سازمان و چه پس از آن همواره به شکل مضحکی مدعی بوده‌اند که گویا چون کمیته مرکزی نماینده اراده تشکیلات و برای تشکیلات نیست، آنها را تصمصم گرفته‌اند که نخستین کنگره سازمان را تشکیل دهند.

ما در مقاله "مبارزه با وحدت زیر پوشش وحدت‌طلبی" نشان دادیم که این شعار چیزی نیست جز فرار از یک کنگره واقعی زیر پوشش فراخواندن کنگره. زیرا اولاً کمیته مرکزی سازمان رسماً به آنها اطلاع داده و می‌دهد که موافقت داشته و دارد که کنگره سازمان برای اظهار نظر و تصمصم‌گیری پیرامون مهمترین مسائل سازمان (از جمله هر مسأله مهمی که آنها درخواست دارند) فراخوانده شود، مشروط بر اینکه نمایندگانی که به کنگره اعزام می‌شوند با رای مستقیم و رسمی همه اعضای واحدهای سازمانی

سازمان که در کنفرانسها اخذ می‌شود انتخاب شوند ثانیاً کمیته مرکزی سازمان به آنها و همچنین به همه رفقای تشکیلات اطلاع داده‌است که بدون هیچ قید و شرطی، قطع نظر از اینکه تصمیمات چنین کنگره‌ای مخالف تصمیمات قبلی یا فعلی کمیته مرکزی باشد، کمیته مرکزی تابع تمام تصمیمات این کنگره خواهد بود همه فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سراسر میهن می‌خواهند بدانند فراکسیونی که با توطئه‌گران‌ترین شیوه‌ها با بی‌اعتنایی خشم‌انگیز به اراده و خواست و نظر اکثریت قریب به اتفاق رفقای تشکیلات می‌کوشد سازمان را تضعیف کند، در مقابل این پیشنهاد چه می‌گوید و چه می‌کند؟ در هر حال چه امروز، چه فردا و چه یک سال دیگر تمام کمیته‌های ایالتی و ولایتی تمام کمیته‌های شهر و بخش و تمام حوزه‌های محلی و شعب مرکزی سازمان در سراسر ایران آماده‌اند که در کنگره‌ای که نمایندگان آن با ضوابط فوق انتخاب می‌شوند شرکت کنند و رای و نظر و تصمصم خود را درباره ماهیت عمل و جوهر نظرات آقایان نیز اعلام دارند آنها منتظرند در دو جمله بشنوند که آیا کسانی که ظاهراً می‌گویند کمیته مرکزی برای تشکیلات است نه تشکیلات برای کمیته مرکزی کسانی که تلاش بسیار کرده‌اند که خود را نماینده کمیته‌های ایالتی سازمان معرفی کنند کسانی که شعار کنگره را در سراسر حرف‌های خود نوشته‌اند در مورد این مسأله مشخص چه می‌گویند؟ بهرحال ما باز هم منتظر خواهیم بود.

و اکنون سومین مقاله، نویسندگان بیانیه ۱۶ آذر با نیت درشت اعلام کرده‌اند "با انحلال‌طلبی مبارزه کنیم و از وحدت اصولی دفاع نمائیم" آنها کمیته مرکزی سازمان و همه ارگان‌های مدافع کمیته مرکزی را "انحلال‌طلب" نامیده‌اند. ما در این مقاله نشان خواهیم داد که مارکسیسم - لنینیسم درباره "انحلال‌طلبی" چه می‌گوید ما می‌خواهیم ببینیم انحلال‌طلبی چیست و انحلال‌طلب کیست و گروه فراکسیون‌های کشتگر و هلیل‌رودی در این باره چه گفته‌اند

انحلال طلبی از زبان لنین

بعد از شکست انقلاب ۷-۱۹۰۵ در حزب سوسیال - دمکرات کارگری روسیه همزمان با هم دو گرایش انحرافی معین شکل گرفت. این دو گرایش از جانب لنین انحلال‌طلبی و آتروبیسم نام گرفته‌اند بلشویک‌ها به رهبری لنین از حوالی سال ۱۹۰۷ تا حوالی ۱۳ - ۱۹۱۲ سخت‌ترین بیگانه‌های عقیدتی را علیه این دو جریان به پیروزی رسانیده‌اند. انحراف عمده در این سال در حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه همانا انحلال‌طلبی بوده است. در این سال‌ها که مترادف است با سلطه استبداد استولینین در روسیه و عقب‌نشینی نهضت کارگری، از یک سو گروه‌هایی‌های معینی در حزب پیدا شدند که تحت تاثیر شکست دچار آشفتگی شده و با نفوذ دادن اندیشه‌های بورژوازی در صفوف پروتلارها خواهان برچیدن سازمان مخفی حزب وروری آوردن آن بطور تمام و کمال به فعالیت علنی و قانونی بودند. منشویک‌ها کانون اصلی اشاعه این نظرات بودند. آنها حتی حاضر بودند برنامه، اساسنامه و خط مشی و تاکتیک حزب را بکلی تغییر دهند تا بتوانند امکانات قانونی و علنی بدست آورند. لنین این کوشش‌ها را انحلال‌طلبی نامید. بعد از این نامگذاری، منشویک‌ها و همفکران جنجال‌های بسیار راه انداختند بقیه در صفحه ۱۲

از صفحه ۱۱

مروری به اختصار در بیانیه و

و کوشیدند مضمون انحلال طلبی و منشاء طبقاتی آن را تحریف کنند. لنین با کوشش‌های جداگانه خود طی مقالات متعدد از جمله در مقاله معروف "مسائل مورد مناخره" (که به همه خوانندگان توصیه می‌شود همراه با مطالعه این مقاله یک بار دیگر آن را بدقت مطالعه کنند) بار دیگر با استناد قرائن سیاسی حزب در سال ۱۹۰۸ و ۱۹۱۰ مضمون و منشاء طبقاتی انحلال طلبی را بدقت توضیح داده است. لنین در مقاله مذکور در همین رابطه به استناد قرار ۱۹۰۸ می‌نویسد:

"انحلال طلبی عبارت است از تلاش قسمتی از روشنفکران حزبی برای "انحلال" (یعنی پراکندن نهاد، برانداختن، موقوف ساختن) سازمان موجود حزب و تبدیل آن به هر قیستی که شده به یک تجمع بی شکل و محدود و گاه گویا - چهاردیوار (یعنی در چهاردیوار قانونیت و موجودیت آشکار) ولو اینکه این عملی بودن به قیمت استکف آشکار از برنامه و تاکتیک و سنت‌های (یعنی تمام تحریکات سیاسی) "حزب" تمام شود" (۱)

لنین در همین مقاله توضیح می‌دهد که این جمعیتی از انحلال طلبی را قرارهای ۱۹۰۸ و ۱۹۱۰ حزب معین کرده‌اند. لنین خود در هدایت حزب به سوی تصویب این قرارها نقش کاملا موفری داشته است او در فاصله این سالها مقالات متعددی در رد انحلال طلبی منتشر ساخت که مجموعه آن اخرا از جانب سازمان منتشر شده است. از جمله لنین در ۱۹۰۹ در مقاله "انحلال انحلال طلبی" در توضیح ماهیت انحلال طلبی می‌نویسد:

"انحلال طلبی به مفهوم محدود کلمه انحلال طلبی منسوخها - از نظر ایدئولوژیک عبارت است از مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریای سوسیالیست بطور اعم و انکار سرکردگی پرولتاریا در انقلاب بورژوا - دموکراتیک با بطور اخص ...
انحلال طلبی در مفهوم تشکیلاتی آن به معنای رد لزوم حزب سوسیال - دموکراتیک غیرعقلی و نتیجتا دست شستن از حزب سوسیال دموکراتیک کارگری و ترک صفوف آن. یعنی مبارزه با حزب در ستون‌های مطبوعات قانونی، در سازمان‌های کارگری قانونی، در اتحادیه‌های صنفی و تعاونی‌ها در کنگره‌های هیات نمایندگی کارگران (۲)

لنین انحلال طلبی را "نیمه لیبرالیسمی" معرفی می‌کند که مایل است خود را بخشی از سوسیال دموکراسی محسوب آورد.
لنین آبروسم، که استکف از هر نوع فعالیت عملی و قانونی است، را "نیمه آنتارسمی" معرفی می‌کند که او نیز مایل است خود را بخشی از سوسیال دموکراسی محسوب آورد. نیمه آنتارسمی که مفید است حزب باید از فعالیت در دوما، از شرکت در اتحادیه‌های کارگران و بطور کلی از هر نوع حرکت عملی و قانونی بکلی دست بشوید و فقط اشکال مبارزه مخفی را دنبال کند. لنین در برابر این دو انحراف که نوع اول آن یعنی انحلال طلبی وجه عمده بود از تلقی خلافتانه کار عملی و مخفی دفاع می‌کرد و چشم پوشی از هر یک از این اشکال مبارزه را خطایی فاحش و حدیث به مصالح بورژوازی ارزیابی می‌کرد.
لارم است بیادآوریم که لنین همواره تاکید داشت که:

"فقط و فقط از این راه، از راه تحلیل موقعیت طبقات و از راه بررسی تاریخ عمومی ضدانقلاب می‌توان به مفهوم انحلال طلبی پی برد.
انحلال طلبیان روشنفکران خرد بورژوازی هستند که از طرف بورژوازی دموکراتیک هرگز لیبرالی را در محیط کارگری وارد سازند. انحلال طلبیان خائنین به مارکسیسم و خائنین به دموکراسی هستند ...
مبارزه مارکسیست‌ها با انحلال طلبیان در حقیقت همان مبارزه کارگران پیشرو با بورژوازی‌ها برای نفوذ در توده‌های مردم و روشنگری افکار آنها و پرورش سیاسی آنانست" (۳)

مطلقا لازم بود قبل از پرداختن به بحث پیرامون افزایی به نام "انحلال طلبی" که گروه فراکسیونی کشتگر - لیلی رودی می‌خواهند به سازمان نسبت دهند موضع و درک لنینیستی از "انحلال طلبی" یا نقل قول‌های کافی توضیح داده شود.

مروری بر این گفته‌ها به ما می‌فهماند که مساله مرکزی مابه‌الاضطراب بین انحلال طلبیان و لنینیست‌های حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه پذیرش حزب آشکار و قانونی به قیمت عدول از برنامه و تاکتیک حزب از سوی انحلال طلبیان و نفی آن از جانب لنینیست‌ها بوده است. لنین منشاء طبقاتی و مبنای ایدئولوژیک انحلال طلبی یعنی تن دادن به حزب آشکار به قیمت عدول از برنامه و تاکتیک حزب را نفوذ اندیشه‌های بورژوازی در جنبش کارگری می‌شناسد و آن را مترادف با تحایلات و هرزگی‌های لیبرالی عدول آشکار از مارکسیسم انقلابی ارزیابی می‌کند.

انحلال طلبی در مفهوم سیاسی آن

وقتی مساله بدین گونه مطرح می‌شود، آنچه آنرا به فکر ما می‌رساند مساله چگونگی فعالیت حزب طراز نوین طبقه کارگر در شرایط فعلی جنبش انقلابی ایران است آیا مبارزه پرولتاریا، اصل سوسیالیسم عملی برای تثبیت موقعیت عملی و قانونی حزب لزوماً به قیمت عدول از برنامه و تاکتیک و سنت‌های انقلابی رهبران سوسیالیسم عملی در صحن ما تمام می‌شود؟

جبهه‌ها از یک سال و اندی پیش تا امروز گرد و خاک زیادی در این زمینه‌ها می‌کنند. آنها روش سازمان ما و روش حزب توده ایران را در این زمینه "انحلال طلبی محض" نامیده‌اند؛ آنها مدعی‌اند مبارزه ما برای بدست آوردن و تثبیت حق داشتن فعالیت حزبی عملی و قانونی همان سن دادن به برنامه و تاکتیک لیبرالی است.

جرا جبهه‌ها علیه این مبارزه ما گرد و خاک می‌کنند آنها متطفا در این کار کاملا محق بودند زیرا همه آنها نظام سیاسی موجود ایران جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت خط ضدامپریالیستی و مردمی اصنام خمینی را بطای "ارتجاعی" و حاکمیت این خطا حاکمیت ارتجاع و آن را چیزی صد برابر بدتر از حاکمیت ارتجاع استولیسوی ارزیابی می‌کنند. آنها رژیم جمهوری اسلامی را "بدتر از رژیم آریامهری" معرفی می‌کنند. آنها بنی مقابله آشکار و همه جانبه و حتی مبارزه مسلحانه را برای سرنگونی این حاکمیت در پیش گرفته‌اند.

ما این روشی را یک مشی ضدانقلابی ارزیابی می‌کنیم. ما این روشی را مشی همکاری عملی و بی‌برده با همه باند‌های ضدانقلابی اعم از سلطنت طلب و ساواکی و مائوئیست و غیره ارزیابی می‌کنیم. ما بیروان سوسیالیسم عملی مشی پشتیبانی فاطم و همه جانبه از عالی جمهوری اسلامی ایران و از حاکمیت خط ضدامپریالیستی و مردمی اصنام خمینی را بگانه مشی واقعا انقلابی می‌شناسیم. مضمون این پشتیبانی همانا عبارت است از پشتیبانی از هستی انقلاب در برابر دستبردهای ضدانقلابی. برای ما این پشتیبانی یک وظیفه استراتژیک است. مسلمانان انقلابی بیرو خط ضدامپریالیستی و مردمی اصنام خمینی متحدین واقعی و دوسان واقعی طبقه کارگر ایرانند. ارکان اصلی جبهه متحد ضدامپریالیستی و مردمی خلق ایران را مسلمانان انقلابی بیرو اصنام خمینی و بیروان اصل سوسیالیسم عملی شکل می‌دهند.

از این نظر مبارزه ما برای تثبیت و رسمیست ستابیدن همه جانبه حق فعالیت عملی و قانونی سازمان مشخصا بخشی از مبارزه ماست در راه وحدت و سرورهای خلق و از قضا بخش بسیار مهم آن است. یکبارگی در این مبارزه یکبارگی در مبارزه ضدلیبرالی، یکبارگی در مبارزه طبقاتی است. عدول از این مبارزه عدول از یکبارگی طبقاتی، روی آوردن به لیبرالیسم و همونایی با "جبهه‌ها" و "نهیضت‌های لیبرالی است حفاظت عملی موجود، تمام حقایق این سه ساله انقلاب تماما مود این ارزیابی است. امروز دیگر این حرف ما یک ادعا نیست. فهمیدن اینکه چرا و چگونه جبهه‌ها و لیبرال‌ها (علیرغم دستام‌های بونی که جبهه‌ها به لیبرال‌ها داده‌اند و می‌دهند) هر دو در عمل در یک صف قرار می‌گیرند. به عقل ریادی نیاز ندارد. امروز درک این مطلب نیاز به عقل ریادی ندارد که چرا پس‌گرفتن سیاست دشمنی با خط امام سیاسی است کاملا انحلال طلبانه که مضمون ایدئولوژیک آن جبری است هر روزه هر روزه‌های آنتارسمی در میان توده‌های مردم رخمکس.

درست به همان گونه که تلاش برای کسب و تثبیت حق فعالیت عملی در چهار دیوار قانونیت آریامهری "در سال‌های قبل از انقلاب" نمی‌توانست به چیزی جز روی آوردن به مشی لیبرالی و عدول از برنامه و تاکتیک طبقه کارگر که حلقه اصلی آن سرگونی رژیم شاه بود، منجر شود. به همان گونه نیز در سال‌های بعد از انقلاب در شرایط وجود حاکمیتی انقلابی عدول از مبارزه قاطع برای تثبیت موقعیت عملی و قانونی حزب طبقه کارگر نمی‌تواند به چیزی جز عدول از برنامه و تاکتیک طبقه کارگر که حلقه اصلی آن پشتیبانی قاطع از انقلاب و خط ضدامپریالیستی و مردمی اصنام خمینی و مبارزه در راه وحدت نیروهای خلق است تعبیر گردد. استکف از این برنامه و تاکتیک، مشخصا چیزی نیست جز انحلال طلبی محض، جز روی آوردن به برنامه و تاکتیک‌های لیبرالی. واقعت عینی و تجربه سه ساله محکم‌ترین پشتوانه ادعای ماست.

بدین ترتیب دیده می‌شود که قطع نظر از هر نوع ادعای خودسرانه این یا آن فرد، مضمون اصلی انحلال طلبی در عرصه مبارزه سیاسی طبقات در شرایط امروز ما نه مبارزه برای کسب و تثبیت حق فعالیت عملی و قانونی حزب طبقه کارگر در چارچوب قانونیت موجود بلکه مشخصا استکف از پیشبرد چنین مبارزاتی است مضمون ایدئولوژیک این استکف راه‌ساختن مبارزه طبقاتی است. و اگر سازمان ما و حزب توده ایران هنوز موفق نشده‌اند حق فعالیت حزبی عملی و قانونی را در چارچوب یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی بطور کامل بدست آورند و تثبیت کنند دلیل آن مشخصا چیزی نیست جز حد پیشرفت کنونی انقلاب و حد نفوذی که هنوز بورژوازی ایران در دستگاه حکومتی و در محیط اجتماعی بطور کلی به آنجا مختلف حفظ کرده است. تثبیت این حق در شرایط امروز خود مترادف است با شکست بازم بیشتر جریان‌های مختلف مدافع سرمایه‌داری در ایران. پیشرفت بروسه مبارزه در راه کسب و تثبیت فعالیت عملی و قانونی حزب طراز نوین طبقه کارگر، بستگی تنگاتنگی دارد با پیشرفت بروسه مبارزه همه نیروهای ترقیخواه علیه امپریالیسم جهانی و جریان‌های رنگارنگ مدافع سرمایه‌داری. شرط پای بندی به برنامه و تاکتیک مارکسیستی از جمله آن است که فهمیم و درک کنیم که تثبیت موقعیت قانونی حزب طبقه کارگر و حق فعالیت عملی و قانونی آن در جامعه مشخصا منوط است به تخریب مشی و پیشرفت یکبارگی طبقاتی مجموعه نیروهای انقلابی علیه نیروهای مدافع امپریالیسم و سرمایه‌داری و نه چیزی جز آن. بپیونده نیست که همه احزاب کمونیستی و کارگری جهان در کنفرانس جهانی ۱۹۶۹ مسکو یکصد می‌گویند "شرکت کنندگان در کنفرانس پشتیبانی خود را بدون استثنا از تمام احزاب کمونیستی و کارگری جهان که برای فعالیت قانونی در زندگی سیاسی کشور خود مبارزه می‌کنند، اعلام می‌دارند"

در شرایط امروز ما چنانچه حزب طبقه کارگر واقعا در عمل موفق شده تمام تحریکات و دستاوردهای نظری کنونی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری را یکبارگی و از خط مشی سیاست صحیحی برخوردار گردد، می‌توان با اطمینان بسیار گفت که پیشرفت مست‌گیری ضد سرمایه‌داری در حاکمیت تثبیت دموکراسی انقلابی، به معنای دقیق کلمه نه تنها شرایط را برای تثبیت موقعیت عملی و قانونی حزب کارگری هموار می‌کند، بلکه شرایط ضرور برای گرد آمدن همه نیروهای ضد سرمایه‌داری در یک جبهه متحد را نیز فراهم تر می‌کند.

به اعتقاد ما هر برداشتی از اهداف مبارزه در راه کسب و تثبیت حق فعالیت عملی و قانونی حزب، هر نوع تحلیلی بیروان ضرورت با عدم ضرورت قرار دادن فعالیت حزب در چارچوب قانونیت موجود که جدا از تحلیل ماهیت حاکمیت سیاسی و سمت‌گیری آن ارائه شود، تحلیلی سبایا بوی و بی‌پایه است. انتمام انحلال طلبی به مارکسیست‌هایی که در شرایط کنونی کشور ما برای تثبیت حق داشتن حزب مستقل کارگری مارکسیستی - لنینیستی در چارچوب قانونیت موجود مبارزه می‌کنند، انتهای بوج وحشی مضحک است. این انتهای انتهای است که قیض از جانب دشمنان و از جانب نوآموزان و شاگردان تازه‌کار و ناشی مارکسیسم به ما وارد شود. و البته از قبل هم مشخص بود که گروه فراکسیونی کشتگر - لیلی رودی از این زاویه ما را به انحلال طلبی منتهم نمی‌کنند. آنها اکنون می‌پذیرند که مبارزه در راه تثبیت حق موجودیت و قانونیت حزب مستقل کارگری مارکسیستی - لنینیستی در شرایط کنونی به معنای انحلال طلبی نیست. ما کمی بعدتر نظرات این گروه فراکسیونی را در همین زمینه ذکر خواهیم کرد

از صفحه ۱۲

مروری به اختصار در بیانیه ۰۰۰

انحلال طلبی در مفهوم تشکیلاتی آن

کسی قبلتر در توضیح نظر لنین در باره " انحلال طلبی در مفهوم تشکیلاتی آن " از زبان قرارهای ۱۹۰۸ و ۱۹۱۰ حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه یادآور شدیم که " انحلال طلبی " عبارت است از تلاش قسمتی از روشنفکران حزبی برای " انحلال " (یعنی پراکندن ، انهدام ، برانداختن موقوف ساختن) سازمان موجود حزب و تبدیل آن به یک جمع بی شکل ، محدود ساختن آن در چارچوب فعالیت علنی (یعنی در چارچوب قانونیت و موجودیت آشکار) ولو اینکه این علنی بودن به قیمت استکفاف آشکار از برنامه و تاکتیک و سنت های حزب (یعنی تمام تجربیات پیشین آن) تمام شود .

ما* تا اینجا نشان داده ایم که لنین " قرار گرفتن حزب در چارچوب قانونیت و موجودیت آشکار را به این دلیل دارای ماهیت " نیمه لیبرالی " می دانست که چهار دیوار قانونیت آن زمان را ارتجاع استولینی معین می کرد . هرگاه متحذین استراتژیک طبقه کارگر در حاکمیت قرار گیرند ، پذیرش چهار دیوار قانونیتی که آنها تعیین میکنند ، و یا می توانند تعیین کنند ، بسته به پیشرفت نبرد طبقاتی علیه طبقات ارتجاعی جامعه مشخص می تواند " به قیمت استکفاف از برنامه و تاکتیک و سنت های حزب " تمام نشود . تجربه دهها و دهها حزب کمونیستی و کارگری جهان و واقعیات محرز چند ساله اخیر انقلاب ایران حاکی از درستی این داوری است . با این همه حتی یک مورد هم در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهانی دیده نشده است که " تلاش برای انحلال حزب طراز نوین طبقه کارگر - یعنی پراکندن ، انهدام ، برانداختن و موقوف ساختن فعالیت آن " و تبدیل حزب مارکسیستی به جمع بی شکلی از روشنفکران - تلاش به سود طبقه کارگر و همه توده های زحمتکش تمام شده باشد . معمولاً در شرایط فشار پلیسی سنگین و پیگردهای حاد سرکوبگرانه و فاشیستی ، در شرایط بعد از شکست نهضت انقلابی در دوره های عقب نشینی نهضت این جنبش توصیه های از جانب " قسمتی از روشنفکران حزبی " طرح می شود . این گروه از روشنفکران با تکیه بر عقب نشینی های حزب ، هستی تاریخی آن را به زیر علامت سؤال می کشند . آنها در چنین شرایطی معمولاً میل دارند این عقب نشینی ها را با انحلال حزب ، با انکار موجودیت تاریخی حزب یکی بگیرند و این توهم را دامن زدن که چیزی را که وجود ندارد ، نمی توان منحل کرد .

علاوه بر این در شرایط رشد نهضت های انقلابی خرد بورژوازی ، در شرایطی که نیروهای غیر پرولتری خلق پیروزی های عظیم کسب میکنند ، در شرایطی که مسئولیت رهبری انقلاب بر عهده جریان هایی جز حزب طبقه کارگر قرار می گیرد ، نیز این زمینه پدید می آید که " قسمتی از روشنفکران حزبی " از شعار انحلال حزب مستقل پرولتری ، پراکندن ، انهدام ، برانداختن و موقوف ساختن فعالیت آن و پیوستن پراکنده به احزاب خرد بورژوازی حمایت کنند این کار را بطریق بنمایانند برای حل مسأله " وحدت در جنبش خلق و شرکت فعال تر و مشرور تر در جنبش انقلابی . تاریخ جنبش کارگری جهان هر دو نمونه از این تلاش های انحلال طلبانه را به چشم دیده است .

نفی صورت موجودیت و استقلال سیاسی و سازمانی پیشاهنگ طبقه کارگر نفی مبارزه بیکر در راه وحدت همه نیروهای خلق و تقابل با فرآیندی است که تکامل انقلاب می طلبد . پیرو انقلابی طبقه کارگر پیشرو آگاه و متشکل طبقه کارگر ، بشرویی که در یک حزب سراسری واحد گرد آمده و به مارکسیسم - لنینیسم و انتزاع سوسیالیسم پرولتری متکی است بشرویی که اصول سازمانی حزب طبقه کارگر را می پذیرد ، بشرویی که سیاست و تاکتیک انقلابی طبقه کارگر را در پیکار طبقاتی بکار می گیرد قادر است همه نیروهای خلق را ، همه طبقاتی متعدد و پاره پاره خرد بورژوازی را در یک پیروسه تاریخی در اتحاد با یکدیگر درآورد آنان را در غلبه بر ذهنیگری ها و پسندآوری ها یاری دهد و انقلاب را از توان تاریخساز مادی و معنوی طبقه کارگر بهره مند سازد .

منحرف کردن فعالیت سیاسی عناصر بیشتر

به سمت مبارزه با حزب کارگری در سون های مطبوعات غیر حزبی محدود کردن مبارزه عناصر مارکسیست به شرکت در جمعیت ها و محافظت خرد بورژوازی و اتحادیه های صنفی و تعاونی ها ، محدود کردن وظایف عناصر مارکسیست به شرکت پراکنده در نهادهای انقلابی دولتی در دمکراسی های انقلابی ، اسبابا همه به معنای نفی مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتری سوسیالیست بطور اعم و انکار نقش رهبری کننده کارگران در انقلاب دموکراتیک بدون اخص است " حزب طبقه کارگر هر چه منضبط تر و هر چه متحد تر و هر چه متشکل تر باشد ، طبقه کارگر می تواند نقش برجسته تری را در انقلاب بر عهده گیرد . پراکنده ساختن حزب طبقه کارگر و همچنین تضعیف استحکام فکری و سازمانی آن حتی اگر زیر پوشش ضرورت تحکیم اتحاد با سایر نیروهای انقلابی انجام گیرد ، ثوری جز تضعیف این اتحاد نخواهد داشت . وحدت فکری و سازمانی پیشاهنگ طبقه کارگر شالوده وحدت همه نیروهای انقلابی است . همه تجربه تاریخی خلقهای جهان حاکی از درستی این ایده هاست . بزرگترین ضربه به پیکار انقلابی خلق رهان کردن صفوف حزب . منحل کردن فعالیت آن و تلاش کردن واحدهای سازمانی آن است .

سپه پاره نیست که کین نوزترین دشمنان طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری همواره بیشترین تلاش خود را برای برجیدن و برانداختن احزاب کمونیستی و کارگری جهان بکار می گیرند . و سپه پاره نیست که کمونیست ها همواره تلاش های مسئولانه برای تقویت و تحکیم وحدت ایدئولوژیک سیاسی و سازمانی حزب خود را مهمترین و مقدم ترین وظیفه ای می شناسند که بر عهده آنهاست .

بدین ترتیب می بینیم که انحلال طلبی در مفهوم تشکیلاتی آن عبارت است از کوشش در جهت نفی موجودیت سازمانی حزب طبقه کارگر و برانداختن آن و منحل کردن آن . انحلال طلبی از این روایه چیزی نیست جز نفی ضرورت موجودیت مستقل حزب طبقه کارگر . جز تلاش در راه منلاشی کردن شبکه تشکیلات و پراکندن نیروها ، جز تلاش های مخرب در راه ایجاد تشکیلات و مرج و برهم زدن وحدت فکری و سازمانی کارگران پیشرو . این تلاش ها همه ضد انقلابی و ضد منافع عاجل و تاریخی طبقه کارگر و ضد منافع همه مردم زحمتکش است . انحلال طلبی در مفهوم تشکیلاتی آن فقط آن نیست که قسمتی از روشنفکران از طریق عملیات خرابکارانه و فراکسیونیستی ، از طریق ربهیا نهادن انضباط حزبی و اقدامات آتارژیستی بکوشند فضاالت بیک یا چند سازمان حزبی (و حتی در مواردی تمام سازمان های حزبی) را دچار آشفتگی ، اختلال و حتی انهدام سازند و یا هرزگی های لیبرالی را در آنجا رواج دهند . این عملیات انحلال طلبانه توده های مشخصی از تفرکی است که علیرغم تکذیب و یا تأیید این یا آن فرد خاص ، موجودیت و هستی تاریخی حزب طبقه کارگر را انکار می کند و یا بجای تشویق عناصر پیشرو طبقه کارگر برای پیوستن به حزب می کوشد فعالیت آنان را به منحصر پراکنده کاری در مطبوعات غیر حزبی محدود و منحصر سازد . شعارهای انحلال طلبانه در زمان ما ، قبل از همه در انکار لوجوانه موجودیت تاریخی احزاب طبقه کارگر ، در تلاش در راه ناموجود معرفی کردن هستی تاریخی این احزاب و از این طریق سد کردن راه کارگران پیشرو در پیوستن به حزب و تقویت صفوف آن و یا اساساً در انکار ضرورت موجودیت مستقل سازمان سیاسی طبقه کارگر و متمایز نکردن آن از لحاظ سیاسی و سازمانی از احزاب غیر کارگری ، و در تلاش برای منحل کردن حزب مارکسیست - لنینیست در سازمان های خرد بورژوازی و بورژوازی انعکاس می یابد .

انحلال طلبی به روایت

کستگر - هلیل رودی (۱)

حال باید دید که درک و برداشت این گروه فراکسیونی از انحلال طلبی با درک لنینی مفهوم انحلال طلبی چه مشابهتی دارد ؟

مسأله این آقایان برای منحرف کردن ذهن جنبش از فهم دقیق و روش مفهوم انحلال طلبی همه استعداد های خود را بکار برده اند . آنها با زرنگی کامل بدون اینکه درهای هم خود را مقید احساس کنند کاملاً خود سرانه مفهوم مارکسیستی " انحلال طلبی " را تعبیر داده و بنا به میل خود معنای دیگری برای آن جعل کرده اند . زرنگی کار در این نکته است که

آقایان ترجیح داده اند بدون کمترین ترویج ، بدون کمترین دلیل و برهان و منطق به زور تکرار مکرر این اصطلاح ، از طریق برگردن گوش ها ، از راه تبلیغات جنجالی ناآگاه گمراه کن ، در ذهن عناصر کفر پیشرفته تشکیلات اصطلاحات " انحلال طلبی " و " طرفداران " پیش اصولی " را به اصطلاح " چا بیاندازند " و این در حالی است که حتی خودشان هم واقفا می دانند که این اصطلاحی که امروز بکار می برند به آموزش مارکسیسم درباره انحلال طلبی کوچکترین ارتباطی ندارد . با این همه ما وظیفه خود می دانیم که بصورتی ویا حوصله و دقت کافی تمام آنچه را این عناصر در بیانیه خود در مورد " انحلال طلبی " و ارتباط آن با حرکت و فعالیت رهبری سازمان گفتند ، بررسی کنیم و تمام جزئیات آن را بیگانه کنیم . در سرپای بیانیه ۱۸ صفحه ای گروه فراکسیونی کستگر - هلیل رودی که تحت عنوان :

" با انحلال طلبی مبارزه کنیم " از وحدت اصولی دفاع نماییم "

انتشار یافته است درباره مفهوم انحلال طلبی که ظاهراً موضوع اصلی مبارزه گروه فراکسیونی مذکور است فقط حدود سه پاراگراف به مجموعاً کمتر از یک پنجم صفحه آن را بیان کرده است ، مطلب نوشته شده که ما لازم می دانیم همه آن را در اینجا دوباره نقل کنیم . آنها در صفحه ۳ بیانیه خود در این باره چنین توضیح می دهند .

" پیش از پرداختن به مسائل مورد اختلاف لازم است با ارائه درک مشخص از انحلال طلبی در شرایط کنونی جنبش کمونیستی میهنان دلایلی چند از شکل گیری پیش انحلال طلبانه در سازمان راه اختصار توضیح دهیم . هرگاه نخواهیم خود را در چارچوب پیش کشیده ای محسوس نامتکسیم ، می بایستی انحراف را که هم اکنون در سطح سازمان تکوین یافته است " انحلال طلبی " بنامیم ، در دهه اول سده بیستم لنین انحلال طلبی را بسا پدیده هایی چون رسوخ ایده های غیر پرولتری در محیط پرولتاریا ، روی برتافتن از پرسش ها و ایده های پرولتری ، تلاش قسمتی از روشنفکران حزبی برای انحلال (یعنی پراکندن ، انهدام ، برانداختن و موقوف ساختن) سازمان موجود حزب " و " تبدیل آن به هر قسمتی شده به یک جمع بی شکل " استکفاف آشکار از برنامه تاکتیک و سنت های حزب " و غیره که موجب به خطر افتادن دستاوردهای جنبش کمونیستی و " انهدام استقلال طبقاتی پرولتاریا " توصیف می کند

البته پیش انحلال طلبانه در دهه اول قرن بیستم همه پدیده های فوق را زیر شعار فعالیت قانونی رشد می داد ، در حالی که امروز ما شاهد رشد پدیده های فوق زیر پرچم " مبارزه در راه وحدت " هستیم . با این همه آنچه درخور اهمیت است به هیچ روی ناشی از هر پیش رفتی رفقا می گذاریم نیست ، بلکه مضمونی است که رفقا زیر شعار وحدت به پیش می برند

این نقل قول تمام آن توضیحاتی است که نویسندگان بیانیه در نوشته خود ارائه داده اند . دوستان سابق ما بدون اینکه بخود زحمت دهند حتی یک جمله در مورد تعریف خودشان از " انحلال طلبی " در شرایط امروز بیان کنند ، برای اینکه " در چارچوب پیش کشیده ای محسوس نمایند " (و در واقع برای اینکه خود را از قید چهارچوب آزار دهنده درک لنینی از مفهوم انحلال طلبی خلاص کنند) با لاقیدی مشتمل کننده ای می گویند " آنچه درخور اهمیت است به هیچ روی ناشی نیست که بر پیش رفتی رفقا می گذاریم " مگر نه اینکه شما در سراسر بیانیه تان و بهویژه در آغاز نیز درشت آن نوشته اید و پارها و پارها گفته اید که " با انحلال طلبی مبارزه کنیم " خوب ، بطور مهم نیست که این مبارزه تان با " انحلال طلبی " واقفا مبارزه با انحلال طلبی باشد یا خودش انحلال طلبی محض باشد ؟ چرا حق نمی دهید به همه کسانی که این عبارت برداری های توخالی شما را می خوانند در این درماندگی و لنگرانه شما در مبارزه ایدئولوژیک مناسف نشوند ؟ چرا شعری می یابید که در قافیه آن بمانید . در حالی که خوب می دانید منظور لنین از انحلال طلبی بکلی چیز دیگری جز آنچه شما آن را انحلال طلبی می نامید بوده است . باز هم در کمال بی صداقتی در بالای اعلامیه تان و در کردار تان جنجال مشتمل کننده ای راه می سازید که " بسا

از صفحه ۱۳
مروری به اختصار در بیانیه و ...

انحلال طلبی مبارزه کنیم وارونه کردن مفهوم اصطلاحات مارکسیسم و ارائه تعابیر دلخواهی از آنها کار معمولی کسانی است که در خود نسبت به مارکسیسم و حفظ اصالت آن کمتر احساس تعهد می کنند. به علاوه همانگونه که در صفحات قبل هم نشان دادیم، لنین به هیچ وجه انحلال طلبی را مقدّماتاً "با پدیده‌هایی چون روخ ایده‌های غیرپروتلری در محیط پروتلاریا" توصیف نمی کند. او ابتدا به قرار حزب در دسامبر ۱۹۰۸ که طی آن انحلال طلبی بطور مشخص تعریف شده است اشاره می کند و می نویسد:

"انحلال طلبی عبارت است از تلاش قسمتی از روشنفکران حزبی ... الخ"

و سپس با اشاره به قرار ۱۹۱۰ علاوه بر تکرار همین تعریف از انحلال طلبی که متن کامل آن در صفحه ۳۱۷ منتخب آثار نقل شده است، می افزاید:

"... سخن بدینجا پایان نمی پذیرد. در قرار متفق‌الرای حزب به منشاء طبقاتی و اهمیت این انحرافات نیز اشاره شده است"

او در چند سطر پایین تر در توضیح همین منشاء طبقاتی انحلال طلبی می نویسد:

"انحلال طلبی همان روخ دادن این ایده‌های بورژوازی روی برتافتن و ارتداد در محیط پروتلاریاست"

این است معنای طبقاتی "انحلال طلبی" -

بدین ترتیب دیده می شود که نویسندگان بیانیه در عین حال که در نوشته‌شان می گویند و می پذیرند که "لازم است با ارائه درک مشخص از انحلال طلبی در شرایط کنونی جنبش کمونیستی میهنمان" بحث خود را آغاز کنند، حرف خود را چنانکه دیدیم با عبارات کلی و غیرمشخص آغاز می کنند و انحلال طلبی را با عباراتی از قبیل:

روخ ایده‌های غیرپروتلری در محیط پروتلاریا - روی برتافتن از برنسیبها و ایده‌های پروتلری توصیف می کنند. در حالی که این عبارات فقط بیانگر منشاء طبقاتی همه انحرافات درون جنبش کمونیستی بطور کلی است. این عبارات توصیف انحلال طلبی نیست. این عبارات بیان منشاء طبقاتی انحلال طلبی و هر انحراف دیگری در جنبش کمونیستی است. تعریف مشخص انحلال طلبی همان است که در قرارهای سال ۱۹۰۸ و ۱۹۱۰ حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه آمده است و عبارت است از:

"تلاش قسمتی از روشنفکران حزبی برای ... فرق است بین بیان مضمون مشخص انحلال طلبی و بیان منشاء طبقاتی آن. قاطعی کردن این دو بیان کار کسانی است که می خواهند زیر پوشش "مبارزه با انحلال طلبی" فعالیت‌های دیگری جز مبارزه با انحلال طلبی را گسترش دهند البته در جملات بعدی دوستان سابق ما به همین تعریف مشخص لنین از انحلال طلبی نیز اشاره کرده‌اند. ما نیز برای شکافتن نیت واقعی و مضمون واقعی فعالیت این گروه روی همین تعریف فوق‌الظها مورد تأیید آنهاست مکت و تکیه خواهیم کرد.

نویسندگان بیانیه در صفحه ۳ نوشته خود، همانطور که نقل کردیم می گویند انحلال طلبان "در دهه اول قرن بیستم همه پدیده‌های فوق (منظور ایشان همانطور که دیدیم پدیده‌هایی مانند "تلاش قسمتی از روشنفکران ... الخ" است) را زیر شعار فعالیت قانونی رشد می دادند در حالی که امروز ما شاهد رشد پدیده‌های فوق زیرپرچم مبارزه در راه وحدت هستیم" در این قیاس چندین غلط و تحریف آشکار صورت گرفته است:

- اولاً در دهه اول قرن بیستم هیچ‌کس زیر پوشش "مبارزه در راه حزب آشکار" انحلال طلبی را رشد نمی داد، بلکه در شرایط آن سالها "مبارزه برای حزب آشکار" خود عین انحلال طلبی بود.
- ثانیاً پرسیدنی است که آیا "مبارزه در راه وحدت" به نظر آقایان در شرایط امروز ما همان انحلال طلبی

است؟ (که به نظر ما جوهر نظر ایشان دقیقاً همین طور است) یا انحلال طلبی از نظر آقایان در شرایط امروز ما همان "مبارزه در راه وحدت" نیست بلکه فقط زیر پوشش این شعار علم می شود؟ آقایان ظاهراً مدعی‌اند که "مبارزه در راه وحدت" را همان انحلال طلبی نمی دانند. در این صورت این رفقای سابق ما باید مشخصاً توضیح دهند که کدام مبارزه را، کدام تلاش را انحلال طلبی می دانند؟ لنین به این پرسش پاسخ صریح می دهد. او به استناد قرار دسامبر ۱۹۰۸ حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه در توضیح ماهیست و مضمون انحلال طلبی می گوید:

"انحلال طلبی عبارت است از:

"تلاش قسمتی از روشنفکران حزبی برای انحلال (یعنی پراکندن، انهدام برانداختن و موقوف ساختن) سازمان موجود حزب و تبدیل آن به هر قیمتی که شده به یک جمع بی شکل و محدود ساختن آن در چارچوب فعالیت علنی" (یعنی در چهاردیوار قانونیت و موجودیت آشکار) "ولویانگه این علنی بودن به قیمت استکف از برنامه، تاکتیک و سنت‌های حزب (یعنی تحریکات پیشین آن) تمام شود"

ما در صفحات قبل گفتیم که چرا و چگونه در شرایط امروز ما مبارزه در راه کسب و تثبیت حق فعالیت علنی و قانونی و قراردادن حزب در چارچوب قانونیت موجود نه تنها انحلال طلبی نیست بلکه عدول از آن عین انحلال طلبی است. ما در عین حال توضیح دادیم که انحلال طلبی در بعد تشکیلاتی آن دقیقاً عبارت است از همین "تلاش برای انحلال سازمان موجود حزب و تبدیل آن به هر قیمتی که شده به یک جمع بی شکل" گروه فراکسیونی مدافع بیانیه ۱۶ ژانویه می گویند مضمون انحلال طلبی در مفهوم تشکیلاتی آن را پیشبرد همین مبارزه می دانند بدین ترتیب اگر آنها خود را به لنینسم وفادار معرفی می کنند و این تعریف را می پذیرند، پس آنگاه باید توضیح دهند که حرف کسی که کدام جریان تحت پوشش "مبارزه در راه وحدت" "تلاش برای انحلال سازمان موجود سازمان مسا و تبدیل آن به هر قیمتی که شده به یک جمع بی شکل" را تعقیب می کند؟ چه کسی؟ کی؟ از کدام طریق کوشیده است سازمان‌های موجود سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را منحل کند و آن را به یک جمع بی شکل تبدیل نماید؟ آنها هیچ چیز ندارند در پاسخ به این سؤال بگویند. زیرا خود آنها هم می دانند که هیچ‌کدام از باران ما (نه قسمتی از روشنفکران سازمان و نه هیچ‌کدام از کارگران سازمان) به‌جز همین عده‌ای که سازمان‌های موجود سازمان را ترک کرده‌اند و به فعالیت در مطبوعات غیرسازمانی علیه سازمان روی آورده‌اند، هیچ‌کدام تلاش نکرده‌اند سازمان‌های موجود سازمان را منحل و آن را به هر قیمتی که شده به یک جمع بی شکل تبدیل نمایند.

ثالثاً لنین مشخصاً می گوید:

"ولویانگه این علنی بودن به قیمت استکف آشکار از برنامه و تاکتیک و سنت‌های حزب پیشین تمام شود"

نویسندگان بیانیه هر نوع "استکف آشکار از برنامه، تاکتیک و سنت‌های حزب" را انحلال طلبی دانسته‌اند البته به نظر ما هر نوع استکف از برنامه و تاکتیک و یا سنت‌های حزب را نمی توان بطور مشخص در چارچوب انحراف معینی تحت عنوان "انحلال طلبی" گنجانید. علاوه بر این و مهمتر از این آیا این مبارزان خستگی ناپذیر! علیه انحلال طلبی جرات و شجاعت آن را دارند که صریحاً بگویند براسستی کدامیک از اقدامات و فعالیت‌های رهبری سازمان را طی یک ساله اخیر (یعنی از همان زمانی که نویسندگان بیانیه می گویند اختلافاتشان با رهبری سازمان شروع به شکل‌گیری کرده است) استکف آشکار از برنامه و تاکتیک و تحریکات پیشین حزب طبقه کارگر می شناسند؟ همه فدائیان راستین بسیار خستود خواهند شد که مدعیانی که رهبری سازمان را "انحلال طلب" می نامند. در یک بحث مشخص و با فاکت‌های مشخص نشان دهند که جوهر کدامیک از مبارزاتی را که کمیت مرکزی سازمان طی یک ساله اخیر رهبری کرده است "استکف آشکار از برنامه، تاکتیک و تحریکات پیشین" یک حزب واقعی طبقه کارگر بوده است؟ بیائید براسستی برای رسیدن به نتیجه‌گیری کلی، برای رسیدن به این نتیجه‌گیری کلی که آیا مضمون فعالیت یک ساله اخیر

سازمان در جهت: "روخ ایده‌های غیرپروتلری در محیط پروتلاریا و روی برتافتن از برنسیبها و ایده‌های پروتلری" بوده است و یا در جهت زدودن آن، در واقعیت عینی حدا در برداشت‌های این یا آن فرد، جدا از هیاهویی که برای پنهان کردن حقایق برآه انداخته‌اید، صادقانه کارنامه فعالیت یکساله اخیر سازمان را بررسی کنید و توضیح دهید که کدامیک از اقدامات، فعالیت‌ها و تلاش‌ها و مبارزاتی که توسط کمیته مرکزی سازمان رهبری شده است "استکف آشکار از برنامه و تاکتیک و تحریکات پیشین" یک حزب واقعی طبقه کارگر بوده است؟

آیا در عرصه سیاست در یک ساله اخیر مشارکت در دفاع از مین انقلابی در برابر تجاوزگران را استکف از برنامه و تاکتیک حزب طبقه کارگر می دانید؟ و یا تلاش بیگیر سازمان در راه دفاع از قانون اساسی و اجرای کامل آن را؟ آیا تطبیق فعالیت سازمان با قانون اساسی و پایبندی اکتیبه آن را عدول از برنامه و تاکتیک طبقه کارگر می دانید؟ و یا مبارزه بیگیر رهبری سازمان را در راه تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی مصرح در قانون اساسی را؟ و یا اینکه روشنگری‌ها و فعالیت تبلیغی در جهت بسیج توده‌ها در راه انجام اصلاحات بنیادین را استکف آشکار از برنامه و تاکتیک طبقه کارگر می دانید؟ آیا بیگیری در خط مشی اصولی پیکار بی‌امان با ضدانقلاب و امپریالیسم و ایادی آن، افشای بی‌امان انحرافات سیاسی و عقیدتی گروهک‌های چپ‌رو و دعوت مکرر آنان به اردوی انقلاب افشای قاطع جریان‌های لیبرالی و مبارزه همه‌جانبه در راه طرد و انفراد آنان، پشتیبانی قاطع از خست ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی در برابر تعرض دشمنان خلق کدامیک را استکف آشکار از برنامه و تاکتیک حزب طبقه کارگر می شناسید.

آیا در عرصه تئوری در یک ساله اخیر، کدام فعالیت، کدام کوشش سازمان برابر بوده است با استکف از برنامه و تاکتیک حزب طبقه کارگر؟ آیا انتشار اسناد جنبش جهانی را دارای چنین انحرافی می شناسید یا انتشار آثار رهبران جنبش جهانی کمونیستی را؟ آیا مضمون کدامیک از سه برنامه آموزشی نظری که برای آشنایی فعالین تشکیلات با مسائل جنبش جهانی کمونیستی تدوین شده است استکف آشکار از برنامه و تاکتیک و تحریکات حزب طبقه کارگر بوده است؟ آیا به نظر شما اینکه رهبری سازمان می پذیرد که مواضع تئوریک حزب طبقه کارگر در ایران چیزی نیست جز همان مواضع تئوریک که جنبش کمونیستی جهانی مدافع آن است، اینکه ما معتقد نیستیم که هر حزبی حق دارد برای خود یک تفسیر جداگانه بر مارکسیسم - لنینیسم بنویسد و آن تفسیر را راهنمای عمل خود قرار دهد، این استکف آشکار از برنامه و تاکتیک و تحریکات حزب کارگری است؟ براسستی شما کدام حرکت استکف و واقعی رهبری سازمان را در عرصه تئوری، استکف آشکار از برنامه و تاکتیک حزب می دانید؟ آیا براسستی رفقای نیمه راه! اصلاً هیچ تاکنون به خود جرئت داده‌اید، ابتدا پاسخ این سئوالات را بیابید و پس از آن در سرآغاز بیانیه‌تان با نهایت ولنگاری چندش‌آور یک روشنگر مغرور دروغوی هرزه‌درای بنویسید و فریاد کنید "بسی انحلال طلبی مبارزه کنیم؟"

در عرصه امور سازمانی نیز دیدیم، براسستی شما کدام حرکت مشخص و آشکار سازمان (حرکتی که اثر مادی آن در حیات واقعی جنبش نمودار باشد) را در زمینه مسائل سازمانی طی یکساله گذشته "تلاش برای تبدیل سازمان‌های موجود سازمان به جمع بی شکل" یافته‌اید. شما کدامیک از برنامه‌های اجرا شده در سطح تشکیلات را معادل منحل کردن، پراکندن، منهدم کردن و موقوف ساختن واحدهای سازمانی سازمان در سراسر ایران یافته‌اید؟ آیا با فعالیت خستگی ناپذیری که از سال ۵۹ تا امروز در جهت عبور از یک تشکیلات چریکی به یک سازماندهی واقعا عبوری با پیرومندی عظیم انجام گردیده است را همان "تلاش برای منحل کردن سازمان موجود سازمان" می بینید؟ آری راست این است که سازمان چریکی سابق را ما منحل کرده‌ایم، اما حاصل این انحلال نه یک جمع بی شکل، بلکه حاصل آن همین سازمان‌های ایالتی و ولایتی سازمان و مجموعه ارگان‌های رهبری آن است که شما هم تا یک ماه پیش در ارگان‌های آن عضو بوده‌اید. و در تمام این مدت به زشت‌ترین شیوه‌های توطئه‌گرانه و نارقیفانه برای منطاشی کردن و پراکندن آنها تلاش کرده‌اید.

آزمیانه گزارش‌های اعلامیه‌ها

نامه مشترک کمیته‌های ایالتی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خطاب به استانداران و مازندران

کمیته ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مازندران و کمیته ایالتی حزب توده ایران در مازندران به مناسبت شهادت عده‌ای از جانبازان انقلاب که طی درگیری با ضدانقلابیون در جنگل‌های منطقه به شهادت رسیدند، نامه مشترکی خطاب به استاندار مازندران منتشر کرده و پشتیبانی همه جانبه خود را از اقدامات قاطع مقامات استان در جهت سرکوبی ضدانقلابیون اعلام داشتند. رفقای حزب و سازمان در قسمتی از نامه مشترک خود می‌نویسند:

"... به نظر ما برای خشکاندن ریشه چنین توطئه‌هایی باید
۱- با اصلاحات بنیادین اقتصادی - اجتماعی به نفع توده‌های دهها میلیونی محروم و مستضعف از قبیل اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی، ملی‌کردن بازرگانی خارجی، ایجاد کار برای بیکاران و...
اولاً پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی ضدانقلاب را درهم شکست و آن را از امکانات وسیعی که هم‌اکنون در اختیار دارد محروم نمود، ثانیاً چپ‌نماها، مائوئیست‌ها و رهبری خائن مجاهدین خلق را که از نقاط ضعف برای براندازی جمهوری اسلامی سود می‌جویند، خلع سلاح کرد، ثالثاً توده‌های محروم و زحمتکش را در پشتیبانی از انقلاب و جمهوری پیش از پیش دلگرم ساخت.
۲- از همه امکانات موجود برای درهم شکستن تلاش‌های مزدبوهانه ضدانقلاب بهره جست که این مهم تنها با اتحاد تمام نیروهای هوادار انقلاب میسر است"

اعلامیه مشترک رفقای کمیته‌های ایالتی سازمان و حزب توده ایران در باختران در زمینه ضرورت اجرای بنیادین اصلاحات ارضی

باختران - سازمان ایالتی حزب توده ایران و کمیته ایالتی سازمان ما در باختران اعلامیه مشترکی با عنوان "اجرای اصلاحات ارضی بنیادین به نفع دهقانان زحمتکش و بارانه خدمات لازم به آنها توطئه‌های ضدانقلاب را خنثی و گامی در جهت استقلال اقتصادی کشور برداریم" منتشر کردند. در این اعلامیه مشترک ضمن محکوم کردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و نیروهای مرتجع منطقه و دیگر پایگاه‌های داخلی امپریالیسم نظیر کلان سرمایه‌داران، بزرگ مالکان و گروهک‌های سیا ساخته بر لزوم اجرای هرچه سریعتر قانون اصلاحات ارضی تأکید شده و چنین آمده است: "... اکثریت نمایندگان متعهد و انقلابی

مجلس باید خواست اکثریت غارت شده یعنی دهقانان زحمتکش و تهیدست را بر تمایلات اقلیت غارتگر یعنی بزرگ مالکان و فئودالهای ستمگر ارجح بشمارند و با تصویب تمام و کمال قانون اصلاحات ارضی بویژه بندهای "ج" و "د" به نیاز انقلاب و خواست دیرینه دهقانان تهیدست مبنی بر واگذاری کلیه اراضی با یرواثر بزرگ مالکان حاکم عمل بپوشانند.

در بخش دیگری از اعلامیه مشترک با اشاره به ویژگی‌های استان باختران، از نهادها، ارگانها، مقامات ذیصلاح انقلابی منطقه خواسته شده است که احساس مسئولیت بیشتری از خود نشان دهند و در جهت پاسخگویی به نیازهای حق و انقلابی روستائیان منطقه توجه بیشتری نمایند. اعلامیه مشترک با ارائه هشت پیشنهاد به مقامات استان و با شعار: "با تحکیم و تقویت صف متحد نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی جبهه متحد ضد انقلاب رادرم شکست" پایان می‌پذیرد.

اخیراً پیامی را که سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به حزب توده ایران به مناسبت چهلمین سالگرد تشکیل حزب فرستاده‌اند، دریافت داشتیم در این پیام آمده است:

"رفقا! امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا اکنون بیش از هر زمان دیگر در سراسر جهان در منطقه خاورمیانه و در میهن انقلابی ما زیر شدیدترین ضربات خردکننده قرار دارد که نویدبخش نابودی کامل آن و پیروزی قطعی خلقهای جهان و استقرار سوسیالیسم در سراسر گیتی است. بررسی شکست‌های سه‌ساله اخیر امپریالیسم آمریکا در ایران و تجربه تمام جنبش‌های رهاش‌بخش خلقهای سایر کشورها نشان می‌دهد که امپریالیسم پس از هر شکست با درنده‌خویی بیشتر خصلت تجاوزکارانه خود را نشان می‌دهد و برای بازپس گرفتن آنچه که از دست داده است به وحشیگری ضد بشری خود می‌افزاید امپریالیسم آمریکا در اجرای توطئه‌های خود علیه انقلاب مردم میهن ما از یک طرف لجام گسیخته و دیوانوار خود را برای تعرض مسلحانه علیه انقلاب ایران و جنبش‌های رهاش‌بخش منطقه آماده می‌کند و از سوی دیگر تمام نیروی خود را بکار گرفته است تا جبهه متحد ضدانقلاب را علیه میهن ما تقویت کند، گسترش تروریسم و خرابکاری، ایجاد ناامنی و رعب و وحشت با کمک ارتجاعی‌ترین طبقات اجتماعی ایران در واقع

ادامه تلاش‌های بیشرمانه امپریالیسم نظیر توطئه‌های کودتا، محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی رژیم متجاوز عراق علیه انقلاب خلقهای میهن ماست.

در این شرایط حساس گسترش و تعمیق و تضمین انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن ما و مهمتر از همه تضمین بازگشت ناپذیری پیروزی‌های بدست آمده در گرو اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی میهن ماست طبقه کارگر و پیشروترین بخش یعنی گردان‌های رزمنده و انقلابی آن، در صورتی می‌توانند نقش تاریخی خود را ایفاء کنند که از پراکندگی در صفوف خود بیرون آمده و پرچمدار استوار وحدت صفوف خلق در یک جبهه واحد ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم و ارتجاع باشند و نقش ضدانقلابی و مخرب بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن را در ایجاد تفرقه بین صفوف پرولتاریا از یک طرف و سایر اقشار خلقی و نمایندگان سیاسی آن را از سوی دیگر خنثی نمایند.

پس از انقلاب شوکه‌مندی بهمن‌ماه و در نتیجه تعمیق انقلاب بین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران اتفاق نظر بر سر اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و کاربرد خلاق این اصول بر شرایط میهن ما مهمترین دستاوردهایی است که به وحدت نظر در مهمترین مسائل انقلاب ایران انجامیده است. مواضع یکسان ما در دفاع از اردوگاه سوسیالیسم در دفاع از جنبش‌های رهاش‌بخش ملی، در دفاع از طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری، مواضع یکسان ما در دفاع از جمهوری اسلامی و نهادهای برآمده از انقلاب در برابر امپریالیسم و جبهه ضدانقلاب، مشی سیاسی یکسان با خط امام، موضع واحد در اجرای قانون اساسی، موضع‌گیری همانند در برابر لیبرالها، سلطنت‌طلبان، قشرون انحصارطلبان و گروهک‌های مائوئیست، آنارشئیست و تروریست، مواضع ما در برخورد به اتحادیه‌های کارگری و دفاع از میهن در برابر تجاوز عراق و دیگر مسائل داخلی و خارجی همگسی زمینه‌های عینی و ذهنی هستند که امر وحدت بین گردان‌های سیاسی پرولتاریا را امکان‌پذیر و ضروری ساخته است. در این میان آنچه برای پیروان سوسیالیسم علمی نقش تعیین‌کننده دارد، این است که گردانهای رزمنده طبقه کارگر در یک تشکیلات واحد که تکامل همه سازمان‌هاست پیرامون یک برنامه واحد گرد آیند. مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

در این هفته شماره‌های ۳ تا ۵ کار بین‌المللی سال ۶۰ که توسط رفقای سازمان ما در خارج از کشور ترجمه و انتشار می‌یابد بدستمان رسید. ما با چاپ روی حلداین شماره‌ها، یک بار دیگر کوشش‌های گرانقدر رفقای خود را در خارج از کشور در پیشبرد سیاست‌های انقلابی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ارج می‌نهیم و موفقیت‌های بیشتری را برایشان آرزوی کنیم.

★ No. 8 AUG. 61 WORKERS AND OPPRESSED PEOPLES OF THE WORLD UNITY
KAR
Organization of Iranian People's Federa MAJORITY
INTERNATIONAL
LONG LIVE PROLETARIAN INTERNATIONALISM UNDER THE BANNER OF MARXISM-LENINISM
MAY DAY 81
OIFF (Majority)
WHEN THE PEOPLE RESIST, TRAITORS ESCAPE

★ No. 4 June 61 WORKERS AND OPPRESSED PEOPLES OF THE WORLD UNITY
KAR
Organization of Iranian People's Federa MAJORITY
INTERNATIONAL
LONG LIVE PROLETARIAN INTERNATIONALISM UNDER THE BANNER OF MARXISM-LENINISM
MAY DAY 81
OIFF (Majority)
WHEN THE PEOPLE RESIST, TRAITORS ESCAPE

★ No. 3 April 61 WORKERS AND OPPRESSED PEOPLES OF THE WORLD UNITY
KAR
Organization of Iranian People's Federa MAJORITY
INTERNATIONAL
IRAN:
LONG LIVE PROLETARIAN INTERNATIONALISM UNDER THE BANNER OF MARXISM-LENINISM
MAY DAY 81
OIFF (Majority)
WHEN THE PEOPLE RESIST, TRAITORS ESCAPE

ارزاقام نجومی در جنگ افسانه‌های افغانستان

این روزها ، بار دیگر امیرالیسم خبری به نحو بیسابقه‌ای بر میان اخبار منتشره در سراسر افغانستان افزوده است .
احزازی که در دستگاه‌های دروغ‌پراکنشی حزرگاری‌های بزرگ امیرالیستی جعل و سپس روی تلکس برای حراید فرستاده می‌شود . در مورد افغانستان حد و مرز غادی جعل و تزویر امیرالیستی را پشت سر گذاشته است .
جمعیت احزازی که امیرالیسم خبری در مورد افغانستان تاکنون منتشر کرده ، نشان می‌دهد که جنگ افغانستان " به افسانه بدل شده و میزان تلفات مالی و جانی در آن به آمار نجومی سرزده ، که تاکنون در جهان سابقه نداشته است .

برای آنکه میزان این دروغ‌های افسانه‌ای و در نتیجه درجه جعل و نیزنگ امیرالیسم خبری روشن شود ، مردم ایران بهترین معیار را در دست دارند .
مردم قهرمان ما و صدالته منتشركندگان اخبار امیرالیستی درباره افغانستان یعنی دست‌اندرکاران وساقل ارتباط جمعی خوب می‌دانند که ایران انقلابی در حبه‌های پهنور ، از غرب تا جنوب ایران با دشمنی می‌رمد که چندین کیلومتر وارد خاک مبین ما شده است . مردم ما می‌دانند که در نبرد علیه متجاوزان صدامی نیروهای مسلح ایران (ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و گروه‌های مختلف مردمی شرکت دارند . و همه این نیروها از انواع سلاح‌های مدرن از مسلسل‌های خودکار گرفته تا هواپیماهای اف-۱۶ نیروی هوایی ، تانک‌های مدرن نیروی زمینی و سلاح‌های پیشرفته نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند .

مردم قهرمان ایران این را نیز می‌دانند که رزمندگان صف مقدم حبه توسط خود آنان در ابعاد میلیونی حمایت می‌شوند ، و خلاصه کلام می‌دانند که تنها به این ترتیب نیروهای مسلح ایران توانسته است تاکنون ضربات سنگینی بر دشمن وارد کنند و بتدریج آن را به عقب‌نشینی وادار سازند . از همین روست که مردم ایران دید روش و واقع‌بینانه‌ای از حاصل حماسه‌آفرینی‌های خود دارند بطوری که آمار تلفات و خسارات وارده بر متجاوزان صدامی که بر اساس اخبار ستاد مشترک ارتش و روابط عمومی سپاه پاسداران توسط روزنامه اطلاعات از آغاز جنگ تحمیلی تا ۶ مه‌ماه ۱۳۶۰ تنظیم و هر روز منتشر شده است بروستی حداکثر میزان تلفات و خسارات را نشان می‌دهد .

حالا این آمار را با ارقام منتشر شده در مورد تلفات و خسارات وارده از طرف " مجاهدین " افغانی به نیروهای افغانی و شوروی طی همین مدت مقایسه کنید ، با کمال شگفتی درخواهید یافت که " مجاهدین " افغانی که به تاکید مکرر همه گروه‌های رنگارنگستان با دست خالی و یا با تفنگ‌های ام‌یک می‌جنگند ، و حداکثر از سلاح‌های به غنیمت گرفته از نیروهای دولتی استفاده می‌کنند (جای این بحث نیست که به اعتراف سادات معدوم این سلاح‌ها را از او می‌گرفتند) صدها و صدها برابر ایران تانک از

میان برده‌اند . هلیکوپتر سرنگون کرده‌اند ، افراد افغانی و شوروی را کشته‌اند و ... مقایسه این آمار نشان می‌دهد که " مجاهدین " افغانی که نه سلاح سنگین دارند ، نه به هواپیماهای مدرن مجهزند ، نه نیروی دریایی دارند و نه از پشتوانه میلیونی مردم برخوردارند چندین و چند برابر قهرمانان ایران به نیروهای افغانی و شوروی ضربه زده‌اند !
نیروهای شوروی در افغانستان ، که از سرکوب‌کردن شورشیان مسلمان افغانستان عاجز شده‌اند در جنگ با مجاهدان از سلاح‌های جدید ، که برای غربی‌ها ناشناخته هستند ، استفاده می‌کنند "

(اطلاعات اول خرداد ۵۹)
در نتیجه ، " مجاهدین " افغانی که با تفنگ‌های قدیمی مجهزند و با همان‌ها با نیروهای دولتی که انواع سلاح‌های جدید را دارند ، مبارزه می‌کنند ، براساس اخبار جعلی امیرالیستی‌ها چنانکه در مقایسه آمار ریز خواهید دید ، میزان خساراتی که آنها به نیروهای دولتی وارد کرده‌اند ، ده‌ها برابر بیشتر از خسارات وارده از طرف نیروهای قهرمان ایران به متجاوزان صدامی است . ما برای مقایسه آمار معادل ۱۴ ماه جنگ قهرمانانه مردم مبینان علیه صدام متجاوز ، را بر اساس اخبار منتشره در مورد افغانستان جمع‌آوری و جمع‌بندی کرده‌ایم این ۱۴ ماه از آغاز تک نظامی اتحاد شوروی به افغانستان یعنی ۶ دی‌ماه ۱۳۵۸ تا ۱۳ اسفند ۱۳۵۹ را شامل می‌شود .

خسارت عراق ۵۵۱۰ تانک - خسارت نیروهای دولتی افغانستان ۲۴۷۳۰ تانک !

براساس اخبار امیرالیسم خبری " مجاهدین " افغانی به تانک خیلی علاقه دارند و با همان " ام- یک " های جنگ جهانی اول پدر هرچه تانک است ، درمی‌آورند . به همین خاطر شما کمتر خبری را می‌خوانید که در آن " مجاهدین " افغانی یک یا دو یا پنج تانک را از میان برده باشند . آنها به کمتر از ده‌ها تانک " رضایت نمی‌دهند . می‌گویند نه ؟ این مشت نمونه خروار را بخوانید :

" دفتر حرکت اسلامی افغانستان گزارش می‌دهد که در درگیری‌های اخیر میان مبارزین مسلمان افغانستان و قوای مسلح روسی که در دره " قیماق " بوقوع پیوست نیروهای روسی همراه با ۸۰۰ تانک و چند فروند هلیکوپتر مجهز به توب به مجاهدین مسلمان حمله نمود . در این درگیری که ۵ روز ادامه داشت ، ۱۳۰ تانک و ۴۰ هلیکوپتر روسی توسط مجاهدین منهدم و سرنگون شد طبق همین گزارش در این درگیری‌ها ۴۶۴ تن از سربازان کمونیست افغانی و روسی توسط مجاهدین نهبلاکت رسیدند (۱۲ خرداد ۱۳۵۹ - روزنامه‌ها)

لطفاً در این مورد کنجکاو نکنید که چگونه ۸۰۰ تانک که لابد چند هزار سرباز باید همراه آنها باشند در یک دره جا گرفته‌اند ! فقط رقم ۱۳۰ تانک منهدم و ۴۰ هلیکوپتر و هواپیما

سرنگون شده را به خاطر داشته باشید تا نمونه دیگری را ارائه دهیم :

" در اثر زد و خورد شدیدی که بین ارتشیان بخارائی و ارتش سرخ روسیه صورت گرفت ۳۰۰ تن روسی کشته و ده‌ها تانک به آتش کشیده شد " در همین گزارش همچنین آمده است که در منطقه سالنگ درگیری شدیدی بین ارتشیان بخارائی و ارتش سرخ روسی صورت گرفت ، که طی آن ۲۰۰ تن از سربازان ارتشی روسی کشته و ده‌ها تانک به آتش کشیده شد "

(جمهوری اسلامی - ۹ فروردین ۱۳۵۹)
و درست به همین خاطر است که بر اساس جمع‌بست اخبار امیرالیستی ، که جدول‌های آن موجود است " مجاهدین " افغانی در یک سال و نیم گذشته ۲۴۷۳۰ تانک را یا به آتش کشیده‌اند و یا منهدم کرده‌اند و ایران در مدتی نزدیک به این ، فقط ۵۵۱۰ دستگاه تانک و نفربر روسی را از میان برده است (به کلیشه صفحه مراجعه کنید)

خسارت عراق ۳۷۱ هلیکوپتر و هواپیما
خسارت نیروهای دولتی افغانستان ۱۲۲۴۰ هلیکوپتر و هواپیما !

رقم هلیکوپتر و هواپیما را ، که در خبر بالا به آن اشاره کردیم بخاطر بسپارید و حالا این خبر را بخوانید :

" دفتر مرکزی خبر ، به نقل از حرکت اسلامی افغانستان - اخیراً قوای متجاوز شوروی با ۱۴۰۰ تانک ۶۲ . سی . تی . مجهز به اسلحه سنگین و هزاران سرباز و بیست فروند هواپیما میگ ۲۳ جهت سرکوبی مجاهدین مسلمان در اطراف شرافت‌کوه در استان هرات حمله‌ور شدند و در نتیجه این نبرد ۸۷۴ سرباز شوروی کشته و ۱۶ تانک منهدم و ۴ فروند هواپیما سقوط کرد . در این حمله همچنین مقدار زیادی اسلحه و مهمات به تصرف مجاهدین درآمد و ۱۷ تن از مجاهدین مسلمان به شهادت رسیدند "

(رادیو - ساعت ۷ صبح ۱۸ خرداد ۵۹)
حالا یکبار دیگر به آمار تانک‌ها و هواپیماهای نابود شده توجه کنید ! براساس همین دروغ‌ها است که " مجاهدین " افغانی تاکنون ۱۲۲۴۰ هواپیما و هلیکوپتر را منهدم کرده‌اند ، در حالی که مطابق جدول ، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران با دلآوری بی‌نظیر خلبانان خود جمعا ۳۲۲ هلیکوپتر و هواپیما دشمن را سرنگون کرده که خود رقم بالایی در جنگ‌های هوایی است ، حالا چگونه " مجاهدین " افغانی با تفنگ‌های جنگ اول بیشتر از ۱۲۰۰۰ هواپیما را منهدم کرده‌اند . جوابش با منتشركندگان این اخبار است .

خسارت صدام در فتح بزرگ ایران در بستان ۹ هواپیما - خسارت نیروهای افغانستان در دره پننجشیر ۴۲ هواپیما !

به مثال دیگری توجه کنید :
همه مردم ایران از فتح بزرگ بستان اطلاع دارند . روزهای ۷ - ۸ و ۹ آذرماه ۱۳۶۰ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در یک حمله بزرگ نیروهای صدامی را درهم شکستند . و منطقه وسیعی از جمله شهر بستان را آزاد کردند . اصمام خمینی رهبر انقلاب این فتح را " فتح‌الفتح " خواند
روزنامه جمهوری اسلامی آن را با تیتر درشت در صفحه اول بحق چنین معرفی کرد :

بقیه در صفحه ۱۷

از صفحه ۱۶

ارقام نجومی...

"بزرگترین پیروزی ارتش اسلام از آغاز جنگ تاکنون" (۲۹ آذر ماه ۱۳۶۰)
همین روزنامه در ۱۲ آذر با تیر درشت اعلام کرد:

"دریاسابقه‌ترین جنگ هوایی، خلبانان قهرمان ایران ۹ میراژ و میگ عراق را سرنگون کردند اینهاست آمار واقعی یک فتح بزرگ در یک نبرد حماسی، که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از زمین و هوا به متجاوزان صدامی یورش برده‌اند. حالا به دو خبر از شکار "هواپیما" توسط "مجاهدان" افغانی توجه کنید:

خبر اول: مبارزان افغانی براساس اخبار رسیده از پیشاور محاصره دره پنجشیر را شکستند یکی از رهبران مبارزان گفت: برادران ما برای فرار از محاصره نیروهای اشغالگر شوروی ۶۸ تانک را از میان بردند. منابع دیپلماتیک در اسلام‌آباد گفتند در این نبرد که سه‌شنبه‌روز طول کشید ۴۲ هواپیما و هلیکوپتر روسی سرنگون شد در این نبرد ۴ نفر از مبارزان افغانی مجروح شدند. (صدای جمهوری اسلامی ایران - ۱۱ آبان ۱۳۵۹ - ساعت ۳ بعدازظهر)

خبر دوم: "واحد مرکزی خبر به نقل از یونایتدپرس از اسلام‌آباد گزارش داد که چریکهای افغانی روز پنجشنبه گفتند در یک نبرد شدید شش فروند هواپیمای جنگنده میگ و دو هلیکوپتر توپدار را سرنگون کرده و همچنین هفتاد تانک را منهدم ساختند. به گفته چریکهای افغانی در این نبرد، یک فرمانده شوروی و نود تن از نیروهای دولتی افغانستان کشته شدند. این مناقشه که جزئیات آن توسط یک سخنگوی چریکها در پیشاور پاکستان اعلام شد هنگامی صورت گرفت که نیروهای افغانی به تهاجم گسترده علیه مواضع چریکها در ایالت فراه واقع در مرز افغانستان با ایران دست زدند. (صبح‌آرادگان ۲۸ آذر ۱۳۶۰)
قضاوت‌ها را به عهده خودتان می‌گذاریم.

تعداد تلفات نیروهای شوروی در افغانستان به حدی است که دیگر اجساد برای دفن به شوروی منتقل نمی‌شود

(کیهان - ۱۴ مرداد ۱۳۶۰)
با این ارقام ارتش افغانستان و نیروهای شوروی در افغانستان مدتهاست که نابود شده‌اند! پس "مجاهدین" افغانی هنوز با که می‌جنگند؟!

انتشار دروغ‌ها به سود کیست؟

تفاوت حیرت‌آور ارقام در جنگ عراق علیه ایران و به اصطلاح "مبارزه" افغانی‌ها از کجا ناشی می‌شود؟ انتشار این دروغ‌های حیرت‌آور، این ارقام نجومی و این همه جعل و تزویر، که منشأ تمامی آنها امپریالیسم خبری است. به سود کیست؟ مگر غیر از این است که... امپریالیست‌ها از انتشار این اخبار افسانه‌ای هدف شوم خود را دنبال می‌کنند؟ آیا ایران انقلابی باید همچنان در دام امپریالیسم خبری بیفتد و در این روزها که انتشار اخبار جعلی درباره افغانستان اوج چندباره‌ای گرفته، همه این اخبار در حراید ما منتشر شود؟ ما بار دیگر توجه نیروهای انقلابی ایران را به این واقعیت‌ها جلب می‌کنیم.

خسارات دولت افغانستان در جنگ با "مجاهدین" افغانی از ۵۸/۱۰/۶ تا ۵۹/۱۲/۱۳	
نوع خسارت	تعداد
هواپیما	۱۲۳۴۰
هلیکوپتر	۲۴۷۳۰
تانک و نفربر زرهی	۲۴۷۳۰
تلفات انسانی	۲۰۰/۰۰۰ نفر

خسارات عراق از ۱۰ شهریور ۵۹ تا پایان ۶۰/۹/۲۹	
نوع خسارت	تعداد
هواپیما	۳۱۵ فروند
هلیکوپتر	۵۶ فروند
تانک و نفربر زرهی	۵۵۱۰ دستگاه
موشک انداز	۸۱ دستگاه
انواع خودرو ارتشی	۴۸۷۵ دستگاه
آنتنبار سنگین و سبک	۲۱۷۴ قطعه
نواچه موشک انداز و ازدرافکن	۳۶ فروند
کشتی لایروبی	۲ فروند
کشتی حامل مهمات	۱۱ فروند
پایگاههای نظامی، تأسیسات صنعتی، نفتی و پل	۷۰۰ منطقه

اطلاعات: به اطلاع هموطنان عزیز می‌رساند که کلیه امار و ارقام خسارات ارتش مزدور عراق مدرج در جدول فوق که از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون مشاهده می‌کند براساسی اطلاعاتی رسمی تهیه و تنظیم شده است.

بیشتر از ۲۰۰ هزار کشته از نیروهای دولتی و شوروی!

خوب روشن است که وقتی "مجاهدین" افغانی اینهمه تانک و هواپیما را مثل پشه شکار کرده‌اند، از میان بردن سربازان برایشان از آب خوردن هم آسان‌تر است. همینطور هم هست. به لطف خبرنگاران آسوشیتدپرس یونایتدپرس و... "مجاهدین" افغانی تاکنون ۱۰۸۷۱۳ نفر از نیروهای دولتی افغانستان (ارتش افغانستان فقط ۹۰ هزار سرباز دارد) و ۱۰۴۰۷۳ نفر از نیروهای شوروی و (حتی به ادعای امپریالیسم خبری نیروهای شوروی در افغانستان ۸۵ هزار نفر است) یعنی بیشتر از ۲۰۰ هزار نفر را از میان برده‌اند! و این البته بغیر از ۲۸۱۲۳ نفری است که از ارتش افغانستان و ۱۹۹/۳۹۴ نفری است که از نیروهای شوروی به "مجاهدین" پناهنده شده‌اند. و همه اینها هم بغیر از ۱۰۷۵۹ نفر "اسیر" از نیروهای دولتی و ۱۲۷۸۷ نفر "اسیر" از نیروهای شوروی است! و تازه به همه اینها ۱۶۵۰۰۰ نفر "فراری" ارتش افغانستان را هم اضافه کنید. و بعد این خبر را هم بخوانید:

"واحد مرکزی خبر به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس از نیویورک گزارش داد یک مشاور پیشین بزرگ‌کارمل رئیس‌جمهوری افغانستان گفت

مقایسه دو جدول
۱ و ۲ چه چیزی را نشان می‌دهد؟
راه را بر نفوذ امپریالیسم خبری ببندید!

جدول شماره ۱ - این جدول اخبار مربوط به لهستان را از تاریخ ۲۳ بهمن تا ۲۳ آبان ماه را نشان می‌دهد

خبرگزاریها روزنامهها	رویترز	آسوشیتدپرس	یونایتدپرس	فرانسه	سایر خبرگزاریهای امپریالیستی	جمع
اطلاعات	۳	۹	۷	۱۱	۴	۳۴
کیهان	۳	۶	۳	۴	۸	۲۴

جدول شماره ۲ - این جدول اخبار مربوط به لهستان را از تاریخ ۲۳ آذر تا ۹ دی ماه را نشان می‌دهد

خبرگزاریها روزنامهها	رویترز	آسوشیتدپرس	یونایتدپرس	فرانسه	سایر خبرگزاریهای امپریالیستی	جمع
اطلاعات	۱۹	۱۵	۱۸	۳۵	۱۱	۹۸
کیهان	۱۰	۱۰	۱۳	۱۰	۲۰	۶۳

جدول شماره ۱ قبل از تشدید وقایع لهستان و مربوط به زمانی است که امپریالیسم برای یورش علیه دولت سوسیالیستی لهستان تدارک می‌دید. از دو روزنامه عصر تهیه شده است. تعداد خبرهای مربوط به لهستان بطور متوسط در یک ماه بیشتر از ۳۰ عنوان نیست که همگی از خبرگزاری امپریالیستی نقل شده است.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که پس از ۲۲ آذرماه، یعنی پس از یورش همه‌جانبه امپریالیسم خبری علیه کمیسور انقلابی لهستان، تنها در روزنامه اطلاعات، فقط در عرض ۱۷ روز ۹۸ خبر درج شده است. از امپریالیسم خبری نقل می‌شود.

آیا امپریالیسم خبری از مطبوعات ما برای توطئه علیه کشورهای انقلابی استفاده نمی‌کند؟

آوای یأس ریگان

سرکوب ضد انقلاب در لهستان همه نقشه های آمریکارا نقش بر آب کرد

بهبای بیشتر روند عادی شدن اوضاع در لهستان. کارزار تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا به ابعادی گسترده تر دست می یابد. این کارزار به همان اندازه که گوشخراش است، آشکارا مزورانه و حاکی از یاس محافل هار امپریالیستی از نافرحام ماندن نقشه های تبه کارانه شان در لهستان سوسیالیستی است.

کارزار نامبرده با اعلام "تحریم اقتصادی" اتحاد شوروی از سوی ریگان به اوج نازهای از گستاخی رسید. ریگان، که "تحریم فروش علی" را به اتحاد شوروی از سوی کارتر بارها به باد استهزا گرفته بود، وزیر بار فشارزاعین آمریکا بیدرتنگ پس از احراز مقام ریاست جمهوری دستور لغو آنرا صادر کرده بود، تا به این باره این سلاح زنگ زده روی آورده است. امپریالیسم بیش از ۶ سال است که می کوشد با این جنگ افزار از رشد سوسیالیسم در سراسر جهان جلوگیری و با وجود درس های تلخی که در این رهگذر هربار نصیبش شده است، چون شاکردی کودن کماکان این "خطا" های تاریخی را مرتکب می گردد. بهانه ریگان آنست که گویانقشه تشکیل شورای نظامی رستگاری ملی لهستان "در مسکو" کشیده شده است. ادعایی که رئیس جمهور آمریکا تا به امروز نتوانسته است آنرا ثابت کند. زیرا که ادعایی بوج و "سیا" ساخته بیش نیست. اما آنچه که ثابت شده، پیوندهای مداخله گرانه دستگاه های حاسوسی آمریکا با ضدانقلاب لهستان است. برای نمونه، حتی "کاخ سفید" هم، با همه گستاخی که در ساکنان آن سراغ داریم، تا به امروز منکر آن نشده است که فرستنده های آمریکایی از کنسولگری های این کشور در کراکو و پوزنان برنامه رادیویی پخش می کرده و به ماجراجویان "همبستگی" رهنمود می داده اند. لذا این آقای ریگان و دارو دسته اش است، که در امور داخلی یک کشور مستقل به دخالت بشیرمانه پرداخته اند و می پردازند و نه اتحاد شوروی.

در واقع خود ریگان نیز بر بی یابگی ادعای مداخله اتحاد شوروی در لهستان کاملاً "وقوف" دارد. کارزار ضد لهستانی دولت ریگان را هدفهای دیگریست و شیوه هایی که او برای پیشبرد این هدفها در پیش گرفته است، سرشت پلیدی او و امپریالیسم آمریکا را برملا می سازد. ریگان، که اینقدر درباره به اصطلاح "فقر" و "گرسنگی" لهستانی ها آشک ریخته است، حال که روند رویدادهای لهستان در راستای پیش بینی ها و آرزوهای او پیش نرفته است و اگذاری مواد غذایی را به آنها ممنوع می سازد. وی در چارچوب "تحریم اقتصادی" خود همچنین اعطای هرگونه اعتباری را به دولت لهستان قذغ می کند.

ماهیت مزورانه کارزار "تحریم اقتصادی" لهستان و اتحاد شوروی آنقدر عیان است که حتی متحدان اروپایی غربی آمریکا نیز آشکارا مخالفت خود را با آن ابراز داشته و اعلام کرده اند که در آن شرکت نخواهند کرد.

امپریالیسم آمریکا که، همخوان با سرشت تجاوزگرانه و جیاولگرانه خود، هر دم و هر جا به مداخله در امور کشورها و خلق های مستقل جهان دست می یازد، برای دولت سوسیالیستی لهستان این حق را قائل نیست که در چارچوب مرزهای خود و به سود منافع خلق خویش و برای سرکوب ضدانقلاب شرایط حکومت نظامی را برقرار سازد.

خاطر ظریف حناب ریگان نه تنها از تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" در جمهوری خلق لهستان "رنجیده" است، بلکه برای کارگران و سندیکاهای به اصطلاح "مستقل" و "آزاد" لهستان نیز سینه جاک می دهد. در حالی که رئیس جمهور "سندیکاپناه" آمریکا "عصصا" برسسل مراقبت هوایی این کشور را بلافاصله "عیرقانونی" خوانده، هزاران تن از اعتصابیون را اخراج کرد و حتی آنها را به پرداخت جریمه های سنگین مجبور ساخت.

رابرت کولی، رئیس پیشین "اتحادیه نظارت بر ترابری هوایی"، چند روز پیش در مصاحبه ای در واشنگتن گفت که دولت ریگان او را "مربوب و وادار به استعفا" از سمت خود کرد. به گفته وی، واکنش شدید مقامات عملاً به انحلال اتحادیه نامبرده انجامید. این تنها نمونه ای از تاریخ طولانی سیاست ضدکارگری دولت های آمریکا در

قیال حنیشها و اتحادیه های است که مستقل و آزاد از حرکتهای مافیایی سرمایه داران آمریکایی و دولت حامی آنها بوده اند.

بنابر این، ریگان نه دلش بخاطر حقوق شهروندان "فقیر" و "گرسنه" لهستان سوخته است و نه منافع کارگران لهستانی را در نظر دارد. او و دارودسته امپریالیستی او هدف های دیگری در سر می پرورند. آنها به خوبی می دانند و می دانستند که هیچگاه نمی توانند سوسیالیسم، این بزرگترین دستاورد تاریخی مردم لهستان، را از آنها بازستانند. امید آنها این بود که با حرکت رویداد لهستان درحقی دیگر وباتلاش در راه بین المللی ساختن این مساله، بیش از پیش بر آماج های ضد بشری خود پسرده پوشند، سیاست جنگ، تنش فزایی و سابقه تسلیحاتی خود را شتاب بخشند و مردم آمریکا را از درک دشواریهای اقتصادی - اجتماعی روزافزون منحرف سازند. واکنش های هرچه بیشتر گستاخانه دولت ریگان بیش از آنکه از "قدرت" و دوراندیشی آن و "باز" های "واشنگتن" سخن گوید، حاکی از ضعف و کوتاه فکری آنهاست. حنحال تبلیغاتی "کاخ سفید" نشینان حتی نتوانسته است بانگ ناخشنودی هم پیمانان آمریکا را در خود غرق کند و حز آوای یأس نیست. این ریگان است که سزاوار "ترحم" است و نه مردم و طبقه کارگر لهستان.

عربستان سعودی

برقراری روابط دوستانه با آمریکا به هر قیمت

تمام خدماتی که سعودی ها برای امپریالیسم آمریکا انجام می دهند مجانی است. زیرا آنها بهای هر چیزی را که از آمریکا می خردند به دو برابر می پردازند.

در ضمن این کار باعث بوجود آمدن اتحاد بیمن ملل عرب نیز می گردد. عربستان سعودی برای اینکه رابطه استراتژیک خود را با ایالات متحده مورد تأیید قرار دهد، موضع گیری هایی که در مورد مسائل و وقایع جهان می کند دقیقاً هاهنگ سیاست موضع گیری های آمریکا است. با وجود اینکه این موضع گیری ها برخلاف مصالح دنیای عرب می باشد.

و بالاخره تمام خدماتی که سعودی ها برای امپریالیسم آمریکا انجام می دهند مجانی است. زیرا آنها بهای هر چیزی را که از آمریکا می خردند به دو برابر می پردازند. اسلحه آمریکایی برای عربستان سعودی که کمک به پیشبرد اهداف آمریکا در منطقه می کند نیز به هر قیمتی که آمریکا تعیین کند، خریداری می گردد. ما متناقصیم که یک دلیل پیدا کنیم که چرا عربستان سعودی به دنبال آمریکا دوان است، بغیر از اینکه عربستان سعودی مایل است که یک رژیم دست نشانده آمریکا باقی بماند.

نقل از "صوت الثورة" بولتن کمیته اطلاعات مرکزی وابسته به جنبه خلق برای آزادی عمان

را قربانی کرده اند. دو مثال از عملکرد عربستان سعودی در زیر آورده می شود:

۱ - سیاست عربستان سعودی در تولید و قیمت گذاری نفت این است که بازار جهانی را از محصولات نفتی خود اشباع کند و نفتش را اوزن تر از دیگر کشورهای اروپا بفروشد. سعودی ها واقفند که این کارشان به منافع بعضی از کشورهای غربی، از جمله کشورهای شورای همکاری خلیج صدمات جدی وارد می کند. این عمل عربستان سعودی باعث بالا رفتن منافع کشورهای سرمایه داری و کمپانی های نفتی می گردد که نه تنها نفتشان را کاهش نمی دهند بلکه انتظار می رود که قیمت ها را افزایش هم بدهند.

۲ - سعودی ها تا کبدر این دارند که پولهایشان را در بانکهای کشورهای سرمایه داری، مخصوصاً ایالات متحده آمریکا، نگهداری کنند و با اینکار باعث تقویت دلار آمریکایی می شوند. در حالی که منافع مردم جزیره العرب و سایر خلقهای عرب در این است که این پولها در کشورهای عربی باشند تا به پیشرفت مادی این کشورها کمک گردد.

کشورهای عربی است، اگرچه سرزمین فلسطین در این راه قربانی شود. طرح فید بن عبدالعزیز نشانهای از همین هماهنگی است اگرچه عربستان به ظاهر با طرح کمپوید مخالفت کرده است.

عربستان سعودی با دخالت نظامی و سلطه آمریکا در منطقه موافق است، تنها اخلاقی که وجود دارد بر سر چگونگی این امر است. سعودی ها به خاطر ترس از خشم مردم ترجیح می دهند که آمریکا در سرزمینشان حضور نظامی نداشته باشد و تنها به حضور کارشناسان آمریکایی رضایت داده اند. اما آنها این حضور نظامی را در کشورهای دیگر منطقه چون بحرین و عمان تشویق می کنند برای اثبات این ادعا می توان به تأیید عربستان از موافقتنامه سقط با آمریکا در مورد ساختن چند پایگاه نظامی در خاک عمان اشاره نمود.

سعودی ها کویت را تحت فشار گذاشته اند که دست از سرزیش کردن رژیم سقط بردارد. آنها کمک مالی در اختیار رژیم سقط گذاشته اند تا به حل مشکلات داخلی خود بپردازد. برای حفظ روابط حسنه با آمریکا، سعودی ها منافع مردم جزیره العرب و سایر ملل عرب

روابط عربستان سعودی - آمریکا دارای شکل خاصی است که بر چگونگی روابط آمریکا با کشورهای دوست و دست نشانده منطقه تأثیر می گذارد. این رابطه بسیار شتابانی رژیم سعودی از طرف جهان خصوصاً بعد از کشف نفت در منطقه آغاز شد. کمپانی نفتی آرامکو قبل از اینکه روابط بین دو کشور به مقیاس فعلی گسترش یابد، محور این روابط بود. اگرچه در آن زمان آرامکو به صورت تریک نفت عربستان درآمد بود، هیچگاه نفوذ آمریکا در عربستان به اندازه کنونی تیره شده است. این امر است به نظر باید که روابط بین دو کشور در مقطعی کمی تیره شده است. این امر تریکی ها بزودی از بین می روند زیرا هیچ اختلاف استراتژیکی بین خط مشی های دو کشور وجود نداشته و هماهنگی کامل بین استراتژی های ایشان حکمفرما است.

ما می توانیم مثال های زیادی در مورد این هماهنگی بین عربستان سعودی با ایالات متحده در مورد یک راه حل صلح آمیز برای جنگ حاصل از انتقال سرزمین های عربی توسط صهیونیست ها بواقفاست. راه حلی که نشانده بر شناسایی اسرائیل و تأمین امنیت وی توسط

مروری به اختصار در بیانیه و ... از صفحه ۱۴

آیا شما براستی تدوین اساتذاه سازمان و تلاش مستمر برای اجرای آن در تشکیلات را که تماما محصول فعالیت یکساله اخیر رهبری و مجموعه کادرهای سازمان است راتلاش در جهت منحل کردن سازمان های موجود سازمان و استتکاف از برنامه و تاکتیک و تجربیات پیشین حزب طبقه کارگر می بینید؟ راستی شما کدام استتکاف آشکار را در عرصه امور سازمان و معادله استتکاف آشکار از برنامه و تاکتیک حزب و کدام تلاش را تلاشی در جهت تبدیل سازمان های موجود حزب به یک تجمع بی شکل یافته اید؟ بدانید که رهبری سازمان و هزاران هزار فعال صدیق فدایی در سراسر ایران شرط صداقت انقلابی شرط پای بندی به اصول و پرنسیپ های مارکسیستی - لنینیستی و صراحت بیان را ، در هر زبانی که این اتهامات را بر زبان آورد ، آن می یابند که :

- ۱ - معنای واقعی انحلال طلبی را همانگونه توضیح دهد که لنین توضیح دهد .
- ۲ - با ارائه فاکت های مشخص ، در عرصه زندگی واقعی ، در عرصه پراتیک آشکار مبارزه طبقاتی نشان دهد که چرا و به استناد کدام کارنامه واقعی حرکت سازمان در یک ساله اخیر به انحلال طلبی یعنی به تلاش آشکار برای تبدیل سازمان های موجود سازمان به یک تجمع بی شکل و به استتکاف آشکار از برنامه و تاکتیک یک حزب واقعی پرولتری آغشته و آلوده بوده است ؟

آقایان فراکسیونست ! بیائید رک و پوست کنده صحبت کنید شما می گوئید طی یکساله گذشته به تدریج بیش از انحلال طلبانه در سازمان رشد کرده است ما صمیمانه از شما که کفرخواست ۱۶ آذر را علیه سازمان صادر کرده اید می خواهیم بدون پرده پوشی و کلی گویی ، بدون درازگویی های روشنفکرانه در دو جمله به پیروان سوسیالیسم علمی نشان دهید که در یک ساله گذشته کدام بخش از فعالیت سازمان را در واقعیت عینی ، در عرصه پیکارهای عملا موجود طبقات می توان تلاش برای انحلال سازمان های موجود سازمان و تبدیل آن به یک تجمع بی شکل و استتکاف آشکار از برنامه و تاکتیک انقلابی حزب طبقه کارگر نامید ؟

آقایان فراکسیونست عزیز ! همه پیروان اصیل سوسیالیسم علمی خوب می دانند که حتی اگر شما را به صلابه هم بکشند حاضر نخواهید شد به میدان این بحث مشخص قدم بگذارید . شما در پاسخ به آنچه بطور مشخص مطرح می شود بطور کلی جواب می دهید . هرکس که کوچکترین آشنایی با منشی روشنفکرانه شما داشته باشد ، می فهمد که شما در پاسخ به آنچه بطور مشخص مطرح می شود ، بطور کلی می گوئید : رهبری سازمان انحلال طلب است چونکه ایده های غیر پرولتری را در محیط پرولتاریا رسوخ داده است و از پرنسیپها و ایده های پرولتری روی برناخته است شما حاضر نخواهید شد از کفرخواست خود علیه سازمان به استناد پراتیک عینی ، آشکار و عملا موجود سازمان دفاع کنید . زیرا کارنامه درخشان و افتخار آفرین سازمان ما در عرض یک سال گذشته ، کارنامه ای که آئینه تمام نمای واقعیت های خارجی و مستقل از ادعای افراد است ، تمام ادعاهای سراسر افترا آمیز و پوک شما را از بنیاد باطل می کند . شما وقتی به این آئینه می گردید در خشم می شوید ، می گوئید آن را بشکنید . زیرا کارنامه یکساله اخیر سازمان در عرصه

پیکار آشکار طبقات به مذاق شما خوش نیست . شما راه سازمان را و کارنامه یکساله اخیر آن را نیز راه خود و کارنامه خود نمی دانید . از آن منتفردید . از آن می گریزید . منتها متأسفانه شما متأسفانه آن را نیز ندانید که برای دفاع از کفرخواستی که علیه سازمان صادر کرده اید ، در عرصه های مشخص نبرد کنید . چون می دانید که در این عرصه جبری جز شکست نصب شما نیست . چون خود شما بهتر از همه می دانید که تست " انحلال طلبی " به رهبری سازمان حرف بپوشد یا واهی بیش نیست . شما خود بهتر از همه بر این حقیقت واقفید و به همین دلیل برای اینکه بحث را به عرصه مشخص نکشاند ، در عین حال که می گوئید رهبری سازمان را " انحلال طلب " معرفی کنید و می کنید ، با ولنگاری چندش آفر خاصی که روشنفکر هردمبیل ، در کمال وقاحت می گوئید " آنچه درخور اهمیت است نامی نیست که بر بیش از رفا می گذاریم " (۴)

انحلال طلبی در روایت کنگر - هلیل رودی (۲)

از بحث های نظری که بگذریم ، هرگاه خواسته باشیم در عمصل و بطور مشخص دریابیم که این گسره فراکسیونی چرا و طبق کدام منطق ، رهبری سازمان را " انحلال طلب " می نامد ، بازم باید به بیانیه ایشان رجوع کنیم . در این بیانیه به روشنی می بینیم که آنها بدین علت رهبری سازمان را " انحلال طلب " معرفی می کنند که بزم ایشان رهبری سازمان قصد دارد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را در حزب توده ایران ، منحل نماید . این اشخاص جا جا در بیانیه خود ، از صفحه ۵ به بعد ، مکررا به مردم هشدار داده اند که قصد اصلی کمیته مرکزی سازمان " همانا انحلال سازمان و پیوستن به حزب توده ایران است " آنها همچنان ربادی بیا کرده اند که نامود کنند که گویا می توان حزب درک " غیر کلیشه ای " از تعریف لنین از انحلال طلبی می توان مضمون پیوستن سازمان به حزب توده ایران را نیز انحلال طلبی نامید در این معنا نیز جای سخن ها و سؤوال های بسیار باقی است .

اولا برسدنی است آیا رهبری حزب توده ایران هم " انحلال طلبانه " دارد یا فقط هرکس در سازمان بیشتر رهبری حزب توده ایران را بپذیرد انحلال طلب است ؟ اگر می گوئید رهبری حزب توده ایران سر دسته همه انحلال طلبیان ایران است شما خودتان هم می دانید به گواه تاریخ ۴۰ ساله آن و به گواه موجودیت قسمتی آن سر سخنان مرس مبارزات علیه انحلال طلبی قسمتی از روشنفکران حزبی ، و تمام روشنفکران غیر حزبی (از جمله امام دار و دستهای که شما می خواهید درست کنید) که ۲۸ سال است برای منحل کردن ، با موجود اعلام کردن ، و پراکندن حزب توده ایران تلاش می کنید ، توسط رهبری حزب توده ایران انجام شده است . به کدام دلیل و منطق می شاهد عینی به خود اجازه می دهید بوالهوسا رهبری حزب توده ایران را " انحلال طلب " بدانید ؟ و اگر می گوئید خیر آنها خودشان انحلال طلب هستند . فقط کسی که نظرات آنها را بشنود انحلال طلب است آنکاه فقط باید از این منتع بود که چرا حسن محاسبی

را به درمان نمی برند . - ثانیا چرا رک و راست و پوست کنده به جنبش نمی گوئید شما حزب توده ایران را یک حزب منحرف و فرمیت می شناسید ؟ چرا شهادت ندارید بگوئید که معتقدید اپورتونیسم و روزیونیسم حزب توده ایران را تسخیر کرده است . چرا اعلام نمی کنید حزب را حزبی انقلابی نمی شناسید ؟ این زبونی ها و واژه ها برای چیست ؟ شما نمی توانید بین ماهیت خودتان و ماهیت حزب توده ایران تفاوتی بسیار جدی قائل نباشید . شما نمی توانید خود را یکی جز و حزب توده ایران را از چیز دیگری ندانید . شما نمی توانید برنامه و تاکتیک خود را " پروولتری " و برنامه و تاکتیک حزب را بورژوازی ندانید . شما نمی توانید حزب توده ایران را یک حزب غیر پرولتری و خود را یک حزب پرولتری ندانید . وگرنه سوگند که روی رهبری سازمان که بین ماهیت سازمان و ماهیت حزب دوگانگی نمی بینید نام " انحلال طلب " نمی گذاشتید . شما دقیقا به این دلیل از حرکت عملی رهبری سازمان در جهت وحدت که مشخصا عملا از مرداد آغاز شده است وحشت کرده اید که خود را متعلق به طبقه و حزب را متعلق به طبقه دیگری می دانید . فقط به این دلیل است که شما حرکت عملی رهبری سازمان ، از مرداد تا امروز ، که مشخصا عملا در جهت وحدت بوده است را موجب " رسوخ بورژوازی در پرولتاریا " می نامید . درست به همین دلیل است که شما می نویسید :

" .. در حالیکه ما امروز شاهد رشد پدیده های فوق زیر پرچم " مبارزه در راه وحدت " هستیم " .

شما وحدت را انحلال طلبی می دانید . این جوهر رک و پوست کنده نظر شماست . شما امروز ، وحدت را وحدتی بین دو ناهمجنس می بینید . لذا نمی توانید ، مطلقا نمی توانید از پیوند اندو هیچ استنباطی جز " انحلال طلبی " داشته باشید . شما سازمان را از تبار دیگری می دانید لذا تا وقتی چنین بیانید نمی توانید از وحدت جز انحلال یک سازمان خوب در یک حزب بد تصور دیگری داشته باشید . شما احساس می کنید یک بولدورز سرنومند دارد گنبد بارگاهی را که به قصد دیگری علم کرده بودید ، بپیرخانه می سازد . یکسان می کند و جای آن گنبد را استوارتر می سازد . شما چگونه ممکن است " این عمل وحشیانه " را انحلال طلبی محض نامید ؟ خیر آقایان ، مسئله روشن تر از آن است که شما سوانید برده بوسی کنید . رشد آگاهی های انقلابی نیروهای صدیق جنبش کمونیستی ایران مشخصا انحلال طلبانی را که ربع قرن است تمام تلاش خود را بکارگرفتن تا رهروان راه طبقه کارگر را به کجراه می کشاند باز کرده است . حتی آنها دیگر رنگی ندارند . امروز دیگر گذشته است روری که بتوان زیر پرچم مبارزه با حزب توده ایران کسی را قرب داد . امروز روری است که دشمنان اندیشه ما ترجیح می دهند بر شعار " وحدت اصولی با حزب توده ایران " انحلال آن را طلب کنند و در کمال باسف شما امروز هنوز هم آغوش فکر خود را به روی تشنگاری های این دشمنان گشوده داشته اید . نگاهی به دور و بر خود بپاکنید ببینید چه کسانی سراغتان را می گیرند و چرا می گیرند ؟ شما حرا حفظ کنید بارگاهان ، که به درسی می گوئید جبری جز کیه است حاضر شده اید راه برکسان را در پیش بگیرید . اگر واقعا صدقانی در وجود خود احساس می کنید ، ما بازم به شما حواهم گفت : این راه گمراه است . این ره به برکسان است . بابان روزهای پراکندگی است برگردید .

دستاورد های جنبش سندیگایی آنگولا

زیرسرس آن انجام داد
سازمان سندیگایی
جدیدی بدید آمد
در این زمینه " کنفرانس ملی کارگری " اوتنا در سال ۱۳۵۷ (دسامبر ۱۹۷۸) از اهمیت ویژه برخوردار بود
نراین کنفرانس اتحادیه سندیگایی نقش " میبلا " حزب کار را به مشاهده بستناحت طیف کارگر و " راهبر روند انقلاب آنگولا " تأیید
بقیه در صفحه ۲۰

سرووی بزرگ طبعه کارگر در راه بهبود شرایط اجتماعی در کشور خواند .
اکون در حدود ۵۴۰۰۰۰۰
رحمتی در سدیگاه های آنگولا شکل یافته اند . در ۱۲ ماه گذشته
۱۵ هزار عضو جدید به " اوتنا " پیوستند
اوتنا بیست و یک سال پیش (۱۹۶۰) پایه گذاری شد و دوش به دوش جنبش آرادینخ خلق آنگولا (میلا) علیه

" میلا - حزب کار " - آزربایی فعالیت شوروی مرکزی " در نیم سال گذشته بسپرداخت . وی سر مسئولیت های سکنی که گکره به سدیگاه های آنگولا سرده است ، از جمله در زمینه بهبود سازماندهی کار در کارخانه ها و بالابردن سطح زندگی رجمتکشان تأکید ورزید . پاسکوال لووالو - فانون عمومی کار " را که چندی پیش به تصویب پارلمان آنگولا رسید ،

چندی پیش در لوآندو پایتخت جمهوری خلق آنگولا هشتمین اجلاس شورای مرکزی اتحادیه ملی رجمتکشان آنگولا (اوتنا) برگزار شد . در این اجلاس درباره وظایف سدیگاهها در زمینه پیشبرد مصوبات گکره فوق العاده " میبلا - حزب کار " (زمستان ۱۳۵۹) سخن به میان آمد . پاسکوال لووالو ، دبیرکل " اوتنا " و عضو هیئت ساسی کمیته مرکزی

با سلاح اتحاد، توطئه تجاوز

امریکسا و متحدان آنرا

در هم شکنیم

س از صدور اعلامیه همدارنده کمیته مرکزی سازمان برامون خطر جدی تجاوز امریالیسم از کشورهای ارجاعی مجاور به ایران، اخباری که همگسی حکایت از تدارک خون‌آميز جیسی توطئه‌ای می‌کرد در مطبوعات کشور انعکاس یافت. انعقاد بیمان‌های نظامی میان کشورهای مرتجع منطقه سرکردگی امریالیسم امریکا در راس این اخبار بود.

امریکا حیانتکار با پا درمیانی عربستان خودی، تلاش گسترده تازه‌ای را برای متحدساختن رژیم‌های امریکایی منطقه برای پاسداری از منافع خود و سرکوب مبارزات خلقهای منطقه و به‌ویژه توطئه و تجاوز علیه انقلاب ایران و افغانستان آغاز کرده است.

در ادامه تلاش‌های تازه امریکا و ارتجاع منطقه مطبوعات در چند روز اخیر نوشتند که رژیم نظامی پاکستان تمام دیپلمات‌های خود را برای شرکت در یک گردهمایی به پاکستان فرا خوانده است. در این گردهمایی سیاست دولت مزدور ضیاءالحق درقبال رویدادهای چند هفته اخیر منطقه و بخصوص مسائل مربوط به ایران و افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است.

بنظر می‌رسد این گردهمایی که به دنبال مسافرت ژنرال "کنعان اوزن" فرمانده نظامیان حاکم بر ترکیه به پاکستان برگزار شده است به منظور هماهنگ‌ساختن هرچه بیشتر همکاری‌های ترکیه و پاکستان علیه انقلاب ایران است. زیرا به واسطه اهمیت سیاسی و جغرافیایی مناطق شمال غربی و غرب کشور که اتفاقاً ضدانقلاب محلی نیز از مدت‌ها پیش در این مناطق نسبتاً فعال است، امریالیسم امریکا علاوه بر تسداری عملی طرح تجاوزگران "تربیب و ایر"

در روزهای آبی جنوب ایران به امکان عملی تجزیه مناطق شمال غربی و غرب ایران می‌اندیشد. طرحی که می‌بایست با حمایت همه جانبه ترکیه از باندهای مسلح ضدانقلابی ایرانی که هم‌اکنون در ترکیه دارای پایگاه‌های متعدد تدارکاتی و آموزشی هستند به مورد اجراء درآید.

در روزهای آینده رئیس امارات متحدعربی برای یک دیدار چند روزه به پاکستان می‌رود و این درحالی است که زکی‌یمانی وزیر نفست عربستان خودی و عامل امریکا در اوپک دیدار شش روزه خود را از پاکستان به پایان می‌رساند. گفته می‌شود آواز مناطق حساس استان بلوچستان پاکستان در مرز ایران بازديد کرده است.

وزیر امور خارجه ترکیه "اتلیرتکمن" در سخنان خود اشاره به تدابیر مشترکی کرده است که می‌بایست جلوی گسترش روزافزون جنبش انقلابی مردم منطقه را سد نماید او گفته است:

"خطر شوری برای کشورهای آسیای جنوب غربی در مرحله اول به خاطر تحولات افغانستان بوجود آمده و با شروع جنگ عراق و ایران ایجاد وسیع تری بخود گرفت. در صورتی که کشورهای منطقه علیه این خطر مشترک اقداماتی بعمل آورند هرگز چنین تحولاتی در آسیای جنوب غربی بوجود نخواهد آمد!"

در جهت تحقق آنچه وزیر خارجه ترکیه جلوگیری از تحول اوضاع در آسیای جنوب غربی نامیده است در یکی دو هفته اخیر واحدهای نظامیان فراری وابسته به رژیم سرگوشنده ایران که از مدت‌ها قبل در پایگاه‌های

مصر و ترکیه توسط مستشاران امریکایی آموزش دیده و به انواع سلاح‌ها مجهز گردیده‌اند، وارد منطقه مرزی شپیران در خاک ایران شده‌اند. گذشته از شایعات و اخبار ضدو نقیضی که در مورد تعداد مزدوران رسیده است نفس ورود آنها به داخل ایران حکایت از ابعاد وسیع و بسیار جدی توطئه می‌نماید ناظران عینی گزارش داده‌اند که نظامیان مذکور را تعدادی از افسران ترک نیز همراهی می‌نمایند. آنها هدف‌های مقدم خود را در چند ماه آینده تسخیر ارومیه و مبادای اعلام کرده‌اند.

رژیم نظامی ترکیه نیز در مرزهای خود با ایران از نظر تدارکاتی امکانات گسترده‌ای برای استفاده این باندهای ضدانقلابی فراهم نموده است. در چند ماه گذشته چندین جاده تدارکاتی در طول مرز ترکیه با ایران توسط ارتش ترکیه ایجاد شده و پایگاه‌های نظامی همجوار ایران در خاک ترکیه بخصوص پایگاه وان از نظر تسلیحات تقویت گردیده است.

علاوه بر ورود نظامیان سلطنت طلب معروف به "ارتش رهاغیخچن ایران!" در منطقه آذربایجان غربی وجود دستمجات فئودالی در منطقه که تعدادی از آنها با باند قاسملو همکاری فعال دارند و برخی دیگر متأسفانه توسط دولت جمهوری اسلامی ایران بخصوص در دوره دولت بازرگان مسلح شده‌اند

بیش از هر زمان دیگر به خطری بسیار جدی در منطقه مبدل می‌شوند. افرادی نظیر جهانگیردردی حاجی سامی‌هانره، و طاهرخان که توسط دولت جمهوری اسلامی مسلح شده‌اند در انتظار فرصت می‌باشند تا همکاری پنهان خود را با ضدانقلاب آشکار نمایند. و علنا در کنار افرادی نظیر صناراماسدی و ایرج‌نیسانی، با جمهوری اسلامی وارد جنگ شوند برای آنکه از میزان آمادگی خوانین و فئودال‌های منطقه اطلاع دقیق تری داشته باشیم کافی است متذکر شویم که در چند هفته گذشته سپاه پاسداران ارومیه در منازل یکی از خوانین موفق به کشف مقصدار متناهی اسکناس‌های درشت جمهوری اسلامی شد که

توسط باندهای ضدانقلابی در خارج کشور به چاپ رسیده بود. به اصطلاح کنگره باند قاسملو نیز که در روزهای گذشته برگزار شد همکاری فعال باند قاسملو و شورای مقاومت مشکل از بانسد رجوی - خیابانی و بنی‌صدر را جهت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار داد. که این خود کاملاً در پیوند با مجموع توطئه‌ای است که در مناطق همجوار با ترکیه در حال تدارک می‌باشد.

تمام این واقعیات به روشنی نشان می‌دهند همانگونه که در اعلامیه هشدار کمیته مرکزی سازمان آمده است "خطر تجاوز امریالیسم امریکسا و مزدورانش از کشورهای ارتجاعی مجاور به مینمان جدی است." و دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد تمام تدابیر و امکانات موجود را جهت درهم شکستن این توطئه

رژیم نظامی و امریکایی ترکیه علاوه بر ایجاد چندین جاده تدارکاتی در طول مرز و تقویت بیسابقه تسلیحاتی پایگاه نظامی وان که همجوار ایران است، در روزهای اخیر به باندهای ضدانقلابی کمک کرده است تا آنها وارد ناحیه مرزی شپیران در خاک مینمان گردند و با کمک باند ضد انقلابی قاسملو، با سپاه پاسداران ارومیه درگیر شوند.

بکار گیرد.

سیاست اتحاد و همکاری با تمام نیروهایی که در داخل از آماج‌های انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند، تلاش پیگیر در راه انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی به سود اکثریت قاطع محرومان و مستضعفان جامعه و کوشش به خاطر استقرار حاکمیت قانون که لازمه تحکیم اتحاد و یگانگی مردم و فشرده‌گی صفوف آنهاست همچنین اتخاذ سیاستی اصولی در قبال تمام دوستان انقلاب ایران و در راس آن همکاری با اردوگاه سوسیالیستی و کشورهای جبهه پاسداری در منطقه انقلاب ما را در مقابل توطئه‌های گسترده امریالیسم امریکا و نیروهای مرتجع منطقه، حفظ کرده و پیام آن را که همانا مبارزه در راه استقلال آزادی و عدالت اجتماعی است. رساتر به خلقهای منطقه و جهان خواهد رسانید.

دستاوردها

از صفحه ۱۹

کرد و پشتیبانی کامل خود را از آن یادآور شد. کنفرانس نامبرده سوسیالیسم علمی را "آموزش انقلابی طبقه کارگر" و "ساختن جامعه سوسیالیستی و هم‌پیمانی گسست‌ناپذیر با جهان سوسیالیسم" را به عنوان "وثیقه استقلال کامل آنگسولا و دست‌یابی به پیشرفت اجتماعی بهروزی و رفاه همه شهروندان" نامید "اونتا" در دو سال گذشته به تشکیل سندیکاهای صنعتی در بینه ملی موفق شد. در این میان روند نامبرده پایان یافته است و رهبری‌های ایالتی و بیش از ۵۰۰ گروه سندیکایی کارخانه‌ای فعالیت خود را آغاز کرده‌اند.

"اونتا" هم‌اکنون به نخستین پیروزی‌ها در گستره پایه‌گذاری جنبش مسابقه تولیدی و کار سیاسی - ایدئولوژیک دست یافته است در نتیجه انضباط، کار در کارخانه‌ها بهبود یافته است.

سال پیش (۱۹۸۰) اونتا نخستین مسابقه تولیدی سالیانه را در آنگولا سازمان داد. این جنبش قبلاً در دوره‌های سه ماهه آزمایش شده بود.

در هشتمین اجلاس شورای مرکزی اتحادیه ملی زحمتکشان آنگولا، "اونتا" پشتیبانی خود را از این نکات مقدمه "قانون عمومی کار" ابراز داشت که "از دستاوردهای انقلاب پاسداری کند" و در راه "بهبود شرایط زندگی مردم تقویت هم‌پیمانی کارگران و دهقانان و بسیج زحمتکشان برای نوسازی کشور" کام برادر.

دُم خروس در تبلیغات امپریالیسم خبری

پنجشنبه دهم دیماه
۱۳۶۰ - شماره ۱۶۱۱۰



مصاحبه ژروالدو ریگان

از : واشنگتن پست

س: چرا فروش اوکسها به عربستان سعودی با مصالح و منافع هردو کشور آمریکا و اسرائیل انطباق دارد؟

ج: اسرائیل بدو دلیل از این معامله سود خواهد برد. نخست آنکه به گمان من نخستین تهدید در خاور میانه، همبرای اسرائیل و هم برای کشورهای عربی، اتحاد شوروی است. چندی پیش ما توانایی هوایما های ایران را دیدیم که با پرواز در ارتفاع کم، تاسیسات نفتی کویت را بمباران کردند. رادارهای زمینی یکجمله مشابه به حوضه های نفتی عربستان سعودی را در عرض فقط دودقیقه اطلاع می دادند، در حالیکه سعودی ها با بهره گیری از آراکس و سیستم هشدار دهنده آن فرصت کافی خواهند داشت تا هواپیماهای خود را برای روبرویی با مهاجم و جلوگیری از حمله، بر فراز خلیج فارس به پرواز در آورند، این برای همه ما عملاً قابل ملاحظه است.

۱- "خطر شوروی" در فرهنگ امپریالیسم به چه معنی است؟

کیمان

پنجشنبه ۱۰ دی ۱۳۶۰

۴ ربیع الاول ۱۴۰۲ - شماره ۱۱۴۷۲

نشریه نیوتایمز مسکو:

امریکا از بستن هر گونه تهمتی به جمهوری اسلامی ایران ابائی بخود راه نمیدهد

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی - بر اساس گزارش خبرگزاری تاس از مسکو نشریه نیوتایمز (دوران جدید) چاپ مسکو در مقاله ای ضمن اشاره به توطئه های شیطان بزرگ علیه جمهوری اسلامی ایران و ذکر این مساله که سیاست خشنی که دولت آمریکا علیه ایران در پیش گرفته است نشانه تعایل این دولت به انتقام جویی است خاطر نشان مسازد که آمریکا برای آنکه تمنا چنان وانمود کند که جمهوری اسلامی ایران سیاست مناخه جویانه را دنبال میکند از بستن هر گونه تهمتی هر چند غیر قابل قبول هم باشد ابائی بخود راه نمی دهد. این نشریه در خانه می افزاید مطبوعات برخی از کشورهای خاور میانه با هماهنگی کامل با این جریان است که در اواخر ماه گذشته گزارشی منی بر به اصطلاح (توطئه ایران) جهت از بین بردن اعضای دولتهایی در خلیج فارس را به چاپ میرسانند.

۲- دوستان انقلاب ایران

چگونه توطئه های امپریالیسم خبری را افشاء می کنند.

کارزار تبلیغاتی تفاله های امریکا علیه پیگیرترین مدافعان انقلاب

دارد که "روسها" در افغانستان بمب های ناپالم و میکروبی و پیشرفته ترین سلاح های سبک و سنگین بکار می برند!

س: عقیده آزاد است و آقای "س. ج." عقیده دارد که امپریالیسم خبری راست می گوید. اگر شما هم مانند آقای "س. ج." معتقد شوید که امریکا تحریرک نمی کند و کاری به افغانستان ندارد و شوروی به کشتار زنان و کودکان افغانی با بمب های ناپالم و میکروبی مشغول است؛ زحمت آقای "س. ج." به هدر نخواهد رفت؛ شما هم نسبت به امریکا "حسن نظر" پیدا خواهید کرد و دشمن را شوروی خواهید دانست.

آقای "س. ج." برای شما "دلیل" ورود برنازان شوروی به افغانستان را مجانی در اختیار شما می گذارد، چون این دلیل را مجانی از امپریالیسم خبری گرفته است. می نویسد:

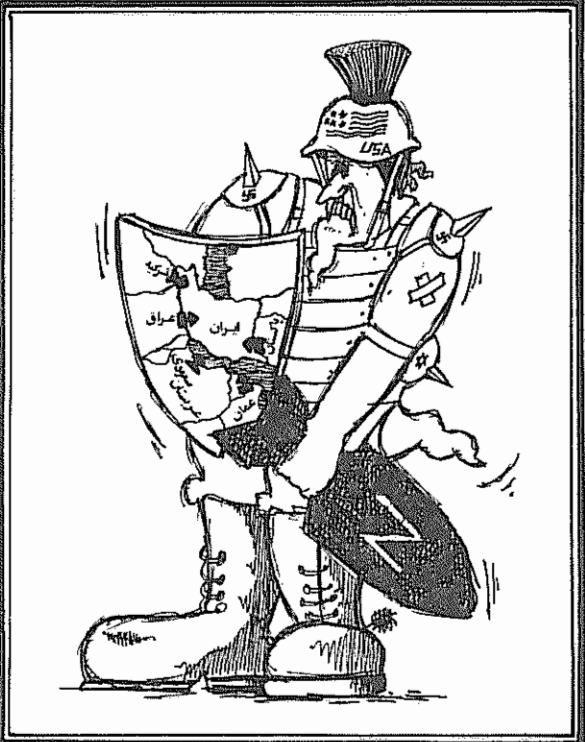
"می گویند که یکی از آرزوهای پترکبیر تزار بزرگ روسیه این بود که مرزهای روسیه را به آبهای آزاد برسانند" و حالا شوروی می خواهد "یک قدم دیگر به آرزوهای پترکبیر نزدیک تر گردد" پس شما بدانیدو آگاه باشید که سیاست شوروی را پترکبیر تعیین کرده است و این شوروی همان روسیه است!

کافی نیست؟ آقای "س. ج." برای شما کم و کیف "تاریخ" افغانستان را توضیح میدهد. ماجرای حرکت "روسیه" به سوی آبهای گرم از اینجا شروع می شود که اول "سردار" داوودخان " رژیم سلطنتی ظاهرشاه را وازگون می کند. این سردار

بقیه در صفحه ۲۳

در این اواخر، دوباره موجی از تبلیغات ضد شوروی به عنوان "دشمن خارجی" و نیز ضد کمونیستی به ویژه ضد حزب توده ایران، به عنوان "دشمن اصلی داخلی" در مطبوعات و محافل معین به حرکت آمده تا آنجا که هاشم صباغیانها را به شوق آورده و امید خفته "جاده صاف کن های" امریکا را مجدداً بیدار کرده است "استدلالات" این تبلیغات البته ابتکاری نیست، اقتباسی است و اگر شما به رادیوهای صدای امریکا و اسرائیل و بی. بی. سی. و بغداد و بختیارو اویسی و... گوش کنید، خواهید دید که "سواد مطابق اصل" است.

نمونه ای از این تبلیغات را بد نیست از نظر بگذرانیم مثلاً مقاله ای را که شخصی به نام (احتمالاً مستعار) "سجاد جاویدی" در روزنامه اطلاعات در دو بخش در شماره های هشتم و نهم دی ماه، درج نموده است. عنوان کلی این دو مقاله چنین است: "از پراگ تا کابل، از کابل تا ورشو" از همین عنوان پیداست که آقای "س. ج." از اینکه توطئه امپریالیسم در چکسلواکی، سپس در افغانستان و سپس در لهستان





کتابی نه چندان حجیم (۸۷ صفحه) در پیش رو داریم که سرشار از محتوایی پربار و آموزنده است. کتاب "سیمای مردمی حزب توده ایران" با زیر عنوان "بحثی در مشخصات حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران" نوشته ف. م. جوانشیر از انتشارات حزب توده ایران.

همه علاقه‌مندان به استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی است عرضه کند. مطالب کتاب را نمی‌توان خلاصه کرد. فقط می‌توان به همه رفقا با گرمی توصیه کرد که با دقت و با حوصله، و اگر لازم باشد چند بار، و اگر ضرورت افتد طی بحث‌های جمعی همراه با سؤال‌ها و تدقیق مسائل، آن را مطالعه کنند.

کتاب آموزشده و کوبنده پر مسئولیت و پر شور است. کتاب با چنان صحت و دقت علمی خواص اساسی حزب را در تئوری و تطبیق آن را با عمل مشخص می‌شرد و توضیح می‌دهد که می‌تواند به مثابه یک درسامه معتبر مورد استفاده و آموزش همه رفقا و کارگران مبارز و هواداران صدیق راه طبقه کارگر قرار گیرد.

آموزش لنینی دربارہ اصول تشکیلاتی حزب طراز نوین طبقه کارگر، برشالوده برخوردی طبقاتی بدور از هرگونه انحراف راست یا "چپ" به روشنی و با دقت علمی، در صفحات این کتاب بازتاب یافته است. بررسی تطبیقی اختلاف نظر حزب و انواع گروهکهای خرابکار درباره مشخصات حزب لنینی نیز همانطور که در مقدمه تصریح شده خصلتی آموزشی دارد.

معمولا یک درسامه با فرمول‌های خشک و معین و ناگزیر به شکلی تجریدی تدوین می‌شود. کتاب حاضر اما در عین خصلت عمیقاً آموزنده خود و بیان سیستماتیک مبانی تئوریک کتابی است به قول معروف "پولمیک" یعنی جدلی و ردکننده نظریات مخالف و بیان نظر خویش در کوره مقابله با دیگر آراء. کتاب

ناگفته پیداست که مسئله مورد بحث در کتاب مسئله حادی است، مسئله روز است مسئله مهم جنبش کارگری و کمونیستی ایران در مرحله کنونی تکامل آن است که امر وحدت به یک ضرورت عینی بدل شده است

حزب طبقه کارگر چگونه حزبی است؟ حزب طراز نوین یعنی چه؟ سازمان ما خواستار چگونه حزبی با چه مشخصاتی و خصوصیات است آیا حزب توده ایران چنین حزبی هست، یا چنین حزبی بوده است؟ آیا فرمول‌بندی‌های پلنوم اسفند تا چه حد جوابگوی این مختصات است؟ و... رفقا می‌دانند که اینها همه پرسش‌هایی است حاد و میرم پاسخ معتبر و مستدل و مستند به این پرسش‌ها خدمت بزرگی است به جنبش کمونیستی ایران، به وحدت همه پیروان راستین سوسیالیسم علمی، به حل مسائل حادی که تکامل نهضت در برابر ما نهاده است. اهمیت کتاب درست در همین‌جاست که چنین پاسخی را به بسیاری از این پرسش‌ها ارائه می‌دهد. رفیق جوانشیر نویسنده کتاب موفق می‌شود که در کمترین حجم ممکن، بیشترین اطلاعات و محکم‌ترین استدلال‌ها را در آنچه مورد نظر همه رفقای ما و نه فقط رفقای ما، بلکه

با کوبندگی مستدل و پیر - حرارتی نظریات مغایر با مارکسیسم - لنینیسم را در مسئله مورد بحث رد می‌کند نویسنده نشان می‌دهد که حزب توده ایران چه در عمل چه از نظر تئوریک، در نبرد با ترولسکیست‌ها و انشعابیون خلیل‌ملکی و مائوئیست‌ها و انواع انحرافات راست و "چپ" رشد کرده و آبدیده شده و خصلت‌های اساسی‌اش بیش از پیش متبلور شده است. حزب به مثابه یک نهاد سیاسی گردان پیشرو و مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر، همچو یک روند تکامل‌یافته و پویا بررسی شده است. در صفحات کتاب ما با نمونه‌هایی از برخورد جدی سیاسی - طبقاتی و معرفتی تئوریک بین حزب توده ایران و مخالفین و معاندینش، بین مارکسیسم لنینیسم و تحریف‌کنندگان و مسخ‌کنندگانش روبرو می‌شویم خصلت کوبنده و پولمیک کتاب بر جدابیت و زنده‌بودن و پیکارجویی آن بسی افزوده است و خصلت آموزنده درس‌واره‌ای آن را قدرتمندتر و ملموس‌تر کرده است.

کتاب با صلابت و حسن مسئولیت نسبت به اندیشه سترگ مارکس انگلس و لنین و بیان درست و دقیق علمی مبانی آن در زندگی تشکیلاتی حزب نوشته شده است. خواننده درک می‌کند که معیار اصلی زندگی و فعالیت و ساختار خود حزب توده ایران نیست که بر قامت آن قیاسی از توجیهات عقیدتی بریده و دوخته شده باشد، بلکه بر عکس اساس عبارت است از بیان مسئولانه شالوده‌های آموزش مارکس و لنین و تجربه غنی جنبش کمونیستی جهانی و تمام دستاوردهای خلاقه زندگی و نبرد ۱۳۰ ساله آن، و آنگاه بررسی اینکه ساختار و عملکرد حزب تا چه اندازه و چگونه با این معیارها تطبیق می‌کرده و تا چه اندازه اطلاق صفت حزب طبقه کارگر برازنده آن بوده است.

ولی کتاب بیطرف و ناظر بی تفاوت نیست، برعکس نویسنده با چنان شور و عشق از حزب خود و از مبانی

عقیدتی و تشکیلاتی‌اش و از تاریخ پربار و عبرت‌انگیز سخن می‌گوید و دفاع می‌کند که می‌تواند برای هر کمونیستی درسی آموزنده و سرشقی بسیج‌کننده باشد. نویسنده در برابر سبلی از اتهامات بهتان‌ها و افتراها و در برابر کوهی از دروغ‌ها و تحریفات و ناسازها قرار دارد ولی او سر بلند و مقتخر از تعلق به حزب خویش و از ماهیت و خصلت آن، از تاریخ سراسر مبارزه و فداکاری‌های اعضای آن، خروشان و توفنده موفق می‌شود که تمامی گرمای شور و محبت خویش را به خواننده بی‌غرض منتقل کند.

ما که معتقدیم تصمیمات پلنوم مرداد ماه درست و دقیق و عمیقاً حقیقت‌جویانه و وحدت‌طلبانه بوده است، نمی‌توانیم کفکی را که این کتاب، در عرصه یکی از حادترین پیکارهای عقیدتی حول مسئله وحدت چه از نظر اصولی و چه از نظر شناخت حزب به ما می‌کند، انکار کنیم. ما که خواهانیم با زوایای تازه‌ای در ارزیابی و موقعیت حزب توده ایران در جنبش کمونیستی ایران آشنا شویم با این کتاب به مقصود خود نزدیک‌تر می‌شویم و متوجه می‌شویم که تبلیغات خصمانه چه بار گرانی از پیشداوری و قضاوت‌های سنجدیده و شتابزده، بر پایه عدم اطلاع و ناآگاهی بر ذهن ما تحمیل کرده است.

سازمان ما در قطعنامه‌های پلنوم اسفند و پلنوم مرداد مسائلی را درباره هویت مارکسیستی - لنینیستی حزب و سازمان و در نتیجه ماهیت کارگری و تعلق آنها به طبقه کارگر و بالاخره امر وحدت مطرح کرده است. ما می‌بایست این مفاهیم را روشن کنیم و معنای دقیق ماهیت پرولتری و تعلق طبقاتی را در عمل و منطبق بر واقعیات درک کنیم. برای رسیدن به این هدف پلنوم مرداد ماه رهنمود داد که این "مباحث با شرکت موثر" رفقای حزب تعمیق شود. کتاب "سیمای مردمی حزب توده ایران" در واقع نمونه‌ای از شرکت فعال و موثر و سودمند رفقای حزب برای روشن کردن این مفاهیم و

هموار کردن راهی است که همه کمونیست‌ها بی‌تردید باید به آن روی آورند و همه "گام‌های ممکن را در جهت وحدت عمل و همفکری و نزدیکی حزب و سازمان به منظور دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن بردارند. ما در شماره ۱۴۱ کسار (دوم دی) نوشتیم:

رهبری سازمان ما با مراجعه به رهبری حزب خواست که برای یاری کردن مباحثاتی که در سازمان پیرامون مشخصات حزب طراز نوین طبقه کارگر جاری است، بار دیگر توضیحات خود را در این زمینه در سطح جنبش اعلام نماید. خرسندیم که با این کتاب ارزشمند، حزب پاسخ شایسته‌ای به درخواست سازمان داده است. باید اضافه کرد که پیش‌بینی ما درست بود که "این کسار" منطقی به سود اعتبار و حیثیت حزب توده ایران و تقویت اعتماد نسبت به آن عملکرد خواهد داشت "براستی که انتشار این کتاب با کیفیت بالای خود و پاسخگویی به نیاز میرم کنونی، چنان عملکردی داشته است. این خود نشان می‌دهد که "شرکت موثر رفقای حزب" در ارزیابی و مباحث جاری جقدر لازم و توصیه پلنوم مرداد سازمان تا چه اندازه درست و صائب بوده است.

نویسنده در مقدمه کتاب یکی از هدف‌های آن را ارائه توضیح و پاسخ به جوانانی می‌داند که "صادقانه و با نیت پاک در پی شناخت مشخصات حزب لنینی هستند و این را به‌ویژه در حق هواداران سازمان می‌گوید که "با شهامت و صداقت راه درازی را پیموده و اینک در موضع دفاع از وحدت حزب طبقه کارگر ایران قرار گرفته‌اند... اینسان پرسش‌های فراوانی دارند که به هیچ‌روی کینه‌توزانه و زهرآلود نیست معقول و منطقی است، از موضع سالم شناخت برای پیشرفت مطرح می‌شود...

برای یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست که ما خواندن کتاب رفیق جوانشیر را به همه رفقا و هواداران توصیه می‌کنیم.

از صفحه ۲۱

کارزار تبلیغاتی

نبرده و فقط شوروی را مطرح کرده است تا آمریکا را منسی کند ، لذا برای آنکه مجش گیر نیفتد ، جمله‌ای را به متن مقاله ضد شوروی و ضد حزب توده ایران می‌افزاید و می‌نویسد :

" از آن جهت که دشمن اصلی و شیطان بزرگ امریکاست ، ما نمی‌خواهیم با دامن‌زدن به بیعت‌های فرعی ... اذهان را از مبارزه علیه امریکا و اذنباش منحرف سازیم و سپس به " دامن‌زدن به بیعت‌های فرعی " ادامه می‌دهد تا " اذهان را از مبارزه علیه امریکا و اذنباش منحرف سازد " مقاله آقای " س . ج " نمونه‌وار است . در این اواخر موج اینگونه تبلیغات دشمن شدن مجدداً به حرکت آمده ، تا آنجا که ، همچنانکه گفتیم ، هاشم صباغیان را هم به شوق آورده و زبان نظائر او را گشوده است انزطر صباغیان‌ها تمام گرفتاری‌ها از حزب توده ایران است و " جاده صاف‌کن‌های " امریکا دوستان و خدمتگزاران صدیق انقلاب‌اند . او که به شوق آمده ، در مجلس نطقی ایراد کرد ، لیبرال‌گونه دل تنگش را علیه سازمان ما و حزب توده ایران گشود و خدمات " انقلابی " دولت بازرگان-بزدی را ستود . اگر صباغیان در پایان این نطق فریاد بر می‌آورد " زنده‌باد امریکا ! " نطق او تکمیل و بی‌نقص می‌شد ولی ظاهراً آقایان هنوز صلاح نمی‌دانند که چنین بانگی بر آورند و به جای آن می‌گویند " مرگ بر شوروی " به امید اینکه روزی برسد که آزادانه بگویند " زنده‌باد امریکا " ولی انقلابیون ایران ، پیروان صدیق خط امام و نیروهای راستین سوسیالیسم علمی هرگز نخواهند گذاشت چنین روز فرارسد .

بخش دوم مقاله آقای " س . ج " خنکی است از اهانت و فحش و افتراء به حزب توده ایران که آقای " س . ج " آن را " حزب روسی " یا " کمونیست‌های وطنی " نام نهاده است . می‌نویسد :

" این حزب ملعون مغفور خائن دقیقاً آینه تمام‌نمای سیاست شوروی در ایران است " لاید به دلیل اینکه هم اتحاد شوروی و هم حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده‌اند . در اینجا آقای " س . ج " ناگهان متوجه شده که در مقاله نامی از امریکا به میان می‌آید .

می‌شناسیم . متوقف ساختن تشکیل قانونی شوراها به بهانه " تأمین پرسنل کافی و ... " مفاسد مصالح انقلاب و دهن‌کجی به خواست‌های کارگران کشور است کارگران واحدهای تولیدی خدماتی میهن بیش از هر چیز انتظار داشته و دارند که مسئولین جمهوری اسلامی

بیانیدند دامن‌زدن به اختلالات داخلی و سنگاندازی بر سر راه اجرای قانون همیشه دشمنان انقلاب را شادمان کرده است . مردم انقلابی و قهرمان ما که تاکنون در مقابل گویی از مشکلات ، استوار ایستاده و آنها را مغلوب اراده انقلابی و تاریخ‌ساز خود ساخته‌اند به حق از شورای نگهبان قانون اساسی انتظار دارند تا با درک ضرورت‌های انقلاب و پیروی از رهنمودها و فرامین امام خمینی با رای و نظراکثریت مجلس شورای اسلامی در تصویب لویحی نظیر لایحه اراضی شهری که بدون تردید به سود گسترش و تحکیم انقلاب و در انطباق کامل با قانون اساسی است همراه بوده و از تصویب آنها پشتیبانی نمایند ، مردم انقلابی ایران که طی نزدیک به سه سال چینی ایتارگرازه از انقلاب دفاع کرده‌اند درنبرد انقلابی و سرنوشت‌ساز به خاطر اجرای قانون اساسی و استقرار حاکمیت قانون در پاسخ به اساسی‌ترین آماج انقلاب ، یعنی تأمین عدالت اجتماعی نیز پیروز خواهند شد . مخالفت دشمنی با این سمت‌گیری ، مخالفت و دشمنی با انقلاب است علی‌رغم رای شورای نگهبان تمامی مردم از رای اکثریت قاطع مجلس در تصویب و اجرای لایحه اراضی شهری قاطعانه حمایت می‌کنند . مخالفت شورای نگهبان با رای اکثریت مجلس که خواست برحق مردم را مورد تأیید قرار می‌دهد ، مخالفت با خط مردمی امام خمینی و توده‌های محروم است . از این مخالفت‌ها باید دست کشید .

میان مردم و شورای نگهبان در این زمینه اختلافی نیست ، در واقع شورای نگهبان با رای اکثریت مجلس که خواست برحق مردم را مورد تأیید قرار می‌دهد ، مخالفت با خط مردمی امام خمینی و توده‌های محروم است . از این مخالفت‌ها باید دست کشید .

گسترده نه تنها تشکیل شوراها توسط خود کارگران بلکه از اصلاح جدی قوانین و آیین‌نامه‌ها تا نظارت بر چگونگی اجرای آن را نیز دربر می‌گیرد . ما مشارکت نمایندگان واقعی کارگران را در اصلاح جدی موازین و قوانینی که ناظر بر تشکیل شوراها بوده‌است امری ضروری و تاخیرناپذیر

می‌شناسیم . متوقف ساختن تشکیل قانونی شوراها به بهانه " تأمین پرسنل کافی و ... " مفاسد مصالح انقلاب و دهن‌کجی به خواست‌های کارگران کشور است کارگران واحدهای تولیدی خدماتی میهن بیش از هر چیز انتظار داشته و دارند که مسئولین جمهوری اسلامی

از صفحه ۷

مردم و اکثریت مجلس خواستار ...

می‌گردد . در عین حال هیچگاه دست ازسایر اشکال توطئه و خرابکاری در داخل نیز برنخواهد داشت .

در چنین موقعیتی است که ضرورت بهم فشردگی هرچه بیشتر صفوف مردم و پشتیبانی قاطعانه آنها از انقلاب جهت مقابله با خطرانی که انقلاب را تهدید می‌کند بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود . گسترش و تحکیم چنین اتحادی نیز میسر نیست جز از طریق وفادار ماندن به تمام آن آماج‌هایی که مردم ما به خاطر آن انقلاب بزرگ ایران را تحقق بخشیدند .

آن عناصر و جریان‌هایی که در درون حاکمیت انقلابی با قشری‌گری و تنگ‌نگری و یا با تفاسیر و توجیهاتی که مورد پسند سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ است مانع اجرای قانون به سود اکثریت قاطع زحمتکش و محرومان جامعه می‌شوند و در کنار نهادهای انقلابی و قانونی خرابکاری می‌کنند با سلب اعتماد مردم از نهادهای انقلابی جامعه و تضعیف جبهه داخلی انقلاب ، امپریالیسم امریکارا در امکان مسووقیت نقشه‌های تجاوزکارانه‌اش علیه انقلاب ایران و فراتر از آن خلقهای منطقه امیدوار می‌سازند .

شورای نگهبان در چنین موقعیت خطیری و حساسی باید به ابعاد فاجعه‌آمیز مخالفت‌های خود با نظر اکثریت قاطع مجلس شورای اسلامی که از پشتیبانی رهبر انقلاب و توده‌های میلیونی برخوردار است ،

کمیته‌های ایالتی

سربازان و بزرگان است و لازمه چنین پهنرفتی اتحاد تمامی نیروهای مدافع انقلاب ، نیروهای راستین پیرو خط امام و طرفداران سوسیالیسم علمی است . در چنین شرایطی ، انقلابی کسی است که هرچه بیشتر در جهت وحدت کلیه نیروهای خلق عمل کند و به شکست بکشد . تلاش مذموبانه امپریالیسم را در جهت ایجاد تفاق و چندسنگی درون صف نیروهای انقلاب ، افتاء نموده و به شکست بکشد .

لیکن متأسفانه در این شرایط حساس ، برخلاف تمام ضرورت‌های انقلاب و بدون توجه به وحدت نیروهای خلق ، در هفته اخیر از جانب دسته‌ای تحت رهبری کنتگر - هلیبرودی بهانه‌های تحت عنوان " با انحلال بلای مبارزه کنیم و از وحدت اصولی دفاع نمائیم " منتشر شده است . نویسنده‌گان این بیانیه که به دروغ خود را سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نامیده‌اند ، بدون اطلاع کمیته مرکزی و کمیته‌های ایالتی سازمان به چنین اقدامی دست زده‌اند .

کمیته ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در لرستان این اقدام ناعاقلانه و توطئه‌گرانه را شدیداً محکوم کرده و پشتیبانی قاطع خود را از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام می‌نماید .

کمیته ایالتی لرستان - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دوم دی - ۱۳۶۰

از صفحه ۶

جلوگیری

از تشکیل

گسترده نه تنها تشکیل شوراها توسط خود کارگران بلکه از اصلاح جدی قوانین و آیین‌نامه‌ها تا نظارت بر چگونگی اجرای آن را نیز دربر می‌گیرد . ما مشارکت نمایندگان واقعی کارگران را در اصلاح جدی موازین و قوانینی که ناظر بر تشکیل شوراها بوده‌است امری ضروری و تاخیرناپذیر

ار قیام نجومی در جنگ افغانه ای افغانستان

در صفحه ۱۶

آوای یأس ریگان

سرکوب ضد انقلاب در لهستان

همه نقشه های آمریکا را نقش بر آب کرد

در صفحه ۱۸

کارزار تبلیغاتی تفاله های امریکا علیه پیگیرترین مدافعان انقلاب

□ موج تبلیغات ضد کمونیستی دشمن شاد کن در مطبوعات، صباغانها را به شوق آورده و زبان آنها را گشوده است.

در صفحه ۲۱

رفقای ما را در میوان و بانه آزاد کنید

اکنون نزدیک به هشت ماه است که تعدادی از اعضاء و هواداران سازمان توسط سپاه پاسداران میوان بازداشت شده و تاکنون به بهانه های گوناگون از آزاد کردن آنها خودداری شده است. همچنین در روزهای گذشته تعداد دیگری از رفقای ما در بانه به تحریک دار بسته های فتودالی که متأسفانه برخی از آنها با سپاه پاسداران بانه همکاری نزدیک دارند، بازداشت شده اند. با توجه به مواضع قاطع سازمان در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، دستگیری و بازداشت اعضاء و هواداران سازمان در کردستان که خط مشی انقلابی سازمان را پیگیرانه در منطقه دنبال می کنند عملی است خلاف قانون و مغایر با مصالح انقلاب.

ما ضمن اعتراض مجدد به ادامه بازداشت این رفقا از دادستانی کل انقلاب و مقامات ارگان های مسئول در منطقه، آرای هر چه سریع تر آنها را خواستاریم.

رفقای زندانی ما عبارتند از :

سریوان ————— بانه

- | | |
|------------------|------------------------|
| ۱- غلام رنگنه | ۱- جمال احمدزاده |
| ۲- مجید عزیزی | ۲- حسن ملازم خوشایدر |
| ۳- زاهد نبوی | ۳- عبدالخالق دولتی |
| ۴- اقبال پرتوی | ۴- عطاء الله سرشیدی |
| ۵- امین نوری | ۵- علی کلهری بانه |
| ۶- رشید عزیزی | ۶- صدیق فقیهی |
| ۷- مجید ابراهیمی | ۷- محمد امین شریف زاده |
| ۸- ناصر اشرفی | ۸- مجید رحیمی جمال |
| ۹- خسرو ناصری | ۹- عزت الله سرشیدی |
| ۱۰- فارس رحمانی | ۱۰- عمر دولتی |
| ۱۱- جلال کرباسی | ۱۱- فرید دولتی |
| | ۱۲- نوری امین نژاد |

غلامحسین صالحی و عبدالله خرّمی را آزاد کنید

رفقا غلامحسین صالحی و عبدالله خرّمی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که از مدتی پیش در بازداشت بسر می برند، اخیراً از زندان اصفهان مجدداً به زندان اهواز انتقال یافته اند. بر طبق پاره های اخبار و شواهد رسیده در وضعیت نگران کننده ای بسر می برند. ما از مقامات قضایی اهواز می خواهیم که با آزادی این دو نفر که در رمره مدافعان پیشور جمهوری اسلامی در منطقه هستند خانواده های آنها و همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از نگرانی بدر آورند.

راز جاودانگی نام جهان پهلوان تختی

وفاداری او به مردم

میهنش است



۱۷ دیماه ۱۳۴۶، جهان پهلوان تختی، این فرزند برومند خلق که تا واپسین روزهای زندگی شرافتمندانه اش به رمانهای میهن پرستانه و مردمی اش و وفادار ماندن به شهادت رسید.

بزرگترین قهرمانی غلامرضا تختی، قهرمان ملی میهنمان که بارها در میا دین ورزشی جهان درخشیده و برای مردم کشورش غرور ملی ارمغان آورده بود، ایستادگی وی در برابر شاه امریکایی بود. راز جاودانگی تختی همانا در همین بود. او تا به آخر به میثاق خود با مردمش وفا کرد، حتی یک لحظه تسلیم دشمنان مردم نشد و هرگز تنگ خیانت را بر خود تحمیل نکرد.

در چهاردهمین سالروز شهادت این پهلوان غرور انگیز، یاد او گرامی و نامش جاوید باد.

گرامی باد خاطره شکوهمند

قیام مردم قم

□ ۱۹ دی چهارمین سالروز قیام قهرمانانه و خونین مردم قم است. خشم مردم که از سفاکی ها و جنایات رژیم امریکایی و ضد خلقی شاه مدفون، در سینه ها تلنبار شده بود بر اثر انتشار یک مقاله توهین آمیز نسبت به امام خمینی در قم منفجر شد. در اثر درنده خویی و وحشیگری مزدوران رژیم آریامهری چندین تن از هم میهنانمان به شهادت رسیده و دهها تن مجروح شدند. قیام قم آغاز اعتلای جنبش ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم ایران بود که به انقلاب پیروزمند بهمن ماه ۵۷ انجامید و فصل نویینی را در تاریخ کهنسال میهنمان گشود.

سازمان ما خاطره پرشکوه این قیام مردمی را گرامی داشته و به تمامی شهدای انقلاب شکوهمند خلق و از جمله شهدای قیام مردم قم درود می فرستد.

از خاطرات یک رفیق فدایی
از پیروزی اخیر بستان

دور راه دفاع از

مبیین انقلابی

مرکز حقیر نواز

عزم مردم

بیا خاسته است

در صفحه ۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر